



جامعه شناسی تعاون

The Sociology of Cooperation

Mehdi Akhtar Mohagheghi

جامعه شناسی تعاون

مهدی اختر محققى

نویسنده

مهدی اختر محققى



شابک : ۹۶۴-۰۶-۹۰۸۸-۰

جامعه شناسی تعاون

نویسنده

مهدی اختر محققى

اطلاعات کتاب شناسی

اختر محققى ، مهدى ، ۱۳۵۸ -
جامعه شناسى تعاون / نویسنده مهدى اختر محققى . - تهران : مهدى اختر محققى ، ۱۳۸۶ .
۱۰۴ ص .

ISBN: 978-964-04-1255-8

۱۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسى بر اساس اطلاعات فیپا.

پشت جلد به انگلیسى:

The Sociology of Cooperation
Mehdi Akhtar Mohagheghi

کتابنامه: ص. ۱۰۰ - ۱۰۴ .

۱. تعاون . تعاونیها .

۲۹۶۳ HD ج ۲ الف /

کتابخانه ملی ایران

۳۳۴

۲۰۵۲۴ - ۸۵ م

ISBN: 978-964-04-1255-8

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۱۲۵۵-۸

عنوان : جامعه شناسی تعاون

تالیف : مهدى اختر محققى

ناشر : مولف

تاریخ انتشار : ۱۳۸۵

نوبت چاپ : اول

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

قیمت : ۱۰۰۰۰ ریال

info@akhtar.ir

ارتباط با مولف :

کلیه حقوق چاپ و نشر محفوظ می باشد .

فهرست مطالب

۷ فصل اول : تعاون چیست؟

۹	تعاون
۱۱	کارکرد واژه تعاون
۱۵	عوامل مولفه تعاون
۱۶	تعاونی
۱۷	شرکت تعاونی
۱۸	ویژگی شرکتهای تعاونی
۱۹	اهداف اساسی تعاون
۲۰	انواع تعاونی از لحاظ ماهیت
۲۱	انواع شرکتهای تعاونی

۲۵ فصل دوم : تاریخچه تعاون

۲۷	تاریخچه تعاون
۳۰	تاریخچه تعاون در اروپا
۳۰	دوران امپراطوری روم
۳۱	دوران قرون وسطی
۳۱	دوران رنسانس
۳۲	نظام لندشافتن
۳۳	دوره انقلاب صنعتی
۳۳	دوره سرمایه داران کوچک
۳۹	تاسیس اتحادیه بین المللی تعاون
۴۱	یونان باستان
۴۲	سوئیس
۴۲	فرانسه
۴۳	بلژیک

۴۳	ایتالیا
۴۳	آلمان
۴۴	دانمارک
۴۵	آمریکا
۴۶	استرالیا
۴۷	آفریقا
۴۸	چین باستان
۴۹	مصر باستان
۵۰	عصر بابل
۵۱	ژاپن
۵۲	هندوستان
۵۳	اندونزی
۵۴	پاکستان
۵۵	تاریخچه تعاونی در ایران
۵۸	تعاونیهای رسمی در ایران قبل از انقلاب

۶۳ فصل سوم : دیدگاهها و نظریات پیرامون تعاون

۶۵	اصول بخش تعاون
۶۶	تعاون در تاریخ ادیان
۶۷	تعاون و اسلام
۶۸	تعاون و سوسیالیسم
۷۰	تعاون و مارکسیسم
۷۲	تعاون و کاپیتالیسم
۷۳	لارس مارکوس
۷۳	سون اکه بوک
۷۴	کی ون سو
۷۵	سن سیمون

۷۵	رابرت اون
۷۶	فیلیپ بوشه
۷۶	ویلیام کینگ
۷۷	شارل فوریه
۷۸	لویی بلان
۷۸	ژرژ کوفه
۷۹	پل روی
۷۹	کامپیل
۷۹	لویس اسمیت
۸۰	فرانس هلم
۸۰	کرایک
۸۱	اصول مکاتب تعاونی
۸۱	اصول مکتب راچدیل
۸۵	اصول مکتب رایفایزن
۸۷	اصول مکتب شولتز دلتیج
۸۷	اصول مکتب ویلهم هانس
۸۸	اصول تعاون در قرن ۲۱
۹۰	مکتب کلاسیک
۹۸	مکتب نئو کلاسیک
۱۰۰	مکتب جدید سازمان
۱۰۴	مکتب اقتضاء
۱۰۵	منابع

فصل اول

تعاون چیست؟

فصل دوم

تاریخچه تعاون

فصل سوم

دیدگاهها و نظریات پیرامون تعاون

The Sociology of Cooperation

Mehdi Akhtar Mohagheghi

تعاون

واژه cooperation را اولین بار رابرت آون^۱ در برابر کلمه رقابت مورد استفاده قرار داد. از نظر او «تعاونی موسسه ای است اقتصادی که از طرف اعضاء سازمان یافته، ایجاد می‌گردد. Cooperation کلمه ای است مرکب از دو بخش (Co) که در زبان لاتین به معنی (بیشتر) و یا (با هم) بکار می‌رود و دیگری (Operation) که از ریشه (Operari) لاتینی مشتق شده و به معنی عمل کردن و کارکردن است. کنوپراتیو (Cooperative) به واحد و یا گروهی اطلاق می‌شود که مبتنی بر تعاون فعالیت می‌کند و کنوپراسیون عمل همکاری و شرکت در انجام یک کار مشترک است. در فارسی کلمه «تعاون» را معادل cooperation به کار گرفته اند در زبان فارسی ترکیب شرکت تعاونی را معادل کنوپراتیو گرفته اند.

کلمه تعاون از «عون» به معنای یاری کردن و از باب تفاعل به معنی به همدیگر مساعدت کردن و همیاری نمودن گرفته شده است.

۱- معنی نسبت دادن و به خود بستن صفت یا حالتی که در اصل موجود نباشد: مانند کلمات تصاحب، تجاهل، تشاعر، تظاهر و تمارض و که از آنها معانی صاحب شدن، خود را به نادانی زدن، شاعر جلوه دادن، وانمود کردن و خود را به بیماری زدن مستفاد می‌شود. تعاون در این معنا عبارت است از یاری نمودن ظاهری (متظاهرانه)، که در این بحث این استعمال مورد نظر نمی‌باشد.

۲- معنی انجام عمل متقابل همچون معنائی که از مصادر باب مفاعله استنباط می‌شود. به عبارت دیگر همان معنی که از کلمات مبارزه، مصاحبه، مقاتله، مشاجره و معاونه (معاونت) به دست می‌آید، از مصادر تعاون، تداخل، توارد، تعاطف و تباین نیز فهمیده می‌شود، به طوری که معنای به یکدیگر کمک کردن، داخل در یکدیگر شدن، به یکدیگر درآمدن، با هم مهربانی کردن و از هم دور شدن، از این کلمات به اذهان متبادر می‌گردد.

¹R.Owen

در فرهنگ معین تعاون به معنی یکدیگر را یاری کردن، به هم یاری کردن، با هم مددکاری یکدیگر را کردن، معادل واژه تعاون آمده است.

در جلد سیزدهم لسان العرب تالیف علامه ابن تعاون به معنی پشتیبانی در کار و عمل آمده است.

علامه دهخدا در دایره المعارف نفیس خود تعاون را به معنای هم پشت شدن یکدیگر را یاری کردن، یاری کردن بعضی قوم بعضی دیگر را، با هم مددکار یکدیگر بودن ترجمه نموده است.

همچنین دکتر معین در فرهنگ لغت خود کلمه تعاون را به یکدیگر یاری رساندن، به هم یاری کردن، همدستی، یاری، دستگیری معنا کرده و در مفهوم تعاونی نیز می‌نویسند. تعاونی منسوب به تعاون، شرکتی که برای کمک و یاری به اعضای یک موسسه یا اداره تشکیل می‌گردد.

لغت نامه دهخدا، هم پشت شدن، یکدیگر را یاری کردن، یاری کردن بعضی قوم بعضی دیگر را، با هم مددکاری یکدیگر را کردن معادل واژه تعاون آمده است.

همچنین در فرهنگ انگلیسی وبستر این کلمه به معنای کار کردن با هم برای یک مقصود و جمع شدن دور هم برای انجام دادن یک امر مشترک و عملی اقتصادی معنی شده است. در فرهنگ فرانسه نیز این واژه به معنی همکاری و شرکت در انجام کار مشترک و روش عملی که به موجب آن افراد یا خانواده‌های دارای منافع مشترک موسسه‌ای را بوجود می‌آورند، بیان شده است.

بوگاردوس تعاون را طریقه‌ای برای زندگی و فلسفه‌ای برای حیات و مجموعه‌ای از پویاها و شیوه‌های رفتار و در عین حال مجموعه‌ای از اصول و مبانی راهنمایی در زندگی فردی و اجتماعی انسان می‌داند.

فرانس هلم معتقد است شرکت تعاونی، سازمانی است اقتصادی که به میل و اراده شخصی افراد تشکیل می‌شود و بر اساس حقوق مساوی و نیل به هدف اقتصادی از پیش تعیین شده آنان به فعالیت می‌پردازد.

با اینکه همکاری یا کار کردن با هم، یا کار مشترک، را ویژگی اساسی تعاون دانسته‌اند، ولی صرف با هم کار کردن و یا انجام کار مشترک را نمی‌توان «تعاون» نامید، مفهوم تعاون بالاتر از کار مشترک می‌باشد، ممکن است کارگرانی که با هم کار می‌کنند و حتی اجزاء یک شی را می‌سازند، تشکیل گروه تعاونی ندهند ولی این امکان هست که افرادی که با هم کار نمی‌کنند، به دلیل کیفیت تشکل، فعالیت آنان تعاونی باشد.

عوامل زیر برای تجلی «تعاون» ضرورت دارند:

- وجود تعدادی از افراد به نحوی که تشکیل یک گروه اجتماعی را بدهند. (دارای روابط و کنش‌های متقابل اجتماعی باشند)

- وجود نیاز مشترک و محسوس.

- اشتراک مساعی در جهت رفع نیاز مشترک به صورت ارادی و داوطلبانه

علاوه بر سه عامل فوق که معمولاً در هر کار گروهی و در هر فعالیت اجتماعی و اقتصادی وجود دارد عامل یا عواملی دیگر را باید اضافه کرد که متضمن مفاهیم رفاه، توسعه، عدالت اجتماعی، تعالی ارزشهای اخلاقی، جلوگیری از سود جوئی مفرط و ممانعت

از استثمار دیگران و نیز می‌باشد

تعاونی انجمن ارادی و داوطلبانه‌ای از افرادی می‌باشد، که سازمانی را با نظارت دموکراتیک و به منظور تأمین کالا و خدمات مورد نیازشان پدید می‌آورند. مانع از سود بردن کسی به زیان دیگری می‌گردند. در این سازمان افراد مشارکت منصفانه‌ای در تأمین سرمایه و پذیرش سود و زیان حاصله از فعالیت مشترک خود دارند.

کارکردن واژه تعاون

واژه تعاون در مفاهیم کلی زیر مورد استعمال قرار می‌گیرد:

تعاون به معانی همکاری، یکدیگر را مدد رساندن و تشریک مساعی در جهت ارضای نیازی مشترک بکار برده شده است. در این معنی فعالیت‌های مختلفی که انسان در طول روز انجام می‌دهد، نوعی تعاون و همکاری است: (تعاون یکی کردن مساعی دو یا چند شخص

است برای حصول به هدفی معین) با استفاده از تعریف مزبور، می‌توان هر گونه همکاری را در جهت انجام کار و منظور مشخص، تعاون نامید.

تعاون در این معنی بیشتر مفهوم (همکاری) یعنی با هم کار کردن را به ذهن متبادر می‌سازد.

همکاری یا معاضدت روشی است در زندگی اجتماعی انسانها، و به کارهای اقتصادی محدود نمی‌شود، بدیهی است تنها شرط لازم در تعاون، وجود احتیاج عملی به همکاری برای رسیدن به هدف‌های معین نیست، بلکه تمایل انسانها به معاضدت با یکدیگر نیز شرط کافی است.

تعاون به معنای یاری رساندن و کمک کردن به دیگری نیز مورد استعمال واقع شده است. کلماتی مثل معاون (کمک کننده)، معاونت (کمک کردن و یاری رساندن)، اعانه (کمک کردن) مستعان (کسی که از او یاری می‌خواهند)، مبین مفهوم اخیر تعاون است. در این معنا تعاون را مترادف (دیگر یاری) بکار می‌برند.

تعاون یا همکاری از بعد جامعه‌شناختی مفهوم دیگری را می‌رساند:

همکاری یا تعاون یکی از کنش‌های متقابل پیوسته (Associative Interaction) می‌باشد و منظور از آن کنشهای متقابلی است که در جهت یگانه‌ای صورت می‌گیرد، در مقابل سبقت جوئی را کوشش شخصی برای وصول به هدفی که مورد نظر دیگری نیز هست، دانسته و رقابت را کوشش که شخص که شخص برای پس انداختن دیگری از وصول به هدفی که مورد نظر هر دوی آنان است، می‌دانند.

سبقت جوئی و رقابت را جزء کنش متقابل گسسته (Dissociative Interaction) کنش‌هایی متفاوت با کنش تعاون ذکر کرده‌اند. بنابر تعریف مزبور اگر عمل شخصی (کنش - Action) همسو و دارای جهت واحد با کنش سایر اعضا گروه باشد، تعاون و یکی شدن مساعی اعضای گروه نامیده می‌شود.

تعاون را گاهی معادل خود یاری (Self-Help) دانسته‌اند، خود یاری نیز همانند کلمه همکاری تنها محدود به تعاون نمی‌شود، تاکیداتی که در بین موسسات کوچک و متوسط

اقتصادی در امر خود یاری می‌شود، در درجه اول به خود یاری فردی مربوط می‌گردد. در مفهوم کلی فرد آنگاه به یاری کمر می‌بندد که اراده، قدرت و استعداد خود یاری را داشته باشد و بخواهد از کمک دیگران صرف نظر کند.

مفهوم خود یاری از نظر کلی می‌تواند معادل منتظر کمک دیگران ننشستن، و اقدام کردن فرد جهت بهبود وضع خویش باشد. بدیهی است که خود یاری در این معنا (خود یاری فردی) نمی‌تواند منظور تعاون باشد، بلکه تعاون بیشتر با شکل خود یاری دسته جمعی مترداف دانسته می‌شود. خود یاری دسته جمعی در بین آن دسته از کسانی که شخصا قادر به تامین (احتیاج) و یا (نیاز) خود نمی‌باشند، مورد پیدا می‌کند، به این ترتیب که خود یاری را در داخل جمع انجام می‌دهند. اگر مشخصه اصل (خود یاری) را کمک به خود از طریق دیگران بدانیم در این صورت تعاون مفهومی خاص پیدا می‌کند، مفهومی که از آن هر کس خیر خود را می‌جوید.

تعاون را گاهی مترادف با (همیاری) (Entraide) دانسته‌اند. همیاری یعنی همدیگر را یاری دادن و توفیق خود را در گرو موفقیت دیگران دانستن، دارای مفهومی است که از واژه همکاری، خود یاری و دیگر یاری استفاده نمی‌گردد. اصل تقابل یا کمک متقابل که همان همیاری است، اصطلاحاً به کار مشترک افرادی که به خاطر خیر جمعی فعالیت می‌نمایند اطلاق می‌گردد. نمونه واضح همیاری یا کمک متقابل، همکاری روستائیان برای لایروبی قنات روستای خویش می‌باشد، زیرا استفاده از آب قنات برای هر یک از کشاورزان در گرو تامین آب زراعی دیگر کشاورزان نیز هست. به نظر می‌رسد واژه (همیاری) انطباق بیشتری با مفهوم تعاون دارد.

و سرانجام تعاون به مفهوم عملی که در داخل یک شرکت تعاونی صورت می‌گیرد. برای اینکه بتوان تعریف روشن و جامعی از تعاون به مفهوم اخیر به دست داد، ابتدا به ذکر چند تعریف از واژه تعاون پرداخته می‌شود:

تعاون را می‌توان نوعی کار و زندگی مشترک در سطوح گوناگون فعالیت‌های اجتماعی دانست. انسان و گروه‌های انسانی از طریق تعاون می‌توانند از سطحی از توسعه اجتماعی به سطحی غنی‌تر و مطلوب‌تر ارتقاء یابند.

تعاون طریقه‌ای برای زندگی و فلسفه‌ای برای حیات و مجموعه‌ای از پویاها و شیوه‌های رفتار می‌باشد، و در عین حال مجموعه‌ای از اصول و مبانی راهنمایی در زندگی فردی و اجتماعی انسان است، تعاون ترکیبی از خودیاری و کمک متقابل می‌باشد که گرایش آن در جهت بناگذاری ارزش‌های جهانی است.

تعاون در حقیقت چیزی بیش از کار و زندگی مشترک می‌باشد می‌توان آن را «واکنش متقابل» نامید که به خاطر یک هدف و یک علت - علتی که همه انسانها را در بر می‌گیرد انجام می‌شود.

تعاون به معنی همکاری به منظور تامین سعادت یا منافع متقابل است. تعاون یک ساخت اجتماعی، مرکب از عوامل مولفه متعددی است که ادراک آن بسیار دشوار است.

معنای کلمه تعاون به جز کار مشترک نیست، و منظور از تعاون عبارت از گروه متشکل از افرادی می‌باشد که با مشارکت یکدیگر بتوانند اموری را که انجام آن برای یک نفر مقدور نیست از عهده اش برآیند. باید به لغت کار کردن با هم تاکید کنیم، زیرا تاکید بر آن برای بیان مفهوم تعاون لازم است.

با اینکه همکاری یا کار کردن با هم، یا کار مشترک،... را ویژگی اساسی تعاون دانسته‌اند، ولی بر گروه و تشکل ارادی و داوطلبانه افراد تاکید شده است.

بنابراین صرف با هم کار کردن و یا کار مشترک انجام دادن را نمی‌توان، «تعاون» نامید، مفهوم تعاون بالاتر از کار مشترک می‌باشد. ممکن است کارگرانی که با هم کار می‌کنند و حتی اجزاء یک شی را می‌سازند، تشکیل گروه تعاونی ندهند ولی این امکان هست که افرادی که با هم کار نمی‌کنند، به دلیل کیفیت تشکل، فعالیت آنان تعاونی باشد.

عوامل مولفه تعاون

می‌توان تعاون را متشکل از مولفه متعددی دانست که وجود تعدادی از این عوامل برای تجلی «تعاون» ضرورت دارد. عوامل مزبور عبارتند از:

- وجود تعدادی از افراد به نحوی که تشکیل یک گروه اجتماعی را بدهند. (دارای روابط و کنشهای متقابل اجتماعی باشند).
- اشتراک مساعی در جهت رفع نیاز مشترک به صورت ارادی و داوطلبانه.
- علاوه بر سه عامل فوق که معمولاً در هر کار گروهی و در هر فعالیت اقتصادی وجود دارد عامل یا عواملی دیگر را باید ذکر کرد که متضمن مفاهیم رفاه، توسعه، عدالت اجتماعی، تعاونی ارزشهای اخلاقی، جلوگیری از سود جوئی مفرط و ممانعت از استثمار دیگران و ... نیز می‌باشد.

گروهی که دور هم گرد آمده و در جهت رفع نیاز مشترک و محسوس خود با یکدیگر همکاری می‌نمایند، ممکن است با توجه به معانی مختلف تعاون نوعی کار تعاونی انجام دهند، لیکن تعاون در مفهوم خاص اقتصادی - اجتماعی خود فعالیت گروهی از افراد در جهت رفع نیاز یا نیازهای مشترک و محسوس با رعایت اصول و قواعد ویژه ایست که آن را از سایر شکل های فعالیت گروهی و جمعی متمایز می‌سازد. شناخت قواعد و یا اصول مزبور می‌تواند به ارائه تعریف جامع و روشنی از تعاون کمک نماید. بنابراین مفهوم «تعاون» باید بعد از بررسی اصول و قواعد مربوط مورد بررسی مجدد قرار گیرد.

با توجه به این حقایق می‌توان صفتها یا مشخصه های هفتگانه بنیادین زیر را برای تعاونیها برشمرد:

۱- انجمن یا اتحاد: همبستگی و اتحاد بارز ترین راه چیره شدن بر جزم اندیشی ناشی از مکتب اصالت فرد است.

۲- اقتصاد: بارزترین عاملی که موجب می‌شود تا انسان‌ها در یک شرکت تعاونی گرد هم آیند تأمین نیازها رسیدن به هدف های اقتصادی است.

- ۳- انصاف: پیشگامان راچدیل، عدالت را اساس کار و فعالیت های اقتصادی خود قرار دادند و کلمه «منصفانه» را در عمل پیاده کردند و لذا اجرای این اصل مستلزم آن است که عدالت واقعی تمام طرف های ذینفع را در بر گیرد.
- ۴- دموکراسی: یکی از تفاوت های بارز اقتصاد تعاونی با دیگر نظامهای اقتصادی اصل دموکراسی است و در حقیقت شرکت تعاونی بر این باور است که باید کلیه مزیت های ناشی از عضو شدن را افزایش داده و به طریقی که مطابق میل و رضایت اعضاء باشد اداره شود.
- ۵- آزادی: منظور از آزادی در شرکتهای تعاونی عضو شدن آزاد و اختیاری و بی طرفی در امور سیاسی و مذهبی است و لذا هیچ کس نبایستی بخاطر عضو شدن در شرکت تهدید شود.
- ۶- آموزش: آموزش و تربیت یک اصل و یک عامل ضروری در همکاری و تعاون به حساب می آید و موفقیت شرکتهای تعاونی به آن وابسته است، زیرا نهضتی که باید در اندیشه و ذهن انسان ریشه کرده و رشد نحو نماید، نیاز به آموزش دارد و بایستی انسان هارا برای کارهای گروهی و داشتن روحیه تعاونی و همکاری تربیت کرد.
- ۷- وظیفه یا مسئولیت: عضو تعاونی بایستی قبول مسئولیت کرده و با جان و دل در تعاونی انجام وظیفه نماید.
- زیرا بی تفاوتی در قبال مسئولیت های جمعی موجب بی تحرکی و رکود فعالیت های گروهی گردیده و دستیابی به اهداف مشترک را با دشواری مواجه می سازد.

تعاونی

واژه تعاونی (Cooperative) در شکل فعالیت های رسمی و برای موسساتی که بر مبنای اصول و قواعد تعاونی فعالیت می نمایند، به کار برده می شود. این واژه را معمولاً معادل شرکت تعاونی (Cooperative Society) استعمال می کنند، واژه اخیر از اواسط قرن نوزدهم و به دنبال ایجاد موسسات اقتصادی مبتنی بر اصول تعاون رایج گردید.

از تعاونی تعاریف متعدد و متنوعی به عمل آمده است. تعاریف مزبور را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. تعاریفی که از جانب صاحب نظران و اندیشمندان تعاونی ارائه شده است .
 ۲. تعاریفی که در قوانین کشورهای مختلف آورده شده است .
- شرکت تعاونی شرکتی است که در آن یک گروه از افراد جامعه با میل علاقه برای رسیدن به اهداف مشترک اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی طبق اساسنامه شرکتهای تعاونی و قوانین مربوط ، دور هم جمع شده و بصورت عادلانه ، با سرمایه گذاری مشترک فعالیتی را شروع نموده و در سود و زیان آن نیز سهیم می گردند.
- این شرکت بر پایه اصول تعاون و تفاهم متقابل تشکیل می شود و انگیزه اعضای آن صرفاً تجاری نیست و در آن شرکت همیاری حرف اول است.

شرکت تعاونی

شرکت تعاونی یک نهاد اجتماعی است که دارای هدف می باشد و سیستمی است که به سبب داشتن یک ساختار آگاهانه، فعالیت های خاصی را انجام می دهد و دارای محدوده شناخته شده ای است .

این تعریف چهار رکن اساسی دارد :

- نهادهای اجتماعی : شرکت تعاونی از مردم و گروههای انسانی تشکیل می شود . افراد و نقشهایی که آنها ایفا می کنند از اجزای اصلی تشکیل دهنده شرکت تعاونی هستند، افراد برای انجام دادن وظایف اصلی در سازمان با یکدیگر روابط متقابل دارند .
- دارای هدف بودن : موجودیت هر شرکت تعاونی برای تامین هدف خاصی است . هر شرکت تعاونی و اعضایش همواره در پی تامین یک هدف، مقصود و یا انجام ماموریت خاصی هستند .
- سیستم با ساختار آگاهانه : معنی یک سیستم فعال این است که شرکت تعاونی مزبور کارها و فعالیتهای خاصی را انجام می دهد . سازمانهای تخصصی به صورتی

آگاهانه به چندین بخش و دایره تقسیم می‌شوند. این بخشها در فرایند انجام کارها، کارایی زیادی خواهند داشت.

- مرزهای مشخص: مرزهای شرکت تعاونی تعیین‌کننده عوامل و ارکان درونی آن هستند. در شرکت تعاونی، عضویت نقش تعیین‌کننده دارد و مرز سازمان بوسیله عضو یا اعضا مشخص می‌شود.

شرکت تعاونی سازمانی است مرکب از اشخاصی که به صورت داوطلبانه و برای وصول به هدف یا اهداف مشترکی به دور هم جمع شده و یک سازمان اقتصادی که بر اساس دموکراسی اداره می‌گردد، تشکیل دهند و هر یک بطور منصفانه ای در تامین سرمایه لازم سهیم شوند و به سهم خویش مسئولیت سود و زیان ناشی از عملیات را که خود به نحو موثر در آن شرکت داشته به عهده گیرند.

شرکت تعاونی سازمانی است مرکب از اشخاصی که به تشابه نیازهای یکدیگر پی برده و بر اثر رشد فکری این اعتقاد در آنها ایجاد شده باشد که از راه اتحاد و همکاری با دیگران و کار دست جمعی، بهتر و موثرتر از تلاش انفرادی می‌توانند در رفع نیازهای مشترک و بهبود وضع مادی و اجتماعی خویش موفق گردند.

شرکت تعاونی شرکتی است (مرکب) از اشخاص حقیقی و یا حقوقی که به منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضاء از طریق خود یاری و کمک متقابل و همکاری آنان تشکیل می‌شود.

شرکت تعاونی شرکتی است که با خرج سرمایه اشخاص حقیقی و حقوقی تشکیل و هدف از آن تامین مستقیم خدمات و تهیه و توزیع مایحتاج اعضاء بدون واسطه و از طریق همیاری و همکاری آنان می‌باشد.

ویژگی شرکت های تعاونی

- ۱- قائم به ذات و متکی به اعضا است و نه سرمایه.
- ۲- هر عضو یک رای دارد. (نسبت سهام به رای ارتباطی ندارد).

۳- برخورداری از مزایای معافیت‌های مالیاتی در برخی از تعاونی (صد در صد درآمد تعاونی‌های روستای، عشایری، کشاورزی، صیادان، کارگری، کارمندی، دانشجویان، دانش‌آموزان، کارگاه‌های فرش دستباف و صنایع دستی و اتحادیه‌های آنها از مالیات معاف هستند).

۴- تساوی کلیه اعضا در برخورداری از حقوق و وظایف یکسان علی‌رغم تفاوت در میزان سهام (سهام اعضا در تعاونی برابر است مگر اینکه مجمع عمومی تصویب نماید که برخی از اعضا سهم بیشتری خریداری نمایند، در این صورت حداکثر میزان سهم هر عضو نباید از پانزده درصد (۱۵٪) کل سرمایه تعاونی تجاوز نماید).

۵- تقسیم مازاد در آمد بین اعضا در صورت وجود سود خالص سالانه.

۶- تخصص سهام به نام اعضا و انتقال سهام به اعضا و غیر اعضا با تصویب هیات مدیره می‌باشد.

۷- حذف واسطه‌های غیر ضروری در کسب و تجارت و رقابت با صاحبان این گونه مشاغل کاذب.

۸- جلوگیری از بهره‌کشی و استثمار افراد.

اهداف اساسی تعاون

در سطح جهانی هدف موسسات تعاونی معمولاً ایجاد بازار مصرفی یکپارچه و وسیعی است که بتواند بر جریان‌ات تولید حاکم باشد و قیمت‌های غیر عادلانه را از طریق رقابت منطقی متعال سازد و در صورت لزوم کالاهایی را که قیمت آنها بوسیله تولیدکنندگان یا واسطه‌ها بطور غیر عادلانه و ساختگی به مراتب بیش از قیمت تمام شده تعیین گردیده است خود تولید کند و آنها را به نرخ تمام شده به مصرف‌کنندگان عرضه نماید و از این طریق از استثمار مردم جلوگیری نموده و رفاه نسبی برای اعضاء خود از جهت هدف یا هدفهایی که موجب عضویت آنها در تعاونی شده است فراهم آورد.

با توجه به مباحث مطروحه در فوق اهداف بخش تعاونی در جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر اعلام گردیده است .

- ۱- ایجاد و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه بمنظور رسیدن به اشتغال کامل.
- ۲- قراردادن وسائل کار در اختیار کسانی که قادر بکارند ولی وسائل کار ندارند .
- ۳- پیشگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی .
- ۴- جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت .
- ۵- قرار گرفتن مدیریت و سرمایه و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق بهره برداری مستقیم از حاصل کار خود .
- ۶- پیشگیری از انحصار، احتکار، تورم و اضرار به غیر.
- ۷- توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم .

انواع تعاونی از لحاظ ماهیت

سه نوع اصلی از سازمان های تعاونی وجود دارد که در سطح اولیه در بخش روستایی می کنند :

۱. تعاونی های صرفه جویی
(که گاه تعاونی های صرفه جویی و اعتبار و یا تنها تعاونی های اعتبار نامیده می شود) و اتحادیه های اعتبار . هر دو گروه به شیوه مشابهی عمل می کنند و تشویق حس صرفه جویی و فراهم آوردن اعتبار برای مقاصد تولیدی و صرفه جویانه را در سرلوحه اهداف خویش قرار داده اند .
۲. تعاونی های بازاریابی و عرضه
همان گونه که از نام این تعاونی ها بر می آید ، آن ها دارای دو کارکرد اصلی هستند . بازاریابی جمعی تولیدات اعضاء و فروش ملزومات کشاورزی . معمولا تعاونی های بازاریابی در مورد یک محصول نقدی عمده ای که در قلمروی فعالیت آن ها به عمل می آید تخصص

پیدا می‌کنند، ولی به بازاریابی دیگر محصولاتی که اعضاء تولید می‌کنند و بازاری برای آن‌ها وجود دارد نیز اقدام می‌کنند.

۳- تعاونی‌های چند منظوره

مفهوم اساسی این تعاونی‌ها عبارت است از تامین خدمات جامع اعتبار، عرضه و بازاریابی برای کشاورزان عضو (در مواردی ممکن است عرضه کالاهای مصرفی و سایر خدمات نیز اضافه شود).

انواع شرکتهای تعاونی

شرکت تعاونی مسکن

این تعاونی به کار تهیه و ساخت مسکن برای اعضای خود می‌پردازند. هدف مهم تعاونی‌های مسکن این است که برای اعضای خود خانه‌هایی بسازند که هم کیفیت و استحکام آنها مناسب باشد و هم قیمت آنها در مقایسه با خانه‌هایی که معماران و خانه‌سازان حرفه‌ای می‌سازند، ارزان‌تر تمام شود.

شرکت تعاونی مسکن، شرکتی است که به منظور تحقق فعالیتهای ذیل تاسیس می‌گردد. تعریف این شرکت در فرآیند ابعاد ذیل ملحوظ گشته است:

- تهیه زمین و ساختمان و خانه و آپارتمانهای مسکونی و واگذاری خانه‌ها و آپارتمان‌ها نقدا یا به اقساط به اعضا و همچنین ایجاد تاسیسات عمومی مورد استفاده مشترک آنان.
- خرید واحدهای مسکونی و فروش آن به اعضا نقدا یا به اقساط.
- واگذاری واحدهای مسکونی ملکی شرکت به صورت اجاره به اعضا
- انجام خدمات نقشه‌کشی، مهندسی و معماری برای اعضا و نظارت در ساختمان متعلق به آنها.
- انجام تعمیرات ساختمانهای ملکی اعضا و یا اقدامات مربوط به لوله‌کشی و کابل‌کشی و ایجاد دستگاه‌های تهویه و حرارت مرکزی.

نگاهداری و اداره ساختمانها و تاسیسات و انجام خدمات عمومی مربوط
تعاونی های مسکن در کشورمان در ۴ دسته به اسامی کارمندی ، کارگری ، فرهنگیان و آزاد
به فعالیت مشغول هستند.

شرکت تعاونی روستایی

شرکتهای تعاونی روستایی و کشاورزی اولین محورهای تشریک مساعی و همدلی مردم در
برداشتن گامهای اصولی به سوی خودکفایی و استقلال کشور بوده‌اند. اصول و موازین مطرح
در تفکر و نظام این تعاونیها می‌تواند عامل مناسبی برای توسعه همه جانبه در چارچوب
برنامه‌های توسعه و آینده تلقی شود. در اکثر کشورهای توسعه یافته، ایجاد و گسترش
شرکتهای تعاونی بعنوان یک هدف مهم سیاست دولت بشمار می‌رود این کشورها معتقدند
شرکتهای تعاونی باید تشویق و تقویت گردند زیرا این شرکتها در نوسازی روستاها کمک
فراوان می‌کنند و نه تنها موجب افزایش تولید و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی مردم روستا
می‌گردند که از مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها جلوگیری می‌نمایند. امروزه فعالیت
شرکتهای تعاونی روستایی با جلوه‌ها و جنبه‌های گوناگون جوابگوی بسیاری از مسائل بزرگ
و مهم اقتصاد کشاورزی است. سازمان تعاون روستایی بعنوان رابط بین دولت و شبکه
گسترده تعاونیهای روستایی و کشاورزی با هدف حمایت، هدایت و نظارت بر کار آنها، نقش
اساسی در جهت حصول به اهداف موصوف و رشد و شکوفایی اقتصاد روستایی کشور ایفا
می‌کند بطوریکه با توسعه بخش کشاورزی، روز به روز بر اهمیت این سازمان و شبکه تحت
نظارت افزوده می‌شود.

شرکت های تعاونی تولید

کار اصلی و مهم این تعاونی ها ، تولید کالا و محصول است در شرکت های تعاونی تولید ،
اعضای شرکت کار می‌کنند و حقوق و دستمزد دریافت می‌نمایند. شرکت های تعاونی

تولید در بخش‌های گوناگون اقتصاد کشور مانند: کشاورزی، صنعت، معدن و غیره به فعالیت مشغول هستند.

این تعاونی‌ها، هم برای به دست آوردن منفعت و سود اعضای خود تلاش می‌کنند و هم از بهره‌کشی اعضا (کارکنان) خود توسط افراد سودجو جلوگیری می‌نمایند. هر چند شاغل بودن کلیه اعضا در تعاونی تولیدی ضرورتی ندارد.

شرکت‌های تعاونی تامین نیاز مصرف‌کنندگان

فعالیت اصلی این دسته از تعاونی‌ها تهیه اجناس و کالاهای مورد نیاز زندگی اعضای خود می‌باشد. این تعاونی‌ها معمولاً یک یا چند فروشگاه درست می‌کنند تا اعضای تعاونی و سایر مردم اجناس مورد نیاز خود را از آنها خریداری کنند. هدف شرکت‌های تعاونی تامین نیاز مصرف‌کنندگان آن است که مرغوبترین اجناس را با مناسب‌ترین قیمت در اختیار اعضای خود قرار دهند.

شرکت‌های تعاونی حمل و نقل

هدف این گروه از شرکت‌های تعاونی تامین خدمات مشترک مورد نیاز اعضا و گسترش مالکیت در میان افراد زحمتکش شاغل در بخش حمل و نقل کشور است. تعاونی‌های حمل و نقل زمینه‌ای را فراهم می‌کنند تا افرادی که در فعالیت‌های حمل و نقل (مسافربری و باربری) کار می‌کنند، در کار خود حق اظهار نظر و تصمیم‌گیری داشته باشند و از کار و تلاش خود استفاده لازم را ببرند. برخی از تعاونی‌های حمل و نقل کشورمان عبارتند از: تعاونی‌های کامیون‌داران، مینی‌بوس‌داران، مسافری بین‌شهری، سواری کرایه، تاکسی‌داران، وانت‌باران و غیره.

شرکت‌های تعاونی خدمات

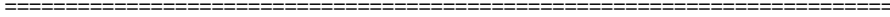
تعاونی‌های خدمات‌دارای انواع گوناگون است هدف همه آنها تامین خدمات مورد نیاز جامعه و ایجاد زمینه‌های مناسب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر اساس معیار و ارزش‌های بخش تعاونی است.

این تعاونی‌ها کوشش می‌کنند خدمات اعضا با قیمت کمتر و کیفیت بهتر به مردم ارائه شود. بعضی از تعاونی‌های خدمات در کشورمان عبارتند از: تعاونی‌های فنی و حرفه‌ای، مراکز بهداشت و درمان، آموزشگاه رانندگی، مدارس غیرانتفاعی، خدمات فنی و مهندسی و مشاوره‌ای، هنری، ورزشی، مهد کودک و غیره.

شرکت‌های تعاونی اعتبار

این تعاونی‌ها در واقع یک نوع موسسه اعتبار هستند. کار تعاونی‌های اعتبار، حل مشکلات مالی اعضای خود از راه سرمایه‌گذاری اعضا و اعطا ((وام)) به آنها است.

یکی از تفاوت‌های مهم تعاونی‌های اعتبار با موسسات اعتباری غیر تعاونی، آن است که تعاونی‌های اعتبار جنبه سودجویی و منفعت‌طلبی ندارند. آنها وام‌های مورد نیاز را با بهترین شرایط و کمترین کارمزد در اختیار اعضای تعاونی قرار می‌دهند.



تاریخچه تعاون

در تاریخ جوامع بشری همواره مواردی وجود داشته که افراد بشر برای تحصیل و تحقق اهدافی به همکاری با یکدیگر پرداخته‌اند. درحقیقت شروع تعاون و همکاری در بین انسانها را میتوان در اول خلقت بشر دانست اولین پدیده تعاونی در بین انسانها تشکیل شده است و سپس ایجاد قبیله‌ها و بالاخره اجتماعات شهرنشین. مطالعه قبایل و بررسی ادیان نشان دهنده این واقعیت است که تعاون پدیده تمدن جدید نیست.

تعاون در تاریخ و در هر یک از شئون اجتماعی بنوعی دارای ارزش است و در هر مورد مفهوم آن با دیگری تفاوت دارد، بنابراین برای بررسی اقتصاد تعاونی باید به مراحل تاریخی و اجتماعی آن توجه کرد. بطور کلی از نظر اقتصادی تعاون را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: دوره اول از آغاز زندگی اجتماعی انسان شروع می‌شود و از قرن پانزدهم میلادی بتدریج تحول می‌پذیرد تا اینکه به شکل کنونی درمی‌آید. دوره دوم با انقلاب صنعتی و انقلاب فرانسه، قرن هیجدهم میلادی شروع می‌شود که دارای تعریفی مخصوص به دوران خود است، بنابراین دوره اول را عصر تعاون اجتماعی و دوره دوم را اصل تعاون صنعتی یا علمی می‌نامند.

اولین اثر وجود تعاون در جهان سازمانهای پیشه‌وران و کارگران صنایع دستی مصر است که در حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد وجود داشته است. در سال ۲۰۵۰ قبل از میلاد حمورابی سلطان بابل اجازه داد، کشاورزان مزارع را به صورت تعاونی برای کشت آماده نمایند و در جمع آوری محصول با یکدیگر همکاری کنند در چنین قدیم تعاونیهای اعتبار وجود داشته است که از ۲۰۰ سال قبل از میلاد آثاری از آنها بدست آمده است. در این سازمانهای تعاونی اعضاء سهام مساوی، حق مساوی و سود مساوی داشتند. در روم قدیم سابقه تعاونیهای پیشه‌وران به ۴۵۰ سال قبل از میلاد می‌رسد و هر صنف سازمان تعاونی خاص خود داشته است.

بعد از ظهور حضرت مسیح کم‌کم روحیه قدرت‌طلبی و مسائل مادی بر کلیسا غلبه کرد و در قرون وسطی حکومت مشترک کلیسا و فئودال‌ها به اوج خود رسید و تعاونیها رو به انحطاط گذاشت.

ظهور دین اسلام نیز در اوایل قرن هفتم باعث آزادی قسمتی از جهان از نوع حکومت‌های استبدادی گردید و در نتیجه تاکید فراوانی بر تعاون و همیاری شد.

مطالب فوق تاریخچه بسیار کوتاه و مختصری، از دوره اول یا عصر تعاون اجتماعی بود در اینجا به بررسی تاریخچه دوره دوم یا عصر تعاون صنعتی یا علمی می‌پردازیم.

در دوران رنسانس (قرون ۱۵ تا ۱۸) همه امور فرهنگی، هنری و علمی اروپا رو به تحول داشت، و انقلاب صنعتی دگرگونی و تحولات شگرفی در زندگی اجتماعی - اقتصادی جوامع صنعتی بوجود آورد. انقلاب صنعتی از یک طرف رشد سریع صنایع، توسعه بازرگانی، گسترش شهرنشینی، تولید انبوه، پیشرفت تکنولوژی و در نتیجه تشکیل سازمانهای بزرگ و پیچیده صنعتی و تجاری را در پی داشت و از طرف دیگر نابسامانیها و مسائل و مشکلات عظیم اقتصادی - اجتماعی را به ارمغان آورد. ماشینی شدن سیستم تولید به بیکاری و آوارگی هزاران نفر از صاحبان حرفه و صنایع دستی انجامید.

در این میان گروهی از اندیشمندان و صاحبان مسائل اجتماعی دست به کار شدند و برای رفع مسائل و مشکلات ناشی از انقلاب صنعتی به مطالعه و بررسی پرداخته و نظریاتی ابراز داشتند که یکی از ثمرات تلاشهای این گروه تحول تعاونیهای سنتی به تعاونیهای علمی و صنعتی بود و گروهی دیگر نیز به مطالعه و بررسی نحوه اداره سازمانهای پیچیده صنعتی و تجاری پرداخته که حاصل و ثمره کار آنها نیز تهیه و تدوین تئوریهای سازمان و مدیریت بود.

رابرت آون، شارل فوریه و دکتر ویلیام کینگ سه تن از پیشگامانی بودند که اندیشه و نقش تعیین‌کننده‌ای در پی ریزی نظام وسیع تعاونی داشتند.

تعاونی‌ها گذشته‌ای پر از فراز و نشیب و همراه با آزمایش و خطا را پشت سر گذشته‌اند تا در قالب تعاونی‌های امروزی شکل گرفته‌اند و باید گفت تعاون به مفهوم امروزی آن ابتدا

در مغرب زمین به وجود آمد و اساس آن حس معاشرت و همراهی فطری و قدیمی بود که در توده مردم وجود دارد. این حس به تدریج بر اثر تماس با واقعیات اقتصادی و اجتماعی و دگرگونی‌هایی که در این زمینه به وقوع می‌پیوست موجد نهضت تعاونی گردید. نهضتی که در حقیقت نوعی واکنش در برابر فرد پرستی افراطی بود، همان فرد پرستی که به استعمار افراد انسان از یکدیگر منتهی می‌گشت.

حداقل چهار راه وجود داشت که الگوی راجدیل در قاره اروپا شناسانده شد. اولاً، جامعه‌گرایان مسیحی باهم فکran خود در فرانسه فعالانه مکاتبه داشتند آنها فعالانه فکر تعاونی کارگری را وارد می‌کردند ولی در مقابل فکر تعاونی مصرف را صادر کردند، هرچند این کار بیشتر تصادفی صورت گرفت تا با نقشه قبلی. مثلاً استاد آلمانی هوبر هنگام واریسی برخی از کارگاه‌های خودگردان کم‌ادعای جامعه‌گرایان مسیحی، تعاون مصرف عظیم تری کشف کرد. ثانیاً، جرج جی کاب هولی اوک روزنامه نگار بزرگ نهضت در مورد پیشگامان تعاونی تاریخی نوشت که به صورت پاورقی در لاندن دیلی نیوز چاپ وبه بسیاری از زبان‌های اروپایی ترجمه شد. ثالثاً، ویلیام پر، کهنه مبلغ اونی نماینده یک کارگاه چدن ریزی شد وبه سرتاسر اسکاندویناوی سفر کرد وبه قول خودش تبدیل به پيله و تعاون شد وبالاخره پس از انقلاب ۱۸۴۸ و سرکوبی که به دنبال آن در گرفت، بسیاری از تعاون‌گران برجسته فرانسوی و انگلیسی گریختند و در آنجا نهضت راجدیل را به عینه دیدند. نیاستی متعجب شویم اگر در یابیم قبل از راجدیل کوشش‌های منفردی برای گشایش فروشگاه در اروپا وجود داشته است این فکر بدیهی تر از آن بود که یک اختراع خالصاً انگلیسی باشد. ایضاً، نیاستی تعجب کنیم که در ابتدا نظر تهیه آن ساده‌ترین نیاز بشری یعنی نان بود. طلایه داران راجدیل اعتبارشان این بود که یک گونی آرد به قیمت عمده فروشی خریدند و آن را توزیع کردند. این درست همان چیزی است که فردریش رابف آیزن، شهرداریکی از مناطق کشاورزی آلمان، هنگامی انجام داد که در ۱۸۴۶، محصول تکافو نکرد، منتهی، در مقیاسی بزرگ تر. بعد از اینکه کمک غذایی دولت به پایان رسیده بود، او ودوستانش دورهم جمع شدند تا چند گاری غله از یک عمده فروش بخرند و سپس آن را به کشاورزان قرض داد. همان طور که خواهیم دید

این امر نه به نهضت فروشگاه‌های بلکه به کمک بارز او به نهضت تعاونی جهانی یعنی تعاونی اعتبارروستایی منجر شد. ولی نمونه دیگری وجود دارد؛ در ۱۸۵۱ تعاونی مصرف زوریخ به عنوان نانوائی شروع به کار کرد و هدف از تأسیس آن رفع کمبودی بود که در آلمان حس می شد و در ۱۸۵۳ شروع به فروش خواروبار کرده بود. با اینکه اوّل بار بود که در جهان آلمانی زبان اصطلاح تعاونی مصرف به کار می رفت به نظر می رسد این امر مستقل از راجدیل بوده باشد. در فرانسه یک شرکت اتفاقی در هاریکدر به ثبت رسید، اما نهضت، حوالی ۱۸۶۶، وبازهم با نانوائی های تعاونی، شروع شد. در ایتالیا اوایل دهه ۱۸۵۰ یک تعاونی مصرف در توزین شروع به کار کرد؛ این شرکت مثل تعاونی زوریخ کالاها را با قیمت تمام شده می فروخت. در امریکا در دهه ۱۸۴۰ گروه کارگری نیوانگلند به دشواریهایی شبیه راجدیل دچار بود و واکنش مشابهی نشان داد؛ در ۱۸۴۵، اتحادیه حمایت کارگران در باستن فروشگاه‌های دایر کرد و کالاها را به قیمت تمام شده عرضه کرد. همه این نهضت‌های زودرس، شبیه نهضت‌های اولیه دهه ۱۸۲۰ و ۱۸۳۰ انگلیس بود؛ آنها یا شکست خوردند یا از دور خارج شدند و بازماندگان منفردی برجای گذاشتند تا از راجدیل پند بیاموزند، اصول آن را اختیار کنند و بار دیگر با شالوده مطمئن تر کار را از سر گیرند.

تاریخچه تعاون در اروپا

دوران امپراطوری روم

سازمانهای تعاونی صاحبان حرفه و صنعتکاران که در روم قدیم کولیجاخوانده می شد، ظاهراً از انجمنهای مذهبی ریشه گرفته اند و نام کولیجا نخستین بار در قانون «الواح دوزاده گانه» (سال ۴۵۱ تا ۴۴۹ قبل از میلاد) ذکر گردیده است. در افسانه های تاریخی چنین آمده است که نوماپومپیلیوس شاه روم خشت کالج (هیئت) بازرگانی برای کفاشان، کوزه گران، گازران، رنگرزان، درودگران، مسگران، طلاسازان و نوازندگان فلوت تاسیس نمود. همچنانکه حرفه و صنعت پیشرفت نمود، تعداد کالجها نیز افزایش یافت. کالج ها برخلاف اتحادیه های صنفی اروپای قرون وسطی دارای شخصیت حقوقی نبودند زیرا اختیار نداشتند مسائل مربوط به

تولید، قیمت و روابط کارگر و کارفرما را حل و فصل کنند. بعضی از امپراطوران روم به کالجها ظن داشتند و در محدود کردن آنها می‌کوشیدند زیرا گمان می‌بردند که کالج‌ها کانون توطئه علیه دولت هستند. هنگامی که ژولیوس قيصر (سزار) به قدرت مطلقه رسید. بسیاری از کالج‌ها را تحت قید و فشار قرار داد.

دوران قرون وسطی

اتحادیه‌های صنفی در قرون وسطی (۵۰۰ تا ۱۴۰۰ میلادی) مشابه اتحادیه‌های کارگری امروزی بودند زیرا که اتحادیه‌های صنفی مزبور اتحادیه‌هایی بودند مرکب از صاحبان حرفه و به منظور نیل به هدفهای اقتصادی معین. هدف اساسی اتحادیه‌های صنفی تحکیم وضع اعضای اتحادیه بود اتحادیه‌ها قیمت، ساعات کار و کیفیت جنس را دقیقاً تعیین می‌کردند. اتحادیه‌های صنفی اساساً از کالج‌های صنعتی رومی ریشه گرفته بودند. کانونی برای فعالیتهای اجتماعی محسوب می‌شدند و دارای صندوق مشترکی بودند که از آن خرج کفن و دفن اعضا را پرداخت می‌کردند، به افراد علیل معاش می‌دادند و مخارج بیوه عضو فوت شده را بمدت دو سال تقبل می‌کردند. از این نظر اتحادیه‌های صنفی قرون وسطی منادی تعاونیهای مصرف امروزی بودند. در طی قرون وسطی نخستین فعالیت تعاونی کشاورزی در قرون سیزدهم صورت گرفت، بدین معنی که عده‌ای از تولیدکنندگان شیر در سویس با همکاری یکدیگر و بطور تعاونی به تهیه پنیر می‌پرداختند.

دوران رنسانس

دوره رنسانس شامل دوره‌ای است از قرن پانزدهم تا اواسط قرن هجدهم که در آن فعالیتهای هنری و ادبی دوباره رواج یافت. «انقلاب تجاری» این انقلاب جزء لایحه جزای رنسانس محسوب می‌شود. شاید مهمترین تحولی که در این دوره پدید آمد، پیدایش شرکت سهامی بود که پیشقدم شرکت تعاونی امروزی بشمار می‌رود. علت پیدایش شرکت‌های سهامی این بود که برای سفرهای اکتشافی، سکونت اروپائیان در نواحی جدید اکتشاف و مستعمره

ساختن کشورهای غیراروپایی به سرمایه‌های هنگفتی احتیاج بود. شرکت‌های سهامی براساس منشوری که از طرف پادشاه صادر می‌گردید تشکیل می‌شدند و دولت حمایت از منافع اعضای شرکتها را برعهده می‌گرفت. از جمله انواع فعالیتهای تعاونی که در دوره انقلاب تجاری صورت گرفت. شرکت‌های متقابل بیمه آتش سوزی بود که حدود ۱۵۳۰ میلادی در لندن و پاریس سازمان یافتند.

نظام لندشافتن

نظام لندشافتن در آلمان و در یکی از بحرانی‌ترین ادوار تاریخ پروس بدنبال جنگ‌های هفت ساله از ۱۷۵۶ تا ۱۷۶۳ به منصفه ظهور رسید. جنگ‌های هفت ساله مصائب مادی فراوان برای تمام مردم پروس ببار آورد و حتی اشراف زمیندار را دچار فقر و فاقه ساخته بود. کشاورزی وضعی بسیار نابسامان داشت و زمینداران به علت نداشتن سرمایه قادر به ترمیم خرابی‌های ناشی از جنگ نبودند. تنها منبع دریافت وام، نزول خواران بودند که نرخ بهره بسیار گزافی مطالبه می‌کردند. در آن زمان میان زمینداران که در جستجوی پول بودند و سرمایه‌دارانی که می‌خواستند سرمایه خود را بکار بیندازند مؤسسه واسطه‌ای وجود داشت. نخستین کسی که در آلمان طرحی برای اعتبار روستائی تدوین کرد تابدان وسیله زمینداران بتوانند از بازرگانان وام دریافت کنند، مردی بود از اهالی برلین بنام «دیدریش - ارنست - یورینگ» وی در ۲۳ فوریه ۱۷۶۷ از فردریک کبیر تقاضای شرفیابی نمود تا طرح خود را به وی عرضه کند. طرح یورینگ مبتنی بر این اساس بود که زمین بهترین وثیقه قابل دادوستد محسوب گردد. برای اینکه طرح یورینگ به مرحله اجرا درآید لازم بود که مقامات دولتی آن را تصویب کنند و اشخاصی که به وام احتیاج دارند یک اتحادیه تشکیل دهند که به وثیقه زمینی که نزد آن اتحادیه به رهن گذاشته می‌شد، اوراق قرضه بهره‌داری که به دارنده آن قابل پرداخت بود انتشار دهند. اشراف زمیندار برای دریافت پول کلیه زمینهای خود را در نزد اتحادیه اعتباری یورینگ به رهن گذاشتند. این اتحادیه که برای تامین اعتبار زمینداران تشکیل شده بود در سازمان خود از اصول تعاونی پیروی می‌نمود.

دوره انقلاب صنعتی

متعاقب انقلاب تجاری و دوره رنسانس، انقلاب صنعتی در حدود ۱۷۵۰ میلادی شروع شد. این انقلاب ناشی از پیشرفت تکنولوژی بود. پیشرفت در وضع کشاورزی و ارتباطات، پیدایش سرمایه داری و کارخانه‌های جدید از مشخصات انقلاب صنعتی بود. انقلاب صنعتی موجب بسط تولید، مکانیزاسیون، تنزل قیمت‌ها، بالا رفتن مصرف و سطح زندگی گردید. در این دوره آزادی‌های مدنی و اقتصادی بیشتر شد و در نظام فئودالی شکاف پدیدار گردید. مکتب سوداگری (مرکانتیلیزم) از میان رفت، و آئین اقتصاد آزاد و رقابت آزاد مورد توجه قرار گرفت. پیشرفتهای اقتصادی حاصله بدون عواقب سوء و مشکلات نبود. نظام کارخانه منجر به استثمار کارگران و ایجاد مشکلات اجتماعی متعددی شد. بحرانهای ادواری اقتصادی بوجود آمد. بیکاری شایع گشت، حوادث صنعتی فراوان شد. تعارضات و اختلافات طبقاتی عمیق‌تر و شدیدتر گردید. در این مرحله، برای حل مشکلات ناشی از انقلاب صنعتی، دو مکتب فکری بوجود آمد. یکی از این دو مکتب بر این عقیده بود که تمام نظام سرمایه داری، که انقلاب صنعتی براساس آن قرارداد، می‌بیاد و از گون گردیده و نظامی که بوسیله دولت کنترل می‌شود جایگزین آن گردد. از جمله کسانی که به این مکتب فکری تعلق داشتند عبارت بودند از کارل مارکس و فریدریش انگلس. گروه دیگر اعتقاد داشتند که این نظام را که به چنین ترقیاتی شایانی نایل آمده می‌باید حفظ کرد ولی در چهارچوب آن اصلاحاتی بعمل آورد.

دوره سرمایه داران کوچک

سرمایه داران کوچک قبل از انجمن راجدیل پیدا شدند: در سال ۱۷۶۹ در دهکده فن ویک در اسکاتلند گروهی از بافندگان سعی کردند براساس تعاونی به کسب و کار پردازند این یکی از نخستین تلاش‌های انجام شده در راه تعاون بود زیرا که آنها برای خرید محصولات داخلی و مواد اولیه انجمن دایر کردند. اعضا انجمن مزبور برای نفع خود سعی می‌کردند هرگونه صرفه جوئی ممکن را بعمل آورند و چون دکانداران از این موضع رنجیده خاطر بودند، آنان را سرمایه داران کوچک

نامیدند. در فاصله بین تشکیل انجمن سرمایه داران کوچک در سال ۱۷۶۹ و تشکیل تعاونی راجدیل در سال ۱۸۴۴ بین ۴۰۰ الی ۵۰۰ شرکت تعاونی دیگر بوجود آمدند. تعاونی اعتبار

هنگامی که کارگران انگلیسی در جهان شهری و صنعتی برای بقای خود تلاش می کردند ، آلمان ها ملتی بودند که عمدتاً از کشاورزان روستایی و صنعتگران مستقل تشکیل می شدند . نیاز اولیه آنها نه خورا ک ارزان ، که سرمایه بود تا بتوانند امور خود را بگردانند بدون اینکه دائماً به نزول خواران مقروض باشند . رایف آیزن کاری اساساً انسان دوستانه با کشاورزان شروع کرد تا سال ۱۸۶۲ طول کشید شرکتی استقراضی تأسیس کند که کشاورزان خود عضو آن باشند . در این زمان مروج دیگری به نام شولتز دلیچ (که او نیز طی سال دشوار ۱۸۴۸ کار را شروع کرده بود) فکر یک بانک کوچک را کامل کرده بود ، کتابی در این موضوع نوشته بود که آنقدر بانک درست کرده بود که به سال ۱۸۵۹ در اتحادیه عمومی شرکت های تعاونی صنعتی آلمان گرد آمدند تا ۱۹۰۵ تقریباً در هر شهرک آلمان بانک مردمی وجود داشت که تعداد کل آنها هزار واحد و دارای نیم میلیون نفر عضو بود . تا ۱۸۷۷ طول کشید که رایف آیزن اتحادیه عمومی شرکت های تعاونی روستایی خود را برپا کند ولی تا ۱۹۰۵ مشکل او به رقم باور نکردنی ۱۳ هزار شرکت بالغ شد که بسی بیشتر از تعدادبانکهای مردمی بود ودوبرابر آن عضو داشت ولی تنها یک دهم وام ها را اعطاء می کرد حدود نیمی از کشاورزان مستقل آلمان عضو آن بودند و ۱۰ درصد دیگر (کشاورزان بزرگ) جز بانک های مردمی بودند .

بنابراین آلمان الگویی شد برای اشکال مختلف تعاونی اعتبار یا بانک پس انداز متقابل بانک های روستایی نیز سکوی پرتابی برای شرکت های تهیه ملزومات کشاورزی شد ، چون هنگامی که کشاورزان مزایای تعاون را دیدند طبیعتاً شروع به تشکیل شرکت هایی نمودند که سایر نیازهای آنها را مرتفع کند . دو الگو از یک جهت مهم متفاوت بود؛ شولتز دلیچ احساس می کرد اعضا بایستی سرمایه گذاری واقعی داشته باشند در حالی که رایف آیزن مایل بود کشاورزان فقیر تنها سرمایه اسمی داشته باشند این امر کافی بود که دونهضت را از

هم جدا نگاه دارد، ولی وجوه مشترک آنها، اصول راچدیل در مورد پرداخت سود سهام براساس مقدار فعالیت انجام شده و عضویت داوطلبانه بود. هرگونه به ایتالیا، سوئیس، بلژیک و فرانسه تسری یافت و حال آنکه مشکل روستایی نیز مورد استفاده قرار گرفت. در انگلیس عمومیت پیدا نکرد، شاید بدین علت که تعاونی‌های مصرف و شرکت‌های ساختمانی پیش از این مأمونی برای پس اندازهای مردم فراهم کرده بودند. ایضاً در دانمارک، که نفس موفقیت تعاون کشاورزی بانک‌های خصوصی را راغب می‌کرد به کشاورزان وام دهند. بسیار شگفت‌آور است که مقدر بود این محبوب‌ترین شکل تعاونی در توسعه یافته‌ترین کشور دنیا - ایالات متحده - و در عقب مانده‌ترین کشورهای آفریقا و آسیای جنوبی شرقی شود.

تعاونی کشاورزی

سه نوع نیاز اصلی کشاورزی است که می‌تواند با تعاون رفع شود. کشاورزان نهاده‌هایی هم چون بذر، کود، وام و جز اینها لازم دارند و اینها از طریق تعاونی‌های تهیه تأمین می‌شود. آنها نیازمند فروش محصول خود از طریق تعاونی‌های بازاریابی هستند و در مواردی که فرایند اولیه کالا مزیتی داشته باشد - تبدیل شیر به کره یا خوک به ژامبون - آنها می‌توانند تعاونی‌های تولید کشاورزی بر پا کنند. این سه شکل به طور جداگانه یا مختلط همه جای دنیا پیدا می‌شود و در تمام اشکال کشاورزی به کار می‌رود و به جنگل‌داری و حتی ماهی‌گیری نیز قابل تسری است که در آن تعاونی‌های خانوادگی را می‌توان معادلی برای مزارع خانوادگی به حساب آورد. آن اشکال چنان طبیعی است که دشوار بتوان گفت از کجا سرچشمه گرفته است، احتمالاً از آلمان است، یعنی جایی که اولین تعاونی تهیه در ۱۸۶۰ و اولین تعاونی تولید در ۱۸۷۱ تأسیس شد و به سرعت در ایتالیا، سوئیس، فرانسه و بلژیک تسری یافت. اما به صرف وسعت و عمق نهضت خانه تعاونی کشاورزی بی‌گمان دانمارک است. شرایط در اینجا کامل بود. اولاً در این کشور کشاورزان کوچکی وجود داشت که هر کدام مالک حدود بیست تا هفتاد جریب زمین بودند نسبتاً با سواد بوده (تعلیمات اجباری در ۱۸۱۴ شروع شده بود) و علاقه‌ای مشترک به تولید مواد غذایی فرایندی، و عمدتاً برای صادرات به انگلیس، داشتند. جدایی سیاسی یا مذهبی موجود نبود، بین کشاورزان و معلمان

روستایی رهبران طبیعی وجود داشتند و فکر تعاون می‌توانست به ریشه‌های فرهنگی در یک نهضت مردمی نسبت داده شود که فرصت آموزش بزرگسالان را در دبیرستان‌های مردمی و نشست‌ها را در تالارهای روستایی فراهم آورده بود. تعاون در دهه ۱۸۸۰، یعنی زمان انقلاب کشاورزی در کودهای مصنوعی، تلقیح علمی و زهکشی زمین آغاز شد که کشاورزان را قادر می‌ساخت از تولید غلات به دامپروری متمرکز روی آورند. تعاون به جای اینکه برای دفاع در مقابل دگرگونی‌ها به کار رود راه پیوستن کشاورزان بدان شد. اختراع دستگاه خامه‌گیری همراه با گشایش بازار انگلیس (شعت اولین آمادگاه خود را به سال ۱۸۸۱ در کپنهاک افتتاح کرد) بدین معنی بود که کشاورزان دانمارکی می‌بایست راهی برای تولید کرده پیدا کنند. اولین لبنیاتی تعاونی به سال ۱۸۸۲ در هی‌دینگ^۱ تأسیس شد و اساسنامه آن در سرتاسر کشور مورد تقلید واقع شد. در آن (با بسط اصول راجدیل) قید شده بود که سود براساس میزان تحویل شیر پرداخت خواهد شد و هر نفر، صرف نظر از تعداد دام، فقط یک رأی دارد. در سال بعد هشت کارگاه کره‌سازی شروع به کار کرد، آن‌گاه رشد تصاعدی شد؛ تا ۱۹۰۹ تعداد ۱۱۵۷ کره‌سازی تعاونی وجود داشت که ۹۰ درصد کشاورزان بدان تعلق داشتند.

تولید لبنیات موجب شد فرآورده‌های جانبی برای تولید خوک به کار رود و در ۱۸۸۷ اولین ژامبون‌سازی تعاونی برپا شد، بار دیگر رشد چشم‌گیر بود، هرچند، در این مورد، کارخانه‌های خصوصی بیش از این برای رقابت در صحنه حاضر بود. در ۱۹۱۳ تعداد ۴۱ تعاونی و ۲۱ کارخانه خصوصی وجود داشت ولی تعاونی‌ها ۸۵ درصد محصول را تولید می‌کردند. آن‌گاه تعاونی‌های تهیه با شکستن انحصارات خصوصی از طریق تولید ماشین‌آلات کشاورزی و خرید مشترکی مواد غذایی و کود اثر خود را نشان دادند؛ در ۱۹۰۷ تعداد ۸۰۰ تعاونی موجود بود، یعنی تقریباً در هر روستا یکی. در هنگامه جنگ جهانی اول، تقریباً نیمی از خانوارهای روستایی عضو تعاونی مصرف، ۸۶ درصد از کل دام‌ها جزوتعاونی‌های لبنیاتی و تقریباً ۵۰ درصد خوک‌ها جزوتعاونی‌های ژامبون‌سازی بود. تعاونی‌های آب

^۱ - Hyding

و برق و بنگاه‌های خدماتی نظیر بیمه و بانکداری را اضافه کنید و مشکل بود کشاورزی را پیدا کرد که در یک یا چند تعاونی درگیر نبود.

تجربه دانمارک به گسترش سریع تعاونی‌های کشاورزی در سرتاسر اسکاندیناوی منجر شد. این امر دسته‌ای کوچک از زمشتاقان را به رهبری هوراس پلانکت واداشت آن را در ایرلند به راه بیندازد که ابتدا اتحادیه تعاونی انگلیس و سپس شرکت سازمان کشاورزی ایرلند، از آن پشتیبانی کردند. هرچند اوضاع و احوال ظاهراً مشابه بود، - کشاورزان کوچکی که محصولات لبنی را برای صدور به انگلیس تولید می‌کردند - برخی عوامل مهم مفقود بود. کشاورزان ایرلندی فاقد آن آموزش اساسی لازم بودند، به علت قرن‌ها حکومت انگلیس، جبری^۵ شده بودند، با اختلافات مذهبی و سیاسی دچار تفرقه بودند و بنابراین پیشرفت (آنها) کند بود. ولی پلانکت و هواداران او دوام آوردند و با شروع در ۱۸۸۹، در ۱۹۰۰ تعداد ۵۸ شرکت تهیه (ملزومات) کشاورزی، ۱۳۸ شرکت تولید کشاورزی و (در ۱۹۰۷) ۲۱۶ شرکت اعتباری برطبق الگوی رایف آیزن به وجود آوردند. هرچند، کسی پیش بینی نکرده بود که وقتی تعاونی‌های کشاورزی و تعاونی‌های مصرف به بازارهای واحدی وارد می‌شوند تضاد منافع اساسی ممکن است بروز کند.

در انگلیس، یعنی کشوری که تحت سلطه کشاورز - اجاره‌دار بزرگ بود، نیز پیشرفت کمتری وجود داشت ولی به همت مروج شجاع تعاونی اون گرینینگ^۱ تا ۱۹۰۹ تعداد ۱۴۵ شرکت کشاورزی کوچک در انگلستان و ویلز و ۳۱ عدد در اسکاتلند وجود داشت، نهضت، موکلان طبیعی خود را در میان سهامداران کوچکی یافت که مجبور بودند برای بقا همکاری نمایند. ولی کشاورزان بزرگ قادر بودند به حساب خودشان بخرند و بفروشند و تنها بعدها، به هنگام سال‌های رکود دهه ۱۹۳۰ ترغیب شدند به نهضت بیوندند.

^۱ -Owen greening

تعاونی کارگری

تعاون در فرانسه، تکاملی مشابه انگلیس داشت. این نهضت هم آدم بصیر خود را داشت (شارل فوریه) که یک سال پس از رابرت اون به دنیا آمده بود و برنامه‌های مفصل برای جامعه‌ای تدوین کرده بود که در آن مستضعفین کار تولیدی و امنیت خاطر بیابند. آرمان او جامعه اشتراکی تعاونی نیز الهام بخش اجتماعات نمونه‌ای (حداقل ۲۹ عدد آنها در ایالات متحده وجود داشت) بود که پایان آن ناکامی بود. فرانسه نیز مدافع اهل عمل (ویلیام کینگ) خود را در وجود فیلیپ بوشه یافت که در ۱۸۳۱ اتحادیه‌ای از قفسه‌سازها به وجود آورد و برای تعاونی کارگری رشته مقرراتی تدوین کرد که حاوی اصل مردم‌سالاری (نمایندگی کارگری)، بازده مالی به نسبت کار انجام شده، عدم زوال سرمایه (که شرکت را از تمایل به فروش و تقسیم دارایی‌ها حفظ می‌کرد) و عضویت همه کارگران پس از یک سال عضویت مشروط بود. کار بوشه از طریق جی. ام. لودلو که فرانسه می‌دانست به جامعه‌گرایان مسیحی شناسانده شد و آنها به موازات لوئی بلان که پس از انقلاب ۱۸۴۸ کمک دولت را برای تأسیس تعاونی‌ها جلب کرده بود، کارگاه‌های خودگردانی تأسیس کردند، به ناکامی کشید. نتایج کار در فرانسه چندان هم بد از آب در نیامد، چون تعاونی‌ها وام‌ها و قرار دادهای دولتی را به دست آوردند، ولی در ۱۸۵۵ تنها یک دوجین از آنها برجا مانده بود.

این فکر هنگامی احیاء شد که مؤسس یک ریخته‌گری به نام ژ.ب. گودن با الهام از دومین موج فعالیت جامعه‌گرایان مسیحی در انگلیس، فعالیت خود را به شکل مشارکت در منافع در آورد که بر تبدیل فعالیت‌های موجود به مشارکت‌های کارگری متمرکز بود تا کار دشوارتر تأسیس واحدهای جدید. منتقدان خاطر نشان کردند که درس‌های ریخته‌گری گودن محدود بود و تنها ثابت می‌کرد که کارکنان تحت یک اساسنامه دقیق و تا حدودی اشرافی قادرند فعالیت بزرگی را حفظ کنند که توسط دیگری به وجود آمده است. دیگر نمونه‌ها - شرکتی قدیمی از عینک‌سازان و شرکتی متعلق به رانندگان شهری - امیدواری بیشتری را اثبات کرد ولی در ۱۹۰۶ سی. آر. فی دریافت که این دو شرکت اضافه بر ریخته

گری، نیمی از داد و ستد را نیز انجام می‌دادند و حال آنکه ۳۴۰ شرکت کوچک، بقیه آن را انجام می‌دادند.

فکر تعاونی کارگری به ایتالیا رسید، یعنی جایی که طی دهه ۱۸۸۰ شکل خاصی ظاهر شد یعنی تعاونی کار این کاری بود منحصراً ایتالیایی و شرکتی بود از کارگران ساختمانی (عمله‌ها، آجرچین‌ها و بناها) که از بابت خدمات خود با مقامات محلی قرار داد می‌بست و از عوارض ترجیحی و برخی کمک‌های دولتی برخوردار بود ولی اساساً یک مخلوق کارگری بود.

پراکنش تعاونی‌های کارگری در دیگر کشورها به وقوع پیوست (به ویژه در بلغارستان که تعاونی‌های صنایع دستی همیشه قوی بوده است) ولی در مقابل همه بذرهایی که مروّجان فرانسوی و انگلیسی کاشتند، محصول ضعیفی از کار درآمد.

تأسیس اتحادیه بین‌المللی تعاون

با فرض اینکه از میان چهار نوع تعاونی که تا پایان قرن نوزدهم ظهور کرد، تعاونی کارگری ضعیف‌ترین آنها بود، به این معنی است که این مروّجان مشارکت کارگری بریتانیا بودند که قدم قاطعی به سوی تأسیس اتحادیه بین‌المللی تعاون برداشتند. آنها که "اتحادیه تعاونی" را تأسیس کرده بودند تا فقط شاهد سلطه "نهضت تعاون مصرف" بر آن باشند. کوشش خود را به تأسیس یک نهاد بین‌المللی معطوف کردند که "به گمان آنها" کمک می‌کرد انجیل مشارکت کارگری موعظه شود تا سپس دریابند، فقط طی چند سال، آن نیز اساساً به اتحادیه‌ای با رهبری مصرف‌کننده تبدیل شده است.

فکر یک اتحادیه بین‌المللی از اواسط دهه ۱۸۶۰ (مطرح بوده است)، ولی می‌بایست صبر کرد تا نهضت‌های ملی به اندازه کافی نضج بگیرند تا بتوانند به اندازه کافی دوام آورند، کاری که مروّجان می‌توانستند انجام دهند مبادله هیأت‌های نمایندگی برادرانه، در همایش‌های یکدیگر و انتظار لحظه مناسب بود. این لحظه در ۱۸۹۳ یعنی هنگامی فرارسید که اولین گردهم‌آیی در کریستال پلاس لندن برپا شد و در آن نمایندگی از بلژیک، فرانسه، آلمان،

هلند، ایتالیا و انگلیس شرکت کردند. تصور ای. وی. نیل و هواداران از اتحادیه. تجمع دوستداران تولید براساس شرکت کارگران در منافع بود. این امر از عضویت تنها نهادی که قادر به نگهداری چنین اتحادی یعنی اتحادیه تعاونی بریتانیا بود، ممانعت می‌کرد (وشگفت آنکه شرکت های سرمایه داری را اذن دخول می داد که تسهیم منافع را عملی کرده بودند). مرگ نیل به معنی انتخاب رئیس تازه ای برای مجمع (هنری ولف) بود که با نهضت آلمان آشنا و کتابی در دفاع از بانک های مردمی نوشته بود. هوراس پلانکت پیشنهاد کرد اتحادیه همه اشکال پذیرفته شده تعاون را دربرگیرد. با این پیشنهاد موافقت شد به شرطی که اعضا اصل مشارکت را بپذیرند، که این امر یک سال دیگر اتحادیه تعاونی را بیرون نگه داشت ولی این فکر زمینه پیدا می کرد وبدون نهضت انگلیس دیگران اکراه داشتند به اتحادیه بین المللی ملحق شوند.

در سال ۱۸۹۵ "اتحادیه تعاونی" موافقت کرد دایره انگلیسی "اتحادیه بین المللی تعاون" لابت باشد. زمان اولین همایش ابت طوری تعیین شد که تعاون "جشنواره و نمایشگاه سالانه تعاونی" در کریستال پلس باشد و چهار روز برای بحث در مورد هر کدام از انواع عمده تعاونی در نظر گرفته شد. برای بسیاری از نمایندگان دریافت این امر که شکل تعاونی تا چه حد متنوع شده وچه راه درازی را پیموده بود، بایست نوعی راز گشایی بوده باشند. نمایندگان از بلژیک، دانمارک، فرانسه، هلند، مجارستان، ایتالیا، روسیه، صربستان، استرالیا، هندوستان، جمهوری آرژانتین و ایالات متحده حضور داشتند. جی.جی. هولی اوک، توانست تا یکی از اهداف مشارکت قطعنامه نهایی همایش درج شود. مضمون آن این بود که "اتحادیه تعاون" و تسهیم منافع را در همه اشکال آن ترویج خواهد کرد ولی این یک پیروزی توخالی بود، چون نمایندگان نهضت های تعاونی مصرف اروپا به اندازه سهم وقدرت مالی خود بر ICA مسلط می شدند ورشد نهضت های ملی به زودی منجر به کاهش عضویت فردی می شد به گونه ای که حامیان مشارکت اصلاً جایی برای سخن گفتن نداشتند.

یونان باستان

در میان مردم یونان باستان انجمنهای تعاونی وجود داشته است. زیرا که بسیاری از انجمنهای کفن و دفن آنها - که به منظور آئین پرستش مردگان ایجاد شده بود - بعد از مدتی به موسساتی حرفه‌ای تبدیل گردید که هدفهای اقتصادی را دنبال می‌کردند. این انجمنها دارای موجودیت قانونی بودند، می‌توانستند دارای اموال بوده و از کسی به دادگاه شکایت برند، ایجاد انجمنهای مذهبی مزبور ناشی از علاقه اعضای آنان به این موضوع بود که می‌خواستند برطبق مراسم مذهبی خود بخاک سپرده شوند.

تقریباً کلیه یونانیان طبقه متوسط و پائین، عضو انجمنهای کفن و دفن بودند که برای اعضای خود مقبره‌ای تهیه کرده و مراسم کفن و دفن آبرومندی بجای می‌آوردند و بعلاوه برای کمک به یکدیگر به اقداماتی می‌پرداختند. این انجمنهای مذهبی و فرهنگی که اورگلونن و تیاسی نام داشتند پیشگامان انجمنهای اقتصادی و حرفه‌ای که بعداً بوجود آمدند، محسوب می‌گردند.

بعضی از انجمنهای کفن و دفن به خرید عمده سوخت و نوشیدنی می‌پرداختند و برخی دیگر به اعضای فقیر و آنهایی که بطور ناگهانی دچار فقر و فاقه شده بودند کمک می‌کردند، در حالی که بعضی دیگر اعضای خود را ملزم می‌ساختند که به اعضای مسافر خود اطلاعاتی در زمینه مسافرت داده و به آنان مساعدتهایی بنمایند، حتی عده‌ای از تعاونیها کلیه امور فوق‌الذکر را با هم انجام دادند، عضویت این انجمنها نه فقط برای اتباع آزاد بلکه برای بردگان و غریبان و حتی زنان بلامانع بود، این امر نشان می‌دهد که انجمنهای تعاونی یونان باستان در نهایت آزادی و مساوات به فعالیت اشتغال داشتند، امور عادی انجمن توسط خود اعضا که هر ماه تشکیل جلسه می‌دادند انجام می‌شد و امور اجرایی انجمن در دست هیات امنا بود. هر سال یک بار مجمع عمومی تشکیل می‌گردید و بدنبال آن جشن و ضیافتی ترتیب می‌یافت. انجمن‌های یونانی حق داشتند مستغلات داشته باشند. شکی نیست که پس از گسترش مسیحیت این انجمنها کانون جامعه‌های مسیحی را تشکیل می‌دادند، این

موضوع واقعیت دارد که در بسیاری از مناطق آسیای صغیر، یونان و ایتالیا کلیسای مسیحی براساس انجمنهای کفن و دفن مذهبی بوجود آمد.

سوئیس

در سوئیس این دوره تقلید محتاطانه از راجدیل، در ۱۸۶۳ با شرکت شواندن شروع شد (که حتی ترجمه مقررات آن به انگلیسی در میان دو قلاب می آمد). در ۱۸۶۵ شرکت تعاونی مصرف عام بال تأسیس شد که مقدر بود بزرگ ترین شرکت سوئیس شود و شرکت های موجود نظیر زوریخ و آلتن به سنخ راجدیل در آمدند. تا ۱۸۹۵ تعداد ۱۱۰ شرکت موجود بود که در اتحادیه عمومی فروشگاه های تعاونی سوئیس گرد آمده بودند و به سال ۱۸۹۸ در بال یک شرکت عمده فروشی تشکیل دادند که به زودی تولیدات خود را شروع کرد. در ۱۹۰۵ تعداد ۲۰۴ شرکت وجود داشت و اینها نهضتی را تشکیل می داد مشخصه اش یک پارچگی، دلبستگی و ثبات قدم بود.

فرانسه

تکامل نهضت در فرانسه در ابتدا به علت پراکندگی نهضت و خصومت جامعه گرایان مختل شده بود. به پیروی از لاسال که آموزه قانون آهنین دستمزدها را اعلام کرده بود فکر کردند که عیب تعاونی مصرف از حسنش بیشتر است، چون هر گونه پس اندازی برای اعضایش بکند خیلی ساده به کاهش مزد از جانب کارفرمایان منجر خواهد شد. ولی نتایج حاصله خطای نظریه را ثابت کرد و تا ۱۹۰۷ تعداد ۲۱۶۶ شرکت تعاونی مصرف با ۶۰۰ هزار عضو به وجود آمد.

بلژیک

نهضت مصرف بلژیک در ۱۸۸۰ با تأسیس ورودی در گنت آغاز شد. بدبختانه تکامل آن به این علت مختل ماند که نهضت به چهار اردو تقسیم شد: جامعه‌گرایان، بی‌طرف‌ها، کاتولیک‌ها و کارکنان دولت. یک شرکت عمده فروشی، آن هم در ۱۸۹۹، و اتحادیه ملی در ۱۹۰۵ (با ۹۹ شرکت از ۱۶۸ شرکت وابسته) تشکیل شد. اما در مورد سرچشمه‌های آن شکی وجود ندارد؛ سی.ا.ر.فی در بازدیدش از دفاتر "اتحادیه عمده فروشی و تعاونی" روی دیوار پوستر عظیمی دید که نظام پیشگامان راچدیل را نشان می‌داد.

ایتالیا

در ایتالیا "دوره انگلیسی" با تأسیس شرکت میلان شروع شد ولی پس از ۱۸۸۵ یعنی زمانی اوج گرفت که یک تعاونگر ایتالیایی به نام بوفولی در جزیره ای برتری راچدیل را نشان داد همان گونه که بوفولی نتیجه می‌گیرد پس از مخالفت بسیار، نظام راچدیل در سرتاسر ایتالیا مقبولیت عام یافت؛ تا ۱۹۰۴ تعداد ۱۴۴۸ شرکت ثبت شده، و حدود سه برابر این رقم ثبت نشده، وجودداشت. بسیاری از اتحادیه‌های استانی شرکت‌های عمده فروشی راه انداخته بودند ولی صفت بارز اتحادیه ملی آنها، لگاناتزیوناله، این بود که نماینده همه انواع تعاونی بود و نه فقط تعاونی مصرف.

آلمان

در آلمان، تعاونی راچدیلی تا دهه ۱۸۹۰ شروع نشد ولی پس از آن سریعاً رشد کرد. تا ۱۹۰۱ اعضای تعاونی‌های مصرف از تعاونی‌های ریشه دار اعتبار، فراتر رفت و در ۱۹۰۵ اتحادیه مرکزی تعاونی مصرف آلمان دارای ۷۶۷ شرکت عضو بود ولی ۲۶۰ شرکت به بانک‌های اعتباری مربوط بود. کار آنها با "شرکت عمده فروشی آلمانی" مستقر در هامبورگ استحکام می‌یافت که رهبران آن در ۱۸۹۸ از انگلستان بازدید کردند و درسهایی نه تنها از

راچدیل، بلکه رشد آن به ارمغان آوردند آنها کار خود را با تولید، خرید چای از انگلیس، پنیر از سویس و فروش به عمده فروشان دانمارک توسعه دادند.

دانمارک

در دانمارک نهضت از همان ابتدا بر اصول راچدیل بنا شد. اولین فروشگاه در میان کارگران کشتی سازی کپنهاک تأسیس شد ولی این اولین شرکت روستایی بود که انگاره را بنا نهاد. مؤسس آن شخصی بود به نام دین زونه که ممکن است از ویلیام پر دریکی از دیدارهایش، راجع به راچدیل چیزهایی شنیده باشد. تا ۱۸۶۹ تعاونی های مصرف روستایی در اکثریت بودند و از آن موقع به بعد نهضت مشخصاً روستایی ماند به طوری که در شروع این قرن جزئی از زندگی معمولی روستا شد.

هرچند نظام راچدیل بیشترین تکامل خود را پیش از جنگ اول جهانی در اروپا کرده بود بذره‌های آن بسی دورتر از آن رفت. در ۱۸۶۴ هنگامی که به ایالات متحده رسیداتحادیه تعاونی واحد در فیلادلفیا مقررات راچدیل را اختیار کرد. آزمون های چندی وجود داشت و در دنیای فردگرا و سریع التغیر سرحد امریکا سخت به شخصیت مروّجان بستگی پیدا می کرد ومدّت زیادی موفق نمی ماند. اما با مهاجرت ساکنان فنلاندی، بوهمی یهودی به نیویورک که در تأسیس تعاونی های اروپا تجربه اندوخته بودند، نهضتی موفق شروع شد؛ آنها در ۱۹۲۰ تعداد ۲۶۰۰ شرکت تأسیس کرده بودند که در جامعه تعاونی ایالات متحده به یکدیگر پیوند خورده بود.

تا اواخر قرن نوزدهم اندیشه تعاونی به سرتاسر دنیا رسیده بود. چنین بود نیروی آن، کافی بود فقط یکی دو نفر بذر آن را بکارند. مثلاً نهضت درمیری تایم کانادا در ۱۸۹۲ یعنی هنگامی شروع شد که یک پزشک انگلیسی به نام ویلفرد گرن فل به پایگاه نظامی لابرادور در نیوفاندلند وارد شد. مردم اینجا دارای تبار انگلیسی و اسکیمو بودند و به شکار و ماهی گیری اشتغال داشتند. داستان شباهت های بسیاری به راچدیل دارد، آنها، مثل همه مردم فقیر به شرکت تجاری محلی به شدت مقروض بودند، که ماهی آنها را می خرید و در عوض به

آنها قبض‌های رنگی می‌داد که فقط فروشگاه مخصوص شرکت آن را قبول می‌کرد. مردم بی‌سواد بودند و تنها مردمی که خواندن و نوشتن می‌دانستند دبیر تعاونی شدند. یک سال در حالت قریب به گرسنگی گذراندند تا توانستند بدهی خود را به نزول خوار پردازند و یک سال دیگر سپری شد تا توانستند ۵۸ دلار پس‌انداز کنند ولی پزشک مقداری به آنها قرض داد و سرانجام فروشگاه آنها افتتاح شد. در این مورد گشایش یک فروشگاه به نهضت مصرف منجر نشد چون نیازهای واقعی آنها تعاونی‌های تهیه و بازاریابی بود. ولی این انواع مختلف می‌توانست با دستکاری مختصر در ساختارشان، از درون نظام راچدیل بیرون آید.

آمریکا

کندی رئیس‌جمهور دوره‌های قبل آمریکا می‌گوید از زمانی که بنجامین فرانکلین در سال ۱۷۵۲ نخستین شرکت بیمه متقابل را در فیلادلفیا پایه‌گذاری کرد کسب و کار تعاونی یکی از جنبه‌های مهم و سازنده اقتصاد، را تشکیل داده است. تعاونی یکی از مهمترین تظاهرات روحیه آمریکائی است. در اینجا گروه‌ها که با احتیاجات مشترکی مواجه هستند، سرمایه خود را بکار می‌اندازند و به سازمان دادن تعاونی خود می‌پردازند تا نیازمندیهای خود را برآورده سازند این امر خودیاری در حد عالی آن است و یا دوایت ایزنهاور دیگر رئیس‌جمهوری آمریکا می‌گوید تعاون وسیله حل و فصل مشکلات و انجام کارهایی است که هر فرد به تنهایی از عهده آنها بر نمی‌آید.

انواع تعاونیها در ایالات متحده آمریکا بشرح زیر بوده اند :

۱. تعاونیهای تولیدات کشاورزی.

۲. مصرفی که مصرف کنندگان صاحب آن بوده و توسط آنها اداره می‌شوند.

۳. انجمن کسب و کار صنعتی.

۴. انجمنهای تولیدی کارگران.

تعاونیهای تولیدات کشاورزی حدود ۳۲ درصد کل تعاونیهای آمریکا را تشکیل می‌دهند. تعاونیهای کشاورزی بطور مداوم در اقتصاد کشور مقام مهمتری کسب کرده‌اند و ارزش

کالاهائی که کشاورزان از طریق تعاونیها بفروش رسانده اند بیشتر از ارزش رشد محصولات کشاورزی بوده است. شاخص بازاریابی تعاونی به نحوی مستمر در حال رشد بوده و از ۸۱/۴ در سال ۱۹۵۰ به ۱۱۹/۴ در سال ۱۹۵۹ بالا رفته است.

تعاونیهای مصرف نیز از دیگر تعاونیهای بود که در آمریکا رونق بسیار داشت نیمی از تعاونیهای مصرف، اتحادیه های اعتباری روستائی و سایر تعاونیها مصرف بترتیب اهمیت عبارت از انجمنهای پس انداز و وام متقابل انجمنهای تلفن، بیمه، مسکن، فروشگاههای مصرفی، تعاونیهای برق روستائی و بانکهای پس انداز متقابل بودند. شرکت تعاونی از نوع راجدیل نیز در آمریکا در سال ۱۸۶۳ در لارنس از ایالات ماساچوست سازمان یافت.

استرالیا

نخستین تلاشها برای تشکیل تعاونی های مدرن در استرالیا انجام گرفت. در اوایل دهه دوم قرن نوزدهم، برخی متدهای آرمانشهری رابرت اون در مورد محکومین آزاد شده هانتر ولی به اجرا درآمد و در دهه سوم قرن نوزدهم، با ورود مهاجران آزاد به کشور، تعاونی های گوناگون تولید و خرده فروشی، مشابه اولین موج تعاونی ها در بریتانیا، راه اندازی شدند. اما در شرایط نامشخص آن زمان، که از کمک های خیرخواهانه یا حتی کمک های مالی ناچیز محلی قابل اتکا خبری نبود، جای شگفتی نیست که گونه ای از خودیاری - "تشکل همیاری" - به بهترین وجه ریشه بدواند. این تشکل های بیمه مشترک به تدریج به نیروهای عمده ی اجتماعی اقتصادی استرالیا تبدیل شده و از گهواره تعاون که در آن پرورش یافته بودند، بیرون آمدند. "اعضای این تشکل ها که آرزو داشتند با استفاده از زمین و ساخت و سازی ارزان صاحب خانه شوند، دست به ابتکار بریتانیایی دیگری به نام تشکل ساختمان سازی زدند. اولین تعاونی مصرف در آغاز سال ۱۸۵۹ در بریسبن تاسیس شد و از دهه ششم قرن نوزدهم به بعد، پذیرش نظام راجدیل به باز شدن صدها فروشگاه تعاونی انجامید، بخشی که، تا دهه پنجم قرن بیستم، شکل غالب تعاونی ها شد.

آفریقا

آفریقا قاره ای است پهناور، با درآمدی ناچیز؛ بنا به محاسبات انجام گرفته در سال ۱۹۹۰، این قاره تنها صاحب ۸ درصد درآمد دنیا است و اگر نرخ های کنونی به همین منوال ادامه یابد، در سال ۲۰۵۰ نیز تنها دارای ۸ درصد درآمد دنیا خواهد بود در آینده ای که جمعیت افزایش می یابد، شهرنشینی سریع و تنزل شرایط زیست محیطی معیارهای سستی تولید ناخالص داخلی را تهدید می کنند و تضمینی برای تحقق شرایط جامعه مدنی وجود ندارد، حتی این دیدگاه نیز شاید خوشبینانه باشد. اگر در بنیان جوامع آفریقایی، هنوز یک اقتصاد قابل دوام وجود داشت، شاید همگی اغوا می شدیم تا به مخالفت با مدرنیزاسیون پردازیم و تلاش کنیم تا اقتصاد روستایی و اشکال ماقبل مدرن تعاون حفظ گردد. این امر باید بخشی از استراتژی تعاونی باشد، در صورتی که بپذیرد بسیاری از آفریقایی ها شهرنشینند و جامعه مدرن به تازگی وارد این قاره شده و از برخی جهات برگشت ناپذیر است. برای پی بردن به نیروی بالقوه تعاونی ها در تسهیل رفع نیازهای انسانی و نیل به توسعه پایدار و حمایت از جامعه مدنی در آفریقا، نیاز به شناخت پیشینه تعاون و نقاط قوت و ضعف کنونی آن داریم. سه مرحله متمایز در توسعه تعاونی ها در آفریقا عبارتند از: مرحله استعماری که در آن دولتهای غربی اروپایی تعاونی را به عنوان ابزاری جهت توسعه اقتصادی معرفی کردند، مرحله ملی _ مردمی که در آن دولتهای آفریقایی ایدئولوژی حاکم را تغییر دادند اما همان فرایندها و ساختارهای تعاونی را حفظ کردند و مرحله سازگاری ساختاری که در آن (به قول روسو) تعاونی ها "به اجبار آزاد" شده بودند. در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی بخشی مشابه بخش های تعاونی وجود دارد. این بخش که تحت سرپرستی دولت قرار دارد و در برابر رقبا از آن حمایت می شود، هم اکنون در تلاش است که لیبرالیزاسیون اقتصادی حاصل از اضمحلال و سقوط دولتهای سوسیالیستی را زنده نگاه دارد. آمارهایی که در رابطه با دوران دخالت دولت در امور تعاونی ها وجود دارد مشکوک است، چون تمیز تعاونی های اصیل از شبه تعاونی ها دشوار است. کسب آمارهایی در رابطه با دوره کنونی که دولت دیگر در امور تعاونی ها دخالت نمی کند نیز دشوار است، چون بخش های تعاونی در دوره تغییر ساختاری

سریع قرار دارند. به منظور فهم پویایی توسعه تعاونی‌ها در مستعمرات کشورهای اروپای غربی، باید تمایزی بین تعاونی‌مدرن و قراردادی و تعاونی‌مرسوم قائل شویم. در فرهنگ سنتی آفریقا، دو شکل اساسی وجود دارد. گروه‌های کاری که اعضایشان به صورت چرخشی یا جمعی برای یکدیگر کار می‌کنند و انجمن‌های اعتباری و پس‌انداز که اعضایشان به صورت چرخشی و به نوبت وام دریافت می‌کنند. آنها را می‌توان به عنوان شکل‌های از پیش تصور شده تعاون‌مدرن دید: به عنوان مثال شرکت‌های کفن و دفن بوسوتوانا و زامبیا که مشترکات زیادی با شرکت‌های تعاونی همیار(دوستانه) اروپای غربی دارند و گروه‌های غیررسمی صندوق پس‌انداز زیمبابوه که مشابه اتحادیه‌های اعتباری هستند. اما اینکه گونه‌های جدید بر پایه گونه‌های قدیمی بنا شوند یا نه، به میزان فهم مروجین تعاون از وظیفه‌شان بستگی دارد و اینکه گونه‌های جدید نیازهای اعضا را رفع می‌کنند و اعتماد به نفس آنها را تشویق می‌کنند یا خیر. بدبختانه، همانطور که خواهیم دید، شکل‌های جدید تعاون را دولتهای استعماری و بعد دولتهای ملی، بدون اینکه تلاشی برای ایجاد آنها بر پایه شکل‌های سنتی انجام گیرد، به این کشورها تحمیل کرده‌اند.

چین باستان

انجمنهای پس‌انداز و وام نخستین بار در چین در زمان سلسله هون ۲۰۰ سال پیش از میلاد بوجود آمد، بدین ترتیب که پونک کونک که چینی‌منتقد و ثروتمندی بود نخستین انجمن اعطای وام را که خصایص تعاونی داشت تاسیس کرد. یکی از خصوصیات این انجمنها آن بود که محدود به گروه کوچکی در جامعه بود و مخارج اداری نداشتند. من باب مثال کسی که احتیاج به پول پیدا می‌کرد از بستگان و دوستان خود درخواست می‌کرد که انجمنی مرکب از تعداد معینی از افراد تشکیل دهند. از هر عضوی درخواست می‌شد که سهمیه مساوی به صندوق پرداخت کنند. هر سه ماه یکبار جلسه‌ای در خانه رئیس انجمن تشکیل می‌گردید و از اعضاء خواسته می‌شد که در جلسه حضور یابند. جلسات مزبور طبق اطلاع قبلی دایر می‌شد و از وام‌گیرنده تقاضا می‌شد که قسطی از وام دریافتی را با نرخ بهره

متعلقه که قبلاً روی آن توافق شده بود پرداخت کند. میزان هر قسط مساوی مبلغ پرداختی هر یک از اعضاء بود و بهره دریافتی بطور یکسان میان وام دهندگان تقسیم می شد یکی از خصوصیات این انجمنها این بود که هر یک از اعضاء موظف بودند کتابچه ای با خود داشته و تعداد کسانی را که در هر جلسه شرکت می کردند در آن یادداشت کنند. هرگاه عضوی به عللی نمی توانست در جلسه حضور یابد سهم او با سه روز مهلت از نامبرده دریافت می گردید. در صورتی که پس انقضاء مهلت، عضو سهم خود را همچنان نپرداخته بود مشمول جریمه می گردید.

از مقررات انجمنهای اعطای وام در چین باستان رئوس عمده ذیل را می توان استخراج کرد.

- . انجمن محدود بود و هر عضوی سهمی مساوی می پرداخت.
- . پرداخت اقساط و بهره به فواصلی معین صورت می گرفت.
- . تقسیم سود براساس تساوی بود.
- . بازپرداخت بفواصلی معین انجام می گرفت.
- . وام به کسی داده می شد که حاضر بود نرخ بهره بالاتری بپردازد.
- . به عدم پرداخت سهم در سرموعد جریمه تعلق می گرفت.

مصر باستان

از آغاز پیدایش امپراطوری مصر، یعنی از ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، موسسات تعاونی و شبه تعاونی در مصر وجود داشته است و تحقیقات وسیع دو مصرشناس بزرگ، رویلد از فرانسه ولومبروزو از ایتالیا حاکی از آن است که صنعتکاران و صاحبان حرفه در طی سلطنت فراعنه مصر نظام بازرگانی ای بسیار پیشرفته بوجود آورده بودند که باعث گردید اتحادیه ها و انجمنهایی پدید آید که وظایف آنها تحت نظم در آوردن نظام بازرگانی و کسب و کار بود. معهدنا معلوم نیست که آیا این انجمنها از طرف کارگران به منظور حمایت از منافع خود ایجاد شده است و یا اینکه دولت بنا به مقتضیات مملکتی به چنین اقدامی مبادرت کرده بود. اما میتوان تصور کرد که کارگران از لحاظ اجتماعی آنقدر نیرومند نبودند که بتوانند به ایجاد

اتحادیه‌های صنفی آنچنانکه در قرون وسطی در اروپا معمول بود دست بزنند. همچنین، هیچگونه دلیل عقلانی وجود ندارد که باور کنیم کشاورزان برای بهبود معیشت خود به ایجاد تعاونیها پرداخته باشند زیرا که دهقانان در وضعی برده وار بسر می‌برند، مجبور بودند در املاک فراعنه و یا ساختن اهرام و معابد و قصور شاهی و یا در خدمت فئودالهای بزرگ بکار پردازند از این لحاظ، کشاورزان و کارگران مصری بدون شک قادر نبودند که از طریق تعاونیها بدرجه‌ای از آزادی اجتماعی و اقتصادی نایل آیند.

تعاونی بطور جدی در مصر در سال ۱۹۰۹ به رهبری «عمر لطفی» آغاز گردید وضع قوانین تعاون در سالهای ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۷ به پیشرفت تعاون کمک کرد پس از روی کار آمدن عبدالناصر، دولت توجه زیادی به تعاون بالاخص تعاونیهای کشاورزی نمود. با اینکه دولت معترف بود که نسبت به تعاونی نظارت و کنترل دارد لکن قصد دولت این بود که در بلند مدت به این کنترل پایان بخشد.

عصر بابل

براساس شواهد موجود می‌توان اعلام نمود که در بابل باستان، کشاورزی استیجاری ماهیتی تعاونی داشته است و یکی از دلایلی که می‌توان برای دفاع از این نظر ذکر نمود وجود قانون حمورابی است که علاوه بر سایر انواع کشاورزی استیجاری نحوه کشاورزی استیجاری تعاونی را مشخص می‌کند. این قانون به امر پادشاه بابل به نام حمورابی که مدت ۴۳ سال سلطنت کرد، در فاصله سالهای ۲۰۶۷ تا ۲۰۲۵ قبل از میلاد بر سنگ نقش بست. بموجب مفاد قانون حمورابی برای تعدادی از کشاورزان این امکان وجود داشت که براساس تعاونی زمینهای وسیعی برای کشت و زرع در اختیار گیرند. این زمینها مشترکاً از طرف کشاورزان مورد کشت و زرع قرار می‌گرفت و یا اینکه به قطعات کوچکی میان اعضای تعاونی تقسیم می‌شد. مدارک موجود نشان می‌دهد که کشاورزان اجازه دار حساب عملیات خود را دقیقاً نگاه می‌داشتند. همچنین می‌شود قبول کرد که عملیات تعاونی در زمینه تجارت نیز در بابل معمول بوده است. وجود معاملات اعتباری در میان مردم بابل باستان، بدون تردید به ایجاد

انجمنهای اعطای وام منجر گردید تا به کشاورزان و صنعتکاران خرده پا کمک کرده و آنها را در مقابل ظلم و اجحاف اغنیاء و قدرتمندان حفظ نمایند. برای انواع مختلف خدمات نرخهایی ثابتی معین شد و این نرخها را که جنبه قانونی داشته در بسیاری از رشته های تجارت و کسب و کار مجری بود.

ژاپن

اولین شرکت تعاونی مصرف ژاپن در سال ۱۸۷۹ در توکیو تشکیل شد و اولین شرکت تعاونی دانشگاهی در سال ۱۸۹۸ در دانشگاه دوشی شا در توکیو دایر گردید. در ژاپن قانون تعاونی صنعتی که به همکاری و اداره شرکتهای تعاونی نظم بخشید در سال ۱۹۰۰ به اجراء درآمد. از آن زمان تاکنون تعاونیهای زیادی که با زمینه های اجتماعی متفاوت بوجود آمده است.

متأسفانه حکومت نظامی در یک زمان سیاست محدود کردن نهضت تعاون را اتخاذ نمود و بسیاری از شرکتهای تعاونی تا جنگ جهانی دوم فعالیت خود خاتمه دادند. بعد از جنگ جهانی دوم بازسازی تعاونیهای مصرف شروع شد و در آن زمان عرضه هر جنسی بمراتب از تقاضای آن کمتر بود. از آن زمان تشکیل تعاونی مصرف راهی آسان برای دستیابی به کالاهای اساسی شناخته شد و مردم تعداد زیادی تعاونی در شهرها، روستاها و کارخانجات دایر کردند در سالهای ۶۰-۱۹۵۹ حدود ۱۷۴۸۸ شرکت تعاونی در ژاپن به ثبت رسیده که بیش از یک سوم آنها تعاونی مصرف در محلات و مناطق مختلف وجود داشت. قانون شرکتهای تعاونی کشاورزی که در سال ۱۹۷۵ تصویب شده است تصریح دارد که برای تأسیس یک شرکت تعاونی کشاورزی بایستی حداقل ۱۵ نفر عضو بعنوان موسسین گردهم بیایند.

فعالتهایی که توسط تعاونیهای کشاورزی انجام می گیرد شامل موارد زیر می باشد:

۱. ارائه رهنمود لازم برای بهبود مدیریت زراعی و سطح زندگی اعضا
۲. هدایت امکانات کاربردی در جهت تولید کشاورزی و نیازهای روزمره

۳. خرید مواد و لوازم ضروری برای تولید و نیازهای روزمره و فروش تولیدات کشاورزی از طریق تعاونی.
۴. ایجاد تسهیلات استفاده از پس اندازها و وام برای تولید فرآورده های کشاورزی و تامین نیازهای روزمره.
۵. حفظ بهداشت اعضا.

هندوستان

در اواسط قرن نوزدهم میلادی در شبه قاره هند با ابتکار اهالی ایالت مدرس نوعی شرکت تعاونی اعتبار روستائی بنام نیدهی تشکیل گردید که منابع اعتباری آن از محل سپرده های اعضا تامین می شد. به رغم شکستهای متعددی که این شرکتها بعلت وجود قوانین نامتناسب، عدم آمادگی کافی در اهالی و مدیریت ناصحیح دستگاههای اداری ذیربط با آن مواجه بودند و شرکتهای مزبور توانستند اهمیت خود را به ثبوت رسانند و بعداً خود الگوی تاسیس شرکتهای تعاونی در ایالات پنجاب و بنگال گردیدند.

در سالهای بین ۱۸۷۰ تا ۱۸۸۰ از طرف دولت هند به نیکولسن و بعد از او به دوپرکس مأموریت داده شده بود تا بررسیهایی راجع به یافتن شیوه های مناسب بهبود وضع روستائیان هندی بعمل آورند. نیکولسن تحقیقاتی پیرامون اوضاع و احوال موجود در ایالت مدرست که نیدهی ها در آن تاسیس شده بود بعمل آورد و در گزارشش پیشنهاد نمود که در این ایالت اقدام به تاسیس بانکهای کشاورزی و سایر سازمانهای تعاونی گردد. دوپرنکس وضع موجود در ایالت اوتارپرادش را بررسی کرد و باتوجه به تجارب مفیدی که از لحاظ تاسیس بانکهای روستائی در ایالت شمالی کسب شده بود، تشکیل شرکت های تعاونی اعتبار طبق مدل و نمونه تعاونیهای اعتباری رایف ایزن را توصیه نمود.

توسعه واقعی تعاونیها در هند از سال ۱۹۰۴ به بعد آغاز گردید در روز ۲۰ مارس این سال قانون جدیدی به تبعیت از قانون شرکتهای تعاونی انگلیس تحت عنوان قانون شرکتهای تعاونی اعتبار به تصویب رسید. ضعف این قانون در این بود که هیچگونه مقررات قانونی

برای استقرار سایر انواع شرکتهای تعاونی در آن پیش بینی نشده بود و بهمین لحاظ توسعه نهضت تعاونی در هند بیشتر به تشکیل تعاونیهای اعتباری محدود می شد. بهمین دلیل سعی شد در قانون تعاونی موجود تغییرات و اصلاحاتی بعمل آید تا آنکه در سال ۱۹۱۲ قانون تعاونی جدیدی بنام «قانون شرکتهای تعاونی سال ۱۹۱۲» بتصویب رسید و بموجب آن تشکیل شرکتهای دیگری نظیر تدارک و فروش، تولید، بیمه و مسکن امکان پذیر گردید.

اندونزی

اندونزی نیز همانند بسیاری از سایر کشورهای آسیایی قدمتی در زمینه ایجاد تعاونیها دارد و در این کشور نیز همکاریهای جمعی و تعاونی وجود داشته است. لکن از برخی جهات تفاوتی بین توسعه تعاون در این کشور و هند و پاکستان وجود دارد و علت وجود این تفاوتها در این است که سیاست استعماری هلند برعکس سیاست استعماری انگلستان در شبه قاره هند، کمتر مایل بود به تمایلات اهالی ترتیب اثر دهد و مردم را برای اداره امور خود متناسباً آماده سازد. توسعه واقعی نهضت تعاونی در اندونزی پس از کسب استقلال در سال ۱۹۵۴ شروع شد. بموجب اولین قانون اساسی اندونزی که در همین سال بتصویب رسید قرار شد اقتصاد این کشور بر مبنای اصل «همه اعضا یک خانواده اند» بنا گردد. متناسب با این هدف به فعالیتهای اقتصادی در بخش تعاونی اولویتهای خاص داده شد و از آنجا که تا آن وقت شرایط و امکانات ایجاد سازمانهای پیشرفته تعاونی فراهم نگردیده بود لذا دولت کوشش نمود تا از طریق یک کادر ورزیده و رهبر، اهالی روستاها و شهرها را با اصول و مبانی نهضت تعاونی و انواع مختلف آن آشنا سازد.

از ویژگیهای بارز اقتصادی و اجتماعی اهالی این کشور وجود وابستگی های شدید از انواع مختلف بود. کشاورزان اندونزی حتی بیش از زارعین ممالک مورد مقایسه یعنی هند و پاکستان در استثمار رباخواران و مخصوصاً وام دهندگان چینی الاصل بودند بدین لحاظ هر نوع اقدامی در جهت بهبود وضع اهالی روستاها و شهرها بستگی به بهبود

طرق تامین نیازمندیهای اعتباری آنان داشت. بموازات پیدایش این شناخت اهم اقدامات دولت بدواً به تاسیس و تقویت تعاونیهای اعتباری معطوف گردید و بدنبال آن دولت تعداد شرکتهای تعاونی تولید کشاورزی و صنعتی و همچنین برخی تعاونیهای بازاریابی و فروش محصولات نظیر نارگیل، صمغ، فلفل و چای تاسیس نمود. در این بین گسترش شرکتهای تعاونی مصرف کنندگان بعقل وجود رقابت شدید از جانب بازرگانان موفقیتی نداشت.

پاکستان

بخش تعاونی در کشور پاکستان با تقسیم شبه قاره هند به دو دولت مستقل و تشکیل دولت پاکستان تفاوت عمده ای با آنچه در هند می گذشت نداشت. اساس نهضت تعاونی در پاکستان نیز مبتنی بود بر قوانین مصوب در سالهای ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۲ و قانون اصلاحی سال ۱۹۱۹ که در آن زمان از جانب حکومت استعماری انگلیس بتصویب رسیده بود. بعد از تشکیل دولت مستقل پاکستان در سال ۱۹۴۷، توسعه نهضت تعاونی در یک فاصله زمانی با رکود مواجه گردید خصوصاً بدین لحاظ که موسسات و بانکهای اعتباری که قبلاً تشکیل شده بود یا در این کشور وجود نداشتند و یا نمی توانستند عملاً هیچگونه فعالیت موثری بنمایند.

در سال ۱۹۵۲ کمیته ای مأمور گردید تا تدابیری بمنظور بهبود وضع کشاورزی در پاکستان اتخاذ نماید و بدین وسیله زیانهای اقتصادی ناشی از تقسیم شبه قاره که متوجه پاکستان شده بود برطرف و موجبات تقویت مبانی اقتصادی این کشور فراهم گردد. این کمیته پس از بررسی پیشنهاد و اعلام نمود یک سازمان ملی تعاونی تاسیس شود و تحت نظر و هدایت دولت انجام وظیفه نماید کمیته خاصی که مأمور پیاده کردن این نظریه گردیده بود پس از مطالعه و بررسی موضوع باین نتیجه رسید که جنبش تعاونی در پاکستان پس از تقسیم شبه قاره بحدی زیان دیده است که بصورت عادی بهیچوجه قادر به ایجاد تحرک و شتاب در اقتصاد ملی این کشور نخواهد بود. مفهوم دیگر این نظریه آن بود که باید در سیاست تعاونی

پاکستان تغییراتی بنیانی صورت گیرد از جمله توصیه شد که دولت به توسعه امر تعاون توجه بیشتری مبذول دارد و به جنبش تعاونی بعنوان وسیله ای رای نیل به توسعه و پیشرفت ملی بنگرد.

در این زمینه به تجارت شرکتهای تعاونی هندوستان استناد گردید و درخواست شد که مانند هندوستان بدواً تعاونیهای اعتباری البته متناسب با اوضاع واحوال آن کشور ایجاد گردد. نهایتاً در کنفرانسی که در سال ۱۹۵۷ از جانب وزارت کشاورزی پاکستان برگزار گردید پیشنهاد شد تحرکی موثر در اقتصاد روستائی این کشور از طریق ایجاد شرکتهای تعاونی تولید، اعتبار و فروش روستائی بوجود آید. برای این منظور قرار شد دولت تامین حقوق پرسنل شرکتهای تعاونی را عهده دار شود.

تاریخچه تعاونی در ایران

در ایران قدیم علاوه بر اینکه عده ای از مردم متمکن و خیراندیش که برای ایجاد رفاه و آسایش عمومی به یک سلسله اقدامات عمرانی از قبیل ساختن راه، ایجاد پل، کاروانسرا، مساجد، آب انبارها و ابنیه و اماکن نظیر آنها مبادرت می کرده اند مردم عادی نیز در این گونه موارد به نحوی با یکدیگر همکاری کرده اند و اگر سرمایه ای نداشته اند تا وثیقه آن قرار دهند بازوهای خود را بکار می انداختند. بهترین نمونه و طرز همکاری را می توان در میان مردم روستاهای مملکت مشاهده کرد که بصورت یک سنت پسندیده از دوران باستان تاکنون همچنان میان کشاورزان ایرانی متداول بوده و می باشد.

شرایط اقلیمی و گستردگی سرزمین ایران تأثیرات شگرفی بر شیوه های تولید و نحوه زندگی اجتماعی مردم این مرز و بوم بر جای گذاشته است. کمبود نزولات آسمانی، وجود بیابانهای پهناور، کوهستانی بودن بخش وسیعی از کشور و تنوع آب و هوا تعیین کننده نظام بهره برداری از زمین و نحوه معیشت مردم هر منطقه است. حفر قنات طولانی و بی شمار در دل صحراها و دامنه کوهپایه ها احداث بندها و کانالهای آبرسانی، نظام دامداری مبتنی بر چرای دامها در بیابانهای وسیع همراه با تحرک جغرافیایی (بیلاق و قشلاق) کاشت و برداشت

محصولات کشاورزی و فراوری تولیدات دامی از جمله فعالیتهایی بودند که ایرانیان را ملزم می‌نمود شیوه‌های متنوع تعاون و همکاری گروهی را در حیات اقتصادی و اجتماعی خود به کار گیرند. گستردگی و تنوع کاربرد شیوه‌های تعاونی موجب گردید تعاون و یاریگری جزئی از فرهنگ و تمدن ایرانیان به شمار رود.

در ایران تعاون به مفهوم واقعی کلمه از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. برخی از محققان غربی عقیده دارند که اوضاع خاص جغرافیایی و شرایط کلی حاکم بر محیط در شرق بویژه در ایران موجب شده است که مردم برای مقابله با مشکلات و غلبه بر طبیعت یکدیگر متحد شوند.

ویل دورانت در کتاب «تاریخ تمدن» راجع به زمینه‌های مشارکت اقتصادی و اجتماعی در ایران چنین می‌نویسد «کتاب اوستا کشاورزی را ستوده و آن را مهمترین و والاترین کار بشر دانسته که خدای بزرگ «اهورا مزدا» از آن بیش از کارهای دیگر خشنودمی‌شود. قسمتی از اراضی ملک مردم بود و خود را به زراعت آن می‌پرداخته‌اند و گاهی خرده مالکان جمعیت‌های تعاونی کشاورزی چندخانوار تشکیل می‌دادند و بصورت جمعی به کاشتن زمینهای وسیع می‌پرداخته‌اند.

از نظر تاریخی، مشارکت در ایران با انقراض سلسله ساسانیان و ظهور اسلام در ایران شکل جدیدی به خود گرفت و پس از گرویدن مردم ایران به اسلام و آشنائی ایرانیان با تعالیم عالیه و عدالت گستر این دین مبین، روح تعاون و همکاری بیش از پیش در مردم نضج گرفت. عده‌ای از مردم ثروتمند و متمکن و خیر اندیش به ساختن حمام، مساجد، راه، پل و اقدام کردند و بسیاری از مردم اگر سرمایه‌ای نداشتند با نیروی کار خود مشارکت و همکاری می‌کردند که انواع بارز این مشارکت را می‌توان در تعاونیهای سنتی مشاهده نمود. از انواع تعاونیهای سنتی در زمینه مشارکت کشاورزان در رابطه با امور زمین و کشاورزی می‌توان بنه، حراثت واره، دون و را نام برد.

از آنجائیکه کمبود آب یکی از مسائل مهم کشاورزی ایران است، بمنظور استفاده بهینه از منابع آب موجود در مناطق کم آب، تعاونیهای سنتی در زمینه توزیع آب و تولید کشاورزی

پدید آمدند ایرانیان همواره شیوه‌های متنوع تعاونی را در فعالیتهای اقتصادی مانند حفر قنات، احداث کانالهای آبرسانی، کاشت و داشت محصولات کشاورزی، نگهداری و پرورش دام، فراوری تولیدات دامی و ... را برای غلبه بر شرایط سخت اقلیمی به کار می‌گرفتند.

علاوه بر آن آموزه‌های دینی خصوصاً دستورات و تأکیدات دین مبین اسلام مانند کمک به هموعان، همکاری در کارهای نیک، یاری رساندن به نیازمندان و مشاوره در امور زمینه‌نهادینه شدن شیوه‌های تعاونی را فراهم نموده است. در طول تاریخ نهادهای تعاونی گونه‌مذهبی مانند وقف، صدقه، قرض الحسنه، ذکات، حبه و ... خدمات بسیاری برای نیازمندان ارائه نموده‌اند.

طبقه کشاورز در ایران، مانند بسیاری از مردم جوامع روستائی در گوشه و کنار دنیا اغلب مواقع از قبیل کشت، وجین، آبیاری، برداشت و درو را با کمک یکدیگر انجام می‌داده‌اند. این نوع همکاری را زراعت جمعی با حفظ خصوصیات مالکیت و انتفاع فردی از زمین باید نام نهاد که هنوز در میان روستائیان متداول و بمراتب طبیعی‌تر از فعالیتهای شرکتی تعاونی کشاورزی است.

این تعاونیهای سنتی یکی از انواع برجسته مشارکت در جامعه انسانی و از جمله در جامعه ایران است که بنامهای مختلف در مناطق مختلف کشور وجود دارد. از انواع تعاونیهای سنتی بنه یا حراثه، واره ... را می‌توان نام برد.

در طول سالهای اخیر باوقوع دگرگونیهای اجتماعی و اقتصادی در ساختار جامعه روستایی بویژه ورود انواع ماشین‌های کشاورزی و ترویج استفاده از چاه عمیق و نیمه عمیق و استفاده از موتور پمپ ضمن کاهش کار گروهی سنتی و یا تغییر شکل آن باعث ایجاد انواع جدیدی از همیاری و مشارکت در زمینه خرید و نگهداری وسایل موتوری و مبادله آنها گردیده است.

تعاونیهای رسمی در ایران قبل از انقلاب

در اقتصادی کشورهای سرمایه داری و سوسیالیستی، تعاونیهای رسمی دارای پیشینه دراز است و از نخستین سالهای سده نوزدهم آغاز شده است. حال آنکه در کشور ما این پدیده پیشینه طولانی نداشته و علیرغم اینکه در نوع سنتی آن از دیرباز دارای سوابق بوده است از پیدایش نوع رسمی آن بیش از چند دهه نمی گذرد. آغاز تعاون رسمی در ایران را می توان از حیث عنوان موادی در قانون تجارت سال ۱۳۰۳ شمسی دانست. موادی از این قانون به بحث در مورد تعاونیهای تولید و مصرف پرداخته است. اما از لحاظ تشکیل و ثبت و فعالیت رسمی می توان سال ۱۳۱۴ را آغاز فعالیت تعاونیها در ایران دانست. زیرا در این سال توسط دولت اقدام به تشکیل نخستین شرکت تعاونی روستائی در منطقه داودآباد گرمسار گردید. مبنای تشکیل شرکت فوق قانون تجارت سال ۱۳۱۱ بود که در چند ماه بحثی از شرکتهای تعاونی آورده بود.

اولین شرکت در سال ۱۳۱۴ توسط اداره فلاحت در شهرستان گرمسار تشکیل گردید و تا سال ۱۳۲۰ تعداد این تعاونیها تنها به ۲ شرکت تعاونی رسید. در فاصله سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ مشکلات ناشی از جنگ جهانی دوم مانند محدودیت ارزاق عمومی، گرانی کالاهای مصرفی و بازار ناسالم توزیع کالا زمینه را برای تأسیس شرکتهای تعاونی مصرف بوجود آورد. در این فاصله تعداد ۱۹ شرکتهای تعاونی مصرف در شهرهای بزرگ تشکیل گردید. از آغاز تشکیل تعاونیها در ایران تا سال ۱۳۲۰ جمعاً سه شرکت تعاونی روستائی با عضویت «۱۰۵۰» کشاورز بوجود آمده است. شرکتهای مزبور نیز به ادعای منابعی که به بررسی تعاونیها در این دوره پرداخته اند مرهون کوشش و توجه آن عده از افرادی است که برای کسب علم و فن به ممالک غربی فرستاده شده و در آنجا با این نوع سازمانهای اقتصادی و اجتماعی آشنا گردیده بودند می باشد. در مورد اینکه چگونه مساعی مزبور نتایج درخشانی بدست نداده در یکی از این منابع آمده است «لیکن بیسوادی و آثار و نتایج معنوی آن (شرکت های تعاونی) در میان طبقات پائین جامعه مانع از آن گردید که شرکتهای تعاونی بتوانند مراحل رشد و گسترش خود را طی کنند» قابل توجه است که تعاونی با آن

قواعدی که برایش وضع کرده بودند مختص جوامع صنعتی و آن هم در دوره ای خاص از عمر آنها بوده است.

برای گسترش تعاونیها بعد از سال ۱۳۲۰ رضاخان وزیر کشور وقت را مأمور کرد که در رأس هیئتی برای تعلیم مأموران و آشنا ساختن مردم به مفهوم قوانین تعاونی به شهرها و روستاهای دور و نزدیک سفر کرده حس مسئولیت جمعی مردم بویژه طبقات تولید کننده را برانگیزد. اقداماتی نیز از جانب دولت در این مورد صورت می‌گیرد از جمله توزیع فرآورده های کارخانجات دولتی را به شرکتهای تعاونی مصرف واگذار می‌نمایند. وقوع جنگ دوم جهانی نه تنها برنامه های مزبور بلکه سایر برنامه ها را تحت الشعاع قرار داد. بعد از جنگ جهانی دوم اشاعه تعاونیها با مشخصاتی که قبلاً ذکر شد از دو سو ادامه پیدا کرد. از یک سو کسانی که از تعاونیهای ممالک دیگر دارای سوابق ذهنی بودند برای پاسخگوئی به مشکلات بعد از جنگ اقدام به تشکیل تعدادی تعاونی مصرف در سطح شهرها نمودند بعد از شهریور سال ۱۳۲۰ از سوی بعضی از کشورها، مخصوصاً آمریکا، هیئتهایی (در ظاهر) برای ارائه کمکهای فنی وارد ایران شدند. در برخی از رشته های امور اقتصادی و اجتماعی ایران نیز عملیاتی را شروع نمودند، از جمله در مورد شرکتهای تعاونی بوده که به منظور پیدایش و توسعه این نهضت اجتماعی و اقتصادی اقداماتی معمول داشته و کمکهای فنی و مالی می‌نمودند. لازم بذکر است که این موسسات در نهایت اهداف موردنظر خود را دنبال می‌کرده اند لکن از جهت این بحث اقدامات این موسسات نتایجی را در برداشته است:

۱- موسسه های وابسته به سازمان ملل متحد مانند سازمان خواربار جهانی فائو و دفتر بین المللی کار، این موسسات بیشتر کمکهای فنی و راهنمایی برای پیشرفت نهضت تعاون در ایران معمول داشتند و عده ای از کارشناسان سازمان ملل متحد در زمینه شرکتهای تعاونی کشاورزی و شرکتهای تعاونی مصرف کارگری وارد ایران شده و در وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی که در این رشته فعالیت داشتند، تعلیمات و راهنمایی هایی انجام دادند. علاوه براین با تامین هزینه عده ای از کارمندان تحصیل کرده وزارتخانه ها و سازمانهای

دولتی را برای مطالعه در امور شرکتهای تعاونی به کشورهای خارج اعزام نمودند. ۲- هیئت عملیات اقتصادی و عمرانی آمریکا در ایران (اصل چهار) - این سازمان نه تنها کمکهای فنی برای پیشرفت نهضت تعاونی می نمود بلکه خودشان به تشکیل تعاونی مصرف کارگری و مصرف شهری و تعاونیهای کشاورزی هم مبادرت می ورزیدند و حتی کمکهای مالی به این قبیل شرکتهای می نمودند و وسایل کار آنها را فراهم می کردند. اداره هیئت عملیات اقتصادی آمریکا در ایران در سال ۱۳۳۰ همزمان با قوانین و دستورات تقسیم املاک سلطنتی بین کشاورزان تشکیل گردید. وظایف اساسی اداره مزبور ظاهراً عبارت بود از: الف - مطالعه درباره اوضاع اقتصادی و اجتماعی کارگران و بخصوص کشاورزان در قراء و قصبات

ب - افزایش مبادلات علمی و فنی و کاردانی در رشته های مختلف تقسیم اراضی ، ترویج کشاورزی مطابق روش نوین کشاورزی بمنظور بهبود کار و زندگی کشاورزان. ج - راهنماییهای علمی و فنی برای تشکیل و اداره نمودن شرکتهای تعاونی تولید، اعتبار و مصرف روستاها.

د - کمکهای مالی طرفین (ایران و آمریکا) در حدود اعتبارات پیش بینی شده و موافقت نامه های تنظیمی برای اجرای برنامه های موردنظر.

ه - تهیه و تامین کارشناسان فنی داخلی و خارجی جهت اجرای برنامه های تعاونی بهداشتی و فرهنگی.

و - تامین عملیات آموزشی و نمایشی در زمینه اصول بین المللی شرکتهای تعاونی. ۳- سایر موسسات آمریکایی نظیر بنیاد فورد و موسسه خاور نزدیک، این سازمانها نیز نه تنها از لحاظ کمکهای فنی اقداماتی می نمودند، بلکه خودشان هم با راهنمایی کارشناسان ایرانی بعضی از طبقات، مردم را تشویق به تشکیل شرکتهای تعاونی می کردند. ۴- موسسات تعاونی بین المللی کشورهای اروپائی که با اعطای بورسهای خارج از کشور و با اعزام کارشناسان تعاونی به ایران کمکهای فنی می نمودند. در اولین «کمیسیون تعاون» که در سازمان برنامه تشکیل گردید، عده ای از کارشناسان «اصل

چهار» و سازمان ملل متحد عضویت داشتند و برنامه‌های تعاونی کشور باید به تصویب کمیسیون مزبور می‌رسید. در زمینه اجرای برنامه‌های تعاون «اصل چهار» علاوه بر تقبل هزینه‌های مزبور به اعزام ۵۰ نفر از کارمندان دولت بخارج از کشور برای دیدن دوره‌های تعاونی، قراردادی با دولت ایران منعقد و آموزش تعاونی کارمندان دولت را به عهده گرفت. تعداد تعاونیهای تشکیل شده (اعم از صندوق‌های تعاونی روستایی و تعاونیهای مصرف) تا سال ۱۳۳۰ به زحمت به یکصد شرکت می‌رسید. که اکثریت قریب به اتفاق آنها هم فعالیت موثر و چشمگیری نداشتند.

در سال ۱۳۳۲ اولین قانون تعاونی ایران که با الهام گرفتن از قوانین خاص دیگر کشورها تهیه شده بود به صورت لایحه قانونی بتصویب رسید.

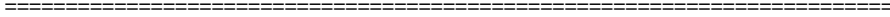
در سال ۱۳۳۴ لایحه مزبور با اصلاحاتی از تصویب مجلس وقت گذشت و اولین قانون تعاون ایران تصویب شد که پایه و اساس تعاونیهای زیادی بخصوص بعد از سال ۱۳۴۱ قرار گرفت.

در سال ۱۳۴۱ براساس تبصره ۲ ماده ۱۶۵ قانون مربوط به اصلاحات ارضی، کشاورزانی که زمین دریافت می‌داشتند ناچار بودند قبلاً عضویت شرکت تعاونی روستایی را بپذیرند. باین ترتیب در مدت کوتاهی بیش از ۸ هزار شرکت تعاونی روستائی تشکیل گردید که بعداً در هم ادغام شد و حدود سه هزار شرکت را بوجود آوردند. تعاونیهای مصرف، توزیع و ... نیز پس از سال ۱۳۴۶ که سال تعاون اعلام شده بود گسترش کمی قابل توجهی یافتند. در سازمانهایی از جمله سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران، سازمان مرکزی تعاون کشور، وزارت تعاون و اصلاحات ارضی و ... پدید آمدند.

در سال ۱۳۵۰ قانون شرکتهای تعاونی با مطالعه قوانین سایر کشورها تهیه و تصویب رسید که موادی از آن هنوز هم مبنای کار تعاونیهاست.

پس از انقلاب اسلامی نیز موضوع مشارکت مردم در فعالیتهای اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی مورد توجه قرار گرفت و در اصل چهل و چهارم قانون اساسی بخش تعاونی به

عنوان دومین بخش رسمی اقتصاد کشور هم ردیف با بخش های دولتی و خصوصی
مورد تصویب قرار گرفت.



اصول بخش تعاون

اصول تعاون رهنمود هایی است که رعایت آنها، راه رسیدن به ارزشها را هموار می‌سازد و بر هفت اصل استوار است:

- اصل اول: عضویت اختیاری و آزاد

تعاونی‌ها سازمانهایی اختیاری هستند و عضویت در آنها برای تمام افرادی که بتوانند از خدمات آنها استفاده کنند و مسئولیتهای ناشی از عضویت را بپذیرند بدون تبعیضات جنسی، اجتماعی، نژادی، سیاسی یا مذهبی آزاد است.

- اصل دوم: کنترل دموکراتیک توسط اعضا

تعاونی‌ها سازمانهایی دموکراتیک هستند و توسط اعضای خود که فعالانه در سیاستگذاری و اتخاذ تصمیمات مشارکت می‌کنند، کنترل می‌شوند. مردان و زنانی که به عنوان نمایندگان منتخب خدمت می‌کنند در مقابل اعضا مسئولند.

در تعاونی‌های سطح اول (شرکتهای تعاونی) اعضا از حق رای مساوی برخوردارند (یک عضو، یک رای) و همچنین تعاونیها در سطوح دیگر به شکلی دموکراتیک سازمان می‌یابند.

- اصل سوم: مشارکت اقتصادی اعضا

اعضا به طور منصفانه و با کنترل دموکراتیک سرمایه تعاونی خود را تامین می‌کنند. آنها معمولاً متناسب با سرمایه پرداخت شده خود که یکی از شرایط عضویت می‌باشد، سود محدودی، در صورت وجود، دریافت می‌دارند. اعضا مازاد در آمد را برای توسعه تعاونی خود، برخورداری اعضا به نسبت معاملات هر یک از آنها با تعاونی و حمایت از سایر فعالیتهای که به تصویب اعضا رسیده است.

- اصل چهارم: خودگردانی و عدم وابستگی

تعاونیها سازمان هایی خودگردان و خودیار هستند که توسط اعضا کنترل می‌شوند. در این میان تعاونیها با این شرط که متضمن کنترل دموکراتیک توسط اعضا و حافظ خودگردانی آنها باشد می‌توانند با سایر سازمانها از جمله دستگاههای دولتی موافقت نامه ای، امضاء و یا از منابع دیگر سرمایه تامین نمایند.

- اصل پنجم: آموزش، کارورزی و اطلاع‌رسانی
تعاونی‌ها برای اعضاء نمایندگان منتخب، مدیران و کارکنان خود آموزش و کارورزی فراهم می‌آورند به طوری که آنها بتوانند به نحو موثر به پیشرفت تعاونی خود کمک نمایند.
- اصل ششم: همکاری بین تعاونیها
تعاونی‌ها از طریق همکاری با یکدیگر در سازمانهای محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به اعضاء خود به موثرترین طریق خدمت کرده و نهضت تعاونی را تقویت می‌کنند.
- اصل هفتم: توجه به جامعه
تعاونیها در عین حال که به نیازها و خواست‌های اعضاء می‌پردازند، برای توسعه پایدار جوامع خود فعالیت می‌کنند.

تعاون در تاریخ ادیان

بطور کلی همه ادیان، انسانها را به نیکوکاری، نودوستی، همبستگی و تعاون دعوت می‌نمایند. مذاهب خواهان برقراری عدالت اجتماعی در جهان می‌باشند و با هر نوع بی‌عدالتی و استثمار مخالفند. در آیین زرتشت کلیه امور به دو بخش تقسیم شده بود. بخش اول متعلق به قلمرو نیکی و بخش دوم قلمرو زشتی و پلیدی بود. یک بخش متعلق به اهورا مزدا و دیگری متعلق به اهریمن بود. روابط متقابل بین این دو اصل وظیفه اخلاقی و تعاونی مردم را مشخص می‌ساخت. انسان وظیفه داشت با اصل نیکی همکاری و با اصل بدی دشمنی نماید تا در اثر همکاری او نیکی پیروز گردد و زشتی نابود شود.

در دین یهود نیز همکاری عمومی از وظایف پیروان این دین بوده که اصول تعاون را تشکیل می‌داد، آنچه بطور کلی از تورات حاصل می‌شود این است که خداوند قوم بنی اسرائیل را به همکاری دعوت نموده است. این قوم تا زمانی مقدس است که تعاون اجتماعی را شعار خویش قرار دهد، حدود همسایگان خویش را نگهدارد، به مال و جان و ناموس مردم خیانت نکند و در هر مورد همکاری متقابل را سرمشق زندگی خود قرار دهد.

همچنین در آئین مسیح، تعاون بر اساس محبت و عشق متجلی می‌شود. تعاون در نیکوکاری و احتراز دشمنی با دیگران از اصول دین مسیح می‌باشند. عقاید اجتماعی کاتولیکها تعاون و اصول آنرا با آغوش باز پذیرفته‌اند و معتقدان به این آئین، تعاون را بانی پیشرفت و رونق امور اقتصادی و اخلاقی می‌دانند.

تعاون و اسلام

در مکتب اسلام نیز که دارای نظام اقتصادی خاص است بر تعاون و همکاری متقابل تأکید فراوان شده و در امور اقتصادی و اجتماعی تعاون به عنوان یک اصل اساسی پذیرفته شده است.

در اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از سه بخش مهم اقتصادی کشور به اقتصاد تعاونی تخصیص یافته است. برای شناخت روح همبستگی و تعاون اسلامی، مطالعه و بررسی قرآن کریم و احکام اسلامی و احادیثی که در این زمینه وجود دارد و همچنین بررسی زندگی پیامبر اسلام و ائمه اطهار ضروریست.

پیامبر اسلام تعاون بین مسلمانان را به عنوان بنیان جامعه اسلامی و همه امور عبادی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مورد تأکید قرار می‌دهند.

در مکتب اسلام خداوند به پیامبر اسلام فرمان می‌دهد که در کارها با مردم مشورت کند و به مومنان می‌فرماید که در کارها با یکدیگر مشورت نمایند و در نیکوکاری و پرهیزکاری یکدیگر را یاری رسانند.

« وشارهم فی الامر » (اعراف/ ۱۵۹) ای محمد در کارها با آنها مشورت کن.

«تعاونوا علی البر تقوی ولا تعاونوا علی الاثم و العداوان» (مائده/ ۲) یعنی در نیکوکاری و کارهای خیر با یکدیگر همکاری کنید و در گناه، خطا، ستمگری و تجاوز مشارکت نکنید.

چنین فرامینی شکل سازمانهای اجرایی و اداره عمومی و خصوصی را در جامعه اسلامی مشخص می‌نماید.

اقتصاد اسلامی حاصل و نتیجه یک جهان بینی و مکتب خاص و بالاخره یک ایدئولوژی مخصوص به خود است. در حقیقت نظام اقتصاد در اسلام جزئی از اجزای نظام اسلامی است که در رابطه با سایر اجزاء، مجموعه واحدی به نام مکتب اسلام را تشکیل می‌دهد.

تعاون و سوسیالیسم

در باره نظر سوسیالیسم نسبت به تعاون و یا رابطه سوسیالیسم و تعاون دو نظریه متضاد وجود دارد. یکی معتقد است که تعاون سوسیالیسم دارای دو کیفیت مشابه هستند و دیگری با این نظریه مخالف است. بعد از انقلاب فرانسه دو جریان سوسیالیستی بوجود آمد که کاملاً مغایر هم بوده و از لحاظ هدف و شیوه عمل با هم اختلاف داشتند.

الف: سوسیالیسم آسوسیاسیونیست قبل از سال ۱۸۴۸ بوجود آمد.

ب - سوسیالیسم مارکسیست که بعد از سال ۱۸۴۸ بوجود آمد.

گروه اول شامل افرادی مانند اون، فوریه، لویی بلان و بوشه می‌باشند که معتقد به اتحاد آزادانه افراد برای حل مسائل اجتماعی بودند. آنها معتقد به مداخله دولت در کلیه امور اقتصادی و دادن قدرت تام به دولت نبودند و بیشتر طرفدار همکاری متقابل و تعاون و اتحاد بین اقشار مختلف مردم بودند.

نهضت تعاون با سوسیالیسم آسوسیاسیونیست وجوه تشابه زیادی دارد به طوری که بعضی این دو رایکسان دانسته اند این وجوه مشترک به طور خلاصه عبارتند از:

۱- تمایل به دگرگونی اجتماعی

اولین صفت مشترک سوسیالیسم آسوسیاسیونیست و نهضت تعاون آن است که هیچکدام رادیکال و به اصطلاح انقلابی نیستند و در عقاید خود معتقد به سلب مالکیت از سرمایه داران نبوده اند و معتقد به اصول تکاملی تدریجی هستند به عبارت دیگر معتقدند هر اقدام تعاونی نظام سرمایه دار را تضعیف می‌نماید، زیرا صفت بارز اقتصاد تعاونی آن است که سود جوئی را از کلیه عملیات خود حذف می‌کند و طرفدار اصل خدمت بجای اصل منفعت هست، بنابراین تحقق این امر پایه و اساس نظام سرمایه داری را متزلزل می‌سازد و نهضت

تعاونی همچون سوسیالیسم بصورت یک نهضت اصلاح طلب مخالف سرمایه داری در می آید .

۲- ریشه های انسانی

سوسیالیسم آسوسیاتیونیست و تعاون هر دو نهضتهای مردمی هستند و هر دو حمایت خود را از توده های مردم تأمین می کنند . اتکای هر دو به نیروئی است که از تعداد افراد و از ارزش انسانی آنها منبعث می گردد . سوسیالیسم ارزش انسانی را در اجتماعاتی بنام احزاب سوسیالیسم متشکل می سازد و تعاون در اجتماعاتی بنام شرکتهای تعاونی ، بدین طریق هر دو اساس تشکیلاتی مشابه دارند .

۳- صلح طلبی

صفت مشترک دیگر بین آسوسیاتیونیست و تعاون ، صلح طلبی است . در حالی که مارکسیسم ، سوسیالیست را به نهضت و جنبش طبقاتی تبدیل کرد ولی سوسیالیست آسوسیاتیونیستها از دین مسیح الهام می گرفتند و آنها را سوسیالیست مسیحی نیز می گفتند . به هر حال هر دو نهضت خواهان برقراری صلح بین ملل مختلف و حتی طبقات مختلف اجتماعی هستند و به رفاه اجتماعی معتقدند .

۴- توزیع عادلانه ثروت

آسوسیاتیونیستها و پیروان تعاون معتقد به توزیع عادلانه ثروت بین کلیه طبقات اجتماعی بوده و مخالف تسلط طبقه بندی بر طبقات دیگر هستند ، بطور مثال :

لوئی بلان معتقد بود که به هر کس مطابق نیاز و احتیاج باید سهمی داد یا عده ای از آسوسیاتیونیستها معتقد بودند که به هر کس مطابق کاری که انجام می دهد باید سهمی داده شود ، نظام تعاونی هم معتقد بود که اگر اصول تعاون به مرحله اجرا گذاشته شود توزیع ثروت بصورت عادلانه در می آید . زیرا اولاً در نظام تعاون اصل رقابت جای خود را به همکاری متقابل می دهد و ثانیاً اصل انگیزه سود جای خود را به انگیزه خدمت می سپارد و ثالثاً فروشندگان خود مصرف کننده هستند و در نتیجه با تقسیم سود بین آنها ، توزیع عادلانه خواهد بود .

۵- مبانی تاریخی و فکری

از نظر مبانی تاریخی در کشورهای غربی نهضت سوسیالیسم آسوسیاتیونیست و نهضت تعاونی با هم مشابه و همزاد هستند. اساس تعاون به صورت امروزی قبل از سال ۱۸۴۸ به وسیله آسوسیاتیونیست پی ریزی گردید و بعداً به وسیله پیروان آنها شالوده موسسات تعاونی بنیانگذاری شد و به صورت واحدهای اقتصادی شروع به فعالیت نمود. در نتیجه تار و پود هر دو نهضت دارای مبنای فکری واحدی بود.

با توجه به وجوه اشتراک فوق‌الذکر میتوان نتیجه گرفت که اصول تعاونی بسیار نزدیک به اصول سوسیالیستی قرن نوزدهم بوده است با این حال اختلافاتی بین این دو نهضت وجود دارد که اهم آن عبارتند از: اولاً سوسیالیستهای آسوسیاتیونیست بشر را به عنوان یک نیروی مولد مورد مطالعه قرار می‌دهند و برای تولید کنندگان اهمیت بیشتری قائل هستند. در صورتی که پیروان تعاون بشر را به عنوان مصرف کنندگان بیشتر توجه می‌نمایند. ثانیاً تعاون طرحی برای تشکیل جدید سازمانهای اجتماعی ارائه نمی‌کند و باصطلاح فاقد پروژه‌های احیا کننده می‌باشد.

تعاون و مارکسیسم

بدون تردید موارد اختلاف زیادی بین تعاون و مارکسیسم وجود دارد و موارد تشابه آن بسیار اندک است در این قسمت به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

۱- جهان شمولی: گرچه مارکسیسم و تعاون هر دو با تبعیضات نژادی مخالفت داشته‌اند، ولی شیوه آنها در مورد جهان شمولی متفاوت بوده است. جهان شمولی مارکسیسم بر اساس اندیشه مارکس استوار بوده و معتقد است که پرولتاریا وطن ندارد و در نتیجه جهان شمولی مارکسیسم بر مبنای نفی میهن پایه‌گذاری شده است، در صورتی که پیروان تعاون تا این حد از جهان شمولی طرفداری نکرده‌اند و اهمیت خاصی برای میهن قائل بوده‌اند به هر حال جهان شمولی مارکسیسم در انترناسیونال و جهان شمولی تعاونیها در اتحادیه بین‌المللی تعاون متجلی می‌شود.

۲- سیاست و اقتصاد

اساساً مارکسیسم یک نهضت سیاسی و تعاون یک نهضت اقتصادی می باشد مارکسیسم در درجه اول برای بدست آوردن قدرت سیاسی تلاش می کند و عقیده دارد که تحول اجتماعی و اقتصادی فقط از طریق بدست گیری قدرت سیاسی ویا قانونگذاری و توسط دولت امکان پذیر است . در صورتی که نهضت تعاون درست راه مخالف را طی می کند و مایل است در درجه اول در عرصه اقتصادی قدرت و نفوذ پیدا کند وبا این حال نهضت تعاون منکر اقدام سیاسی نیست و از حمایت احزاب سیاسی دولت استقبال می کند .

تعاون و مارکسیسم ریشه های طبقاتی یکسانی ندارند و بر اقشار اجتماعی متکی نیستند . مارکسیسم به عنوان نهضت پرولتاریا موجودیت یافته وهدف اصلی آن بهبود وضع کارگران می باشد و معتقد است که طبقه پرولتاریا باید بر جامعه حاکم شده و نقش قاطعی داشته باشد و این اهداف را از طریق اقدامات سیاسی و بوسیله احزاب مارکسیستی دنبال کند , در حالیکه نهضت تعاون به یک طبقه خاص تعلق ندارد بلکه اعضای تعاونی را افرادی تشکیل می دهند که صرف نظر از ریشه طبقاتی و افکار سیاسی دارای نیازهای مشترک هستند که به تنهایی قادر به تأمین آن نیازها نمی باشند وهدف تعاون آن است که با تقویت روحیه خودیاری و کمک متقابل نیازهای مشترک اعضا را تأمین نمایند . تعاون اهداف خود را از طریق اقدامات اقتصادی دنبال می کند و به , موسسات تعاونی متکی می باشد . مارکسیسم بر حاکمیت طبقه کارگر اصرار دارد در صورتی که تعاون مصرف کنندگان را به عنوان تصمیم گیرندگان نهایی جامعه می شناسد .

در زمینه مالکیت نیز بین تعاون و مارکسیسم اختلافات فاحشی وجود دارد . اساس عقاید مارکسیسم بر مبنای نفی مالکیت خصوصی می باشد , ولی تعاون مالکیت خصوصی را مطرود ندانسته وبدون قید و شرط آن را محکوم ننموده است . تعاون با اصل انگیزه سود شخصی در فعالیتهای اقتصادی ویا سود جویی مخالف بوده است . تعاون بر تقسیم عادلانه ثروت اصرار دارد ولی به محرومان نمودن مردم از مالکیت خصوصی معتقد نیست . به طور کلی تعاونی مالکیت خصوصی را نفی نکرده , بلکه منابع مالی و سرمایه شرکت تعاونی از

طریق مالکیت خصوصی اعضا تأمین می‌گردد. تعاون برای مالکیت بیشتر اعضا تلاش می‌کند و طالب تعادل مالکیت در جامعه است.

مارکسیسم دارای عقاید ضد مذهبی است و مذهب را برای مردم تریاک می‌داند در حالی که تعاون نه تنها ضد مذهب نیست بلکه تئورسین‌ها و بنیانگذاران تعاون اکثراً افراد کاملاً مذهبی بودند و هر گونه عداوت با مذاهب را مغایر با فلسفه و اصول تعاون داشته و قویاً محکوم گردیده‌اند.

تعاون و کاپیتالیسم

گرچه عده‌ای معتقدند تعاونی و نظام سرمایه‌داری در بعضی از اصول با هم توافق دارند که مهمترین آن‌ها پذیرفتن مالکیت فردی و اصل آزادی فعالیت‌های اقتصادی هستند ولی در بسیاری از اصول دیگر و در خط مشی و راه‌های انتخابی کاملاً از هم متمایز هستند.

در اقتصاد سرمایه‌داری مردم به خدمت سرمایه می‌آیند و برای فرد ثابتی کار می‌کنند و ثمره فعالیت اقتصادی آنها عاید سرمایه‌دار و مالک می‌شود ولی در اقتصاد تعاونی نتیجه فعالیت اقتصادی به اعضای تعاونی می‌رسد. در اقتصاد سرمایه‌داری مالکیت عامل مسلط و سرمایه نقش فرمانروا را به عهده دارد در حالیکه در اقتصاد تعاونی روابط بین فرد و سرمایه به نحو اساسی دگرگون شده و عامل اصلی انسان و عضو تعاونی است و نقش سرمایه تا حد خدمتگزاری کاهش می‌یابد. اقتصاد سرمایه‌داری تأکیدش بدون هیچگونه قید و شرط بر مالکیت فردی و خصوصی سرمایه و ابتکار شخصی است و مالکیت خصوصی سرمایه را تنها ضامن پیشرفت می‌داند ولی اقتصاد تعاونی موجودیت خود را در درجه اول بر مبنای عامل انسانی و عضویت، نه مالکیت استوار می‌سازد.

بطور کلی استقرار اقتصاد تعاونی بسیاری از بحران‌های اقتصادی ناشی از نظام سرمایه‌داری را از بین برده و مواقع بروز بحران‌ها حتی المقدور از افزایش قیمت‌ها جلوگیری می‌کند که در زمینه توزیع عادلانه ثروت در سطح جامعه می‌تواند نقش مهمی داشته باشد.

لارس مارکوس^۱

مارکوس رئیس اتحادیه بین‌المللی تعاون، در گزارشی که در سال ۱۹۸۸ به کنگره استکهلم ارائه کرد، ارزشهای تعاونی را عبارت می‌داند از:

- ۱- مشارکت
 - ۲- دموکراسی
 - ۳- شرافت
 - ۴- کمک به دیگران
- ارزشهای مزبور به قدری کلی هستند که می‌توانند در هر سازمانی مطرح باشند و مقوله کمک به دیگران نیز به طور نسبی حتی در فعالیتهای غیر تعاونی نیز مورد توجه می‌باشند

سون آکه بوک

آکه بوک در سال ۱۹۸۸ ارزشهای تعاونی را به صورت زیر مطرح کرده است:

- ۱- خودیاری
 - ۲- کمک متقابل
 - ۳- غیر انتفاعی بودن
 - ۴- دموکراسی
 - ۵- آموزش
 - ۶- فعالیت ارادی
 - ۷- جهان‌شمولی و تعاون
 - ۸- ارزشهای هدفمند
- سپس ایشان ارزشهای تعاونی را در سه مقوله زیر خلاصه می‌کند:
- ۱- ارزشهای اجتماعی
 - ۲- ارزشهای سازمانی
 - ۳- ارزشهای اخلاقی

¹ Lars Marcus

کی ون سو

سو پس از ارائه دلایلی چند برای طرح ارزشهای تعاونی در کشورهای آسیایی تحت عنوان ارزشهای آسیائی به مقولات زیر اشاره دارد .

الف- ارزشهای اقتصادی :

۱- ارتباط منافع

۲- ایجاد ارزش جدید

۳- پیشرفت اقتصاد زندگی

۴- تدارک خدمت واحد

۵- توسعه اقتصاد منطقه

ب - ارزشهای اجتماعی :

۱- اجرای اصل انسان گرایی (اومانیزم)

۲- یاری متقابل

۳- همبستگی اعضا

۴- نوع دوستی

۵- خود باوری در زندگی

۶- بهبود محیط زندگی

علاوه بر اینها وی بر واقعیت های دیگر مثل برابری , آزادی , خود اتکائی , تأمین دموکراسی و تأکید کرده و آنها را هنوز مهم می داند .

تفکیک اصول از ارزشهای تعاونی در آخرین کنگره اتحادیه بین المللی تعاون (۱۹۹۵) نیز مورد توجه قرار گرفته و برای اولین بار پس از اشاره به ارزشهای تعاونی به مقوله اصول پرداخته شده است .

سن سیمون

سن سیمون اشراف زاده پاریسی بود و از آنچه افراد طبقه او بر مردم روا می‌داشتند، شرم داشته و طالب آزادی و صلح و صفا بود. خود پرستی را محکوم می‌کرد و خوشبختی بشر را در تعاون و همکاری می‌دید. او معتقد بود که حکومت باید بدست مولدین ثروت جامعه یعنی کارگران و کشاورزان باشد.

رابرت آون

اصطلاح کوپراسیون در سال ۱۸۲۱ اولین بار توسط رابرت آون مطرح گردید، آون واژه تعاون را در مقابل کلمه رقابت به کار برد. او با مطالعه وضع زندگی کارگران کارخانه اش فلسفه شرکتهای تعاونی را ارائه داد. بطوریکه شروع نهضت های کارگری را می‌توان به آون نسبت داد.

((آون)) طرح تشکیل دهکده های تعاونی را به جامعه تقدیم کرد که بر اساس اجرای این برنامه مشکل بیکاری را حل و فقر عمومی را ریشه کن سازد. او خود یک کارخانه دار بود. همه گونه وسایل رفاه و آسایش را برای کارگران خود ایجاد نموده و به طبقه کارگر آموخت که برای تامین حقوق صنفی و رفاه اقتصادی و اجتماعی خود ناگزیرند با شرکت های تعاونی وحدت نظر و همکاری نزدیک ایجاد کنند و صنف واحدی را به وجود آورند. آون فقط یک عقیده داشت همان مزد کار انجام شده است می‌تواند معیار و وسیله مبادله کالا قرار گیرد و سایر حقوق از قبیل دلالی، حق العمل کاری و نظایر آن به هر شکل و صورت نامشروع به شماره می‌رود.

اما طرح پیشنهادی که آون مطرح کرد عبارت بود از اینکه ۱۵۰۰ هکتار زمین به ۱۰۰۰۰ خانواده داده شود و کلیه وسایل رفاه آنان فراهم گردد و این جامعه مشترکاً به کارهای کشاورزی و صنعتی بپردازند و از این طریق نیازهای همدیگر را مرتفع کنند. آون برای تبلیغ نظریات خود به اکثر کشورهای اروپا سفر کرد و چون در آن جا موفقیتی به دست نیاورد به امریکا رفته، دهکده هایی در نیویورک، امریکای جنوبی و مکزیک بوجود آورد.

فیلیپ بوشه

بوشه کشیکی کاتولیک بود که تحت تأثیر نظریه‌های سن سیمون قرار گرفت. او برای جلوگیری از بحران اقتصادی معتقد بود که دو طبقه تولیدکننده و مصرف‌کننده باید با هم ارتباط نزدیک داشته باشند. بوشه مبتکر طرح تعاونی‌های تولید است. و اصول این تعاونیها به شرح زیر می باشد.

اداره شرکت توسط کارگران صورت می گیرد و دونفر نماینده منتخب، صاحبان امضای مجاز شرکت می باشند.

اعضاء طبق قرار داد منعقد به نسبت تخصص و مهارت شغلی دستمزد دریافت می کنند. همه درآمدهای شرکت را نباید به عنوان دستمزد پرداخت نمود. بلکه باید قسمتی از آن را به حساب ذخیره منظور کرد.

سرمایه ذخیره شرکت غیر قابل تقسیم است، حتی پس از انحلال شرکت این ذخیره قابل تقسیم بین اعضای شرکت نمی باشد. باید ذخایر شرکت‌های منحل را به شرکت‌های تعاونی فعال منتقل کرد.

استخدام کارگران غیر عضو در شرکت‌های تعاونی ممنوع می باشد و اگر استخدام چنین کارگرانی برای اداره شرکت ضروری باشد، مدت آن محدود بوده، از دوازده ماه تجاوز نکند پس از انقضای مدت قرار داد چنانچه آن کارگران مورد نیاز تعاونی باشند، باید ترتیبی داده شود که کارگران مورد نیاز به عضویت شرکت درآیند، تا کارهای شرکت به دست اعضای آن صورت گیرد، نه کارگزاران غیر عضو.

ویلیام کینگ

از پیروان وفادار آون و فوریه به شمار می آید و برای تحقق پیشوایان خود زحمت زیادی متحمل شد. مقالات وی در ماهنامه ((کنوپراتور)) به نهضت تعاون کمک زیادی کرد و در یک دوره بسیار کوتاه و توأم با تلاش سه کنگره تعاونی را بین سال‌های ۱۸۳۱ و ۱۳۸۵ تشکیل داد و رهبری نمود و وی اعلام داشت که شرکت تعاونی یک سازمان اجتماعی است

که به نیروی اراده افراد متکی و مظهر تمایلات آنان محسوب می‌شود و هیچ قدرتی در جهان قادر نیست که بتواند همکاری را از صورت ارادی خارج و به قهری و جبری مبدل سازد. به همین جهت نهضت تعاونی باید به قدرت معنوی و انسانی افراد متکی باشد زیرا بستگی و اتکای تعاونی‌ها به قدرت خارجی موجب عدم استحکام و تزلزل ارکان آنها است. وی اعتقاد داشت از آن‌جا که کشورهای تعاونی در نقاط مختلف دنیا توسط افراد تشکیل می‌شوند که دارای عقاید، نژادها، نظریات سیاسی و مذهبی مختلف اند لذا لازم است که طرفداران این نهضت رعایت اصل بی‌طرفی را مورد توجه قرار دهند و از هر گونه وابستگی به گروه‌های ویژه اجتناب نمایند.

دکتر کینگ به قدرت مصرف‌کنندگان تکیه داشت و بیشتر بر ایجاد تعاونیهای مصرف تأکید می‌نمود. در سالهای ۱۸۲۹ - ۱۸۲۸ مجله تعاون را در انگلستان منتشر نمود و نقش اساسی در ایجاد ۳۰۰ تعاونی مصرف داشت، به نظر او اصول مورد نظر در تعاونی‌های مصرف عبارت بود از:

سرمایه شرکت از محل خرید سهام توسط اعضاء فراهم آمده، سود سرمایه وجود ندارد، یعنی بابت سهام اعضاء بهره‌ای به آنها تعلق نمی‌گیرد. اجناس به نرخ روز و کم و بیش نزدیک به نرخ بازار فروخته شود. مازاد برگشتی وجود ندارد، یعنی سود حاصل از خرید اعضاء برگشت داده نمی‌شود، بلکه صرف ایجاد واحدهای تولیدی و اشتغال کارگران می‌گردد.

شارل فوریه

فوریه نیز از بنیان‌فکر ایجاد تعاونیهای تولید می‌باشد او اعتقاد داشت برای ساختن جامعه‌ای که فاقد واسطه و مبری از عملیات نامشروع اقتصادی باشد، باید طبقات گوناگون اجتماعی مانند کارگران، کشاورزان و پیشه‌وران زندگی اقتصادی خود را به وسیله سازمانهای تعاونی و همکاری در یک واحد اشتراکی متمرکز کنند. برای حذف واسطه‌ها،

همکاری شرکت‌های تعاونی تولید و مصرف را توصیه نموده و معتقد بود که باید میزان تولید را با توجه به نیاز مصرف کنندگان معین کرد .

لوئی بلان

لوئی معتقد بود که جامعه باید امکان کارکردن هر فرد را متناسب با توانایی او فراهم نماید و حقوق اولیه انسانی او را برای زندگی تأمین کند و این در سایه رقابت‌های آزاد اقتصادی و اختلافات طبقاتی میسر نیست . برای رفع مشکل لوئی بلان تأسیس شرکت‌های بزرگ تولیدی را پیشنهاد می‌کند که اساس کار این شرکت‌ها آزادی انتخاب و تعاون و همکاری استوار می‌باشد ، در آغاز تشکیل این شرکتها ، دولت‌ها باید سرمایه آنها را تأمین کنند و یک مدیر انتصابی به طور موقتی از طرف دولت بر این شرکتها را نظارت داشته باشد . ولی بعد از اینکه کارگران خود به طریقه اداره این شرکتها آشنا شدند مسئولیت اداره آنها را بعهده خواهند گرت . لوئی بلان از طرفداران اقتصاد دولتی بود ، ولی در طرح تعاونیها خود ، گر چه آنها را از کمکها و دخالت‌های دولت بی نیاز می‌دانست ولی آن کمکها را موقتی می‌پنداشت .

ژرژکوفه

ژرژکوفه معتقد است شرکت تعاونی با دو عنصر پیوسته که یکی اجتماعی است و دیگری اقتصادی مشخص می‌شود :

شرکت تعاونی اتحادیه ای است از افراد که از یک طرفه مشابه بودن برخی از حوائج خود را قبول نموده اند و از طرف دیگر امکان رفع و ارضای بهتر این حوائج را توسط یک موسسه مشترک بر طرق و وسائل فردی ترجیح داده اند .

شرکت تعاونی موسسه ای مشترک است (مالکیت آن متعلق به اعضا می‌باشد و یا سرمایه آن از طریق سهام اعضا تشکیل یافته است) که هدف ویژه آن تأمین و ارضای حوائج می‌باشد بر این مبنا پاره ای اصول و قواعد تشکیلاتی و سازمانی منتج می‌گردد که وظیفه دارد روابط اجتماعی اعضا را با یکدیگر، و روابط اقتصادی آنها را بررسی و تعیین نمایند.

پل روی

تعاونی را موسسه ای می‌داند اقتصادی که از طرف اعضا سازمان یافته، ایجاد می‌گردد و توسط خود آنها اداره می‌شود و به تدارک یا فروش کالا و ارائه خدمات به اعضا به قیمت تمام شده می‌پردازد.

پل روی در جای دیگری، شرکت تعاونی واقعی را چنین تعریف می‌کند: «شرکت تعاونی شرکتی، معمولاً سهامی است با هدفهای اقتصادی که برای اشخاص و توسط کسانی تشکیل می‌گردد که دارای احتیاجات مشترک بوده و در اداره تعاونی تقریباً سهمی یکسان یا متناسب دارند، و از خدمات و منابع آن متناسباً استفاده می‌برند.

کامپیل

از نظر او شرکت تعاونی عبارت است از سازمانی که در آن افراد داوطلبانه و با حقوق مساوی با یکدیگر شریک می‌شوند تا از منافع اقتصادی خود دفاع کنند.

لوئیس اسمیت^۱

معتقد است نمی‌توان تعریف مشخص و روشنی از تعاونی ارائه داد، زیرا معمولاً هر کس تعاون را بدان گونه که خود می‌خواهد و یا به گونه ای که در کشوری معین وجود دارد، تعریف می‌کند. او معتقد است در تحلیل تعاون و توسعه و تکامل آن باید از روش استقرایی استفاده کرد، چرا که تعاون فقط تئوری نیست، بلکه رویه ای است که آرمانهای متعددی را به کار می‌آید، فقط با بررسی تکاملی موضوع است که شخص می‌تواند به مفهوم آن پی ببرد. وی معتقد است که شرکت تعاونی انجمنی از اشخاص نیست، مگر به مفهوم حقوقی آن، تعاونی انجمن و اتحادیه ای از واحدهای اقتصادی می‌باشد که ممکن است مرکب از افراد باشد (در مورد کارگران و خریداران) یا مرکب از خانواده‌ها (در مورد روستاییان) یا

¹ L.Smith

مرکب از سرمایه داران (در مورد کشاورزان عمده و بزرگ) . تعاونی حتی ممکن است انجمنی از تعاونیهای مختلف باشد. یا حتی اعضای تعاونی را تعاونیهایی که با موسسات خصوصی ارتباط دارند، تشکیل دهند .

فرانس هلم^۱

با توجه به مفاهیم مختلف تعاونی تعریف نسبتاً جامعی از شرکت تعاونی کرده است : شرکت تعاونی سازمانی است از واحدهای اقتصادی که به میل و اراده شخصی افراد تشکیل می شود و بر اساس اصل تساوی و برای تحقق هدف اقتصادی تعیین شده به فعالیت می پردازد . ماهیت شرکت تعاونی نه سرمایه داری است و نه سوسیالیستی، بلکه تشکیلاتی است که از طریق اقداماتی بی طرفانه به هدفهای مختلف و سیستم های اقتصادی خدمت می نماید.

کرایگ^۲

کریگ استاد دانشگاه یورک کانادا که مطالعات زیادی در باب تعاونیها دارد ، ارزشهای اساسی تعاونی را به صورت زیر دسته بندی کرده است .

تعاون یا یکپارچگی

۱- کمک متقابل ، اقتصاد، آموزش، مسئولیت اجتماعی، مشارکت

۲- برابری ، انصاف، حقوق و آزادگی ، دموکراسی، آزادگی

۳- عدالت اقتصادی مشارکت اقتصادی تأمین کیفیت زندگی

همچنین از تعاونی تعریفی به شرح زیر ارائه داده است :

تعاونی انجمن ارادی و داوطلبانه از افرادی می باشد که سازمانی را با نظارت دموکراتیک و به منظور تامین کالاها و خدمات مورد نیازشان پدید می آورند و مانع از سود بردن کسی به

¹ Franse Helm

² Porfj . Craig

زیان دیگری می‌گردند. در این سازمان افراد مشارکت منصفانه‌ای در تامین سرمایه و پذیرش سود و زیان حاصله از فعالیت مشترک خود دارند.

تعاونی‌سازمانی دارای شخصیت حقوقی می‌باشد و به منزله یک بنگاه اقتصادی، موظف به رعایت قواعد و مقررات قانونی است. لذا موسسه‌ای «رسمی» می‌باشد.

عضویت افراد در این سازمان یا بنگاه، ارادی و داوطلبانه است و علاوه بر سرمایه‌گذاری افراد، مستلزم قبول مسئولیت‌های ناشی از عضویت می‌باشد.

اداره این موسسه با شرکتهای تجاری متفاوت است و از قواعد ویژه‌ای پیروی می‌کند، از جمله اداره دموکراتیک.

دفاع از منافع اقتصادی اعضا و ایجاد سازمانی متفاوت با سازمانهای نظام سرمایه‌داری و سوسیالیستی که به بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضا منجر گردیده و به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران نظیر شارل ژید نظام اقتصادی و اجتماعی جدیدی را پدید می‌آورد.

اصول مکاتب تعاونی

پایه و شالوده هر نظام و شیوه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی بر اصول و موازینی استوار است که بدون رعایت و اجرای آنها وصول به هدف نهائی امکان پذیر نخواهد بود.

اصول تعاون شامل دستورالعملهای الهام بخش و رهبری کننده‌ای جهت تعیین اهداف تعاونی است، رعایت این دستورالعملها نیل به هدف مورد نظر را تسهیل می‌نماید. این دستورالعملها ممکن است به صورت مقرراتی در آید که حاکم بر فعالیت موسسات تعاونی باشد و بدین وسیله چارچوب مشخصی برای عملیات این موسسات بوجود آورد. در سال ۱۹۲۲ در حدود ۶۰ اصل برای تحقق هدفهای تعاونی بیان شده بود.

اصول مکتب راجدیل

شک نیست اولین کسانی که در امر تهیه و تنظیم اصول تعاونی تلاش کردند، پیشگامان راجدیل بودند. ۲۸ نفر کارگر پیشتاز در شهر کوچک راجدیل با تحقیق در علل شکست

و بررسی رموز موفقیت شرکتهای تعاونی در گذشته، به ابداع و ابتکار اصول و راه و رسمی نوین دست زدند و در سال ۱۸۴۴ شرکتی را بنیان نهادند که نظریه و روشهای کار آنها سرمشقی برای تشکیل تعاونی در دنیا قرار گرفت و تا امروز در سراسر دنیا این اصول ارزش و اعتبار خود را حفظ کرده و بنام اصول مکتب شرکتهای تعاونی راجدیل شناخته شده است.

اصول تعاونی راجدیل بصورتی که امروز گفته می‌شود به وسیله بنیانگذاران و موسسین این شرکت تعاونی اعلام نشده است. بلکه در سال ۱۹۳۱ اتحادیه بین المللی شرکتهای تعاونی هیأتی را مأمور نمود تا با بررسی اساسنامه شرکتهای تعاونی راجدیل و قواعد نه گانه آن اصول اساسی آن را استخراج و به عنوان اساس و مبنای تشکیل و اداره شرکتهای تعاونی اعلام دارد، این اصول عبارتند از:

۱- عضویت آزاد و اختیاری

یعنی هر فرد بایستی در پیوستن به تعاونی و یا گسستن از آن آزاد باشد. زیرا تعاونی متعلق به کسانی است که نیازمند خدماتی هستند که تعاونی برای آنها فراهم می‌آورد و از سویی ماهیت یک نهضت اجتماعی، ایجاب می‌کند که درگردآوری هرچه بیشتر عضو تلاش نماید تا سازمان قدرتمند اجتماعی و اقتصادی بوجود آید و بتواند روی پای خود بایستد. درحقیقت داوطلب بودن یکی از اصول اولیه تعاون می‌باشد که بر اهمیت رفتار انسانی در تعاون‌ها قرار دارد. عمل داوطلبانه انگیزه‌ای برای کار بهتر و ثمر بخش تر بوجود می‌آورد و موجب تشویق و بروز حس ابتکار در بین اعضای تعاونی می‌شود.

۲- اداره امور شرکت بر اساس دموکراسی

شرکت تعاونی، شرکت اشخاص است نه سرمایه‌ها که برای وصول به هدفی مشترک دست همکاری به یکدیگر داده‌اند. بنابراین تمام اعضاء باید به نسبت مساوی در اتخاذ تصمیمات و اداره امور شرکت سهیم بوده و از حقوق و وظایف مساوی برخوردار باشند. قدرت عالی به یک تعاونی در اختیار مجمع عمومی که می‌تواند بر طبق اساسنامه و مقررات شرکت هر گونه تصمیمی را نسبت به امور شرکت اتخاذ نماید. برخلاف موسسات تجاری که میزان سهام و سرمایه عامل موثر در تصمیم‌گیری برای فعالیتهای موسسه می‌باشد، درشرکتهای تعاونی

افراد یا اعضاء عامل موثری هستند. به همین دلیل در شرکت تعاونی هر عضو صرف نظر از میزان سهام، رنگ و نژاد فقط دارای یک رأی می باشد.

۳- بهره محدود سرمایه

پیشگامان راچدیل برای توسعه و پیشرفت تعاونیها سرمایه را لازم و ضروری تشخیص دادند. ولی نظر آنها استفاده از نیروی فعال افراد برای بهره برداری از سرمایه جهت رفع نیازهای مشترک آنها بود نه استفاده از سرمایه به عنوان ابزاری جهت بهره‌کشی و استثمار افراد. بنابراین آنها با این ادعای مالکین سرمایه که بخش عمده ارزش افزوده را سهم خود می دانستند و آن را اساس تعیین نرخ بهره سرمایه قلمداد می کردند، قویاً مخالف بودند و معتقد بودند که اگر قرار است بهره‌ای به سهام تعلق بگیرد، مبلغ آن باید محدود و ثابت باشد زیرا مالکین سرمایه در اصل در مازاد منافع خالص شرکت سهمی ندارند. به هر حال سیاست بهره محدود سرمایه امروزه به چهار طریق در بین شرکتهای تعاونی مختلف به اجرا در می آید.

الف: عدم پرداخت بهره سرمایه

ب: پرداخت بهره سرمایه معادل نرخ بهره معمول سرمایه در بازار پولی و بانکی
د: علاوه بر پرداخت سود سرمایه تعاونی به خاطر تشویق اعضاء برای سرمایه گذاری و خرید بیشتر سهام برای آنها جوایزی در نظر می گیرد.

۴- تقسیم مازاد و عواید شرکت به نسبت معاملات بین اعضاء

انگیزه اصلی فعالیتهای اقتصادی در شرکتهای سهامی تحصیل سود است. ولی یک تعاونی که با اصول صحیح اقتصادی و مدیریت کار آمد اداره می شود باید سود آور باشد و قسمتی از سود حاصله به نسبت معاملات و همکاریهای اعضاء بین آنها تقسیم شود و قسمت دیگر بعنوان ذخیره برای مقابله با زیانهای احتمالی و غیر مترقبه و همچنین تقویت بنیه مالی شرکت کنار گذاشته شود.

۵- حفظ بیطرفی در مسائل نژادی، مذهبی و سیاسی

تعاون نهضتی است بین المللی وهدف آن رفع نیاز مشترک و بهبود وضع مادی و اجتماعی اعضا می باشد. بنابراین برای اینکه شرکتهای تعاونی عرصه مبارزات و تبلیغات قرار نگیرد باید از دخالت مستقیم در امور سیاسی و گروه گرایی همچنین منازعات نژادی و اختلافات مذهبی خودداری نماید در غیر اینصورت وحدت داخلی شرکت تأمین نشده واصل همیاری و خودیاری آن تحقق نخواهد یافت.

۶- انجام معاملات نقدی

بعضی تصور می کنند که در ابتدای تأسیس شرکت تعاونی راچدیل چون سرمایه شرکت ناچیز بوده و تحمل نسبه فروشی را نداشته است، اصل نقد فروشی به وسیله پیشه وران راچدیل ابداع و اجرا شده است، ولی شواهد و مدارک موجود نشان می دهد حتی موقعی که سرمایه شرکت تدریجاً ترقی کرده و به بیش از احتیاج رسید این اصل به وسیله مردان راچدیل رعایت گردیده است. یکی از اعضای هیئت موسس راچدیل معتقد بود نقد فروشی اولاً قدرت مالی شرکت را زیاد می کند.

ثانیاً سلامت شرکت حفظ می شود، ثالثاً عقل معاش را در اعضا بر می انگیزد و در آنها قدرت خرید کاذب ایجاد نمی کند. بعبارت دیگر به جای اینکه باری از دوش اعضا بردارد بار قرض آنها را سنگین می سازد. ولی امروزه فروش نسبه در بسیاری از شرکتهای تعاونی جهانی بعلمی اجرا می شود.

۷- آموزش و پرورش و تعلیمات تعاونی

شرکت تعاونی سازمانی است اختیاری که نمی توان افراد را به اجبار به عضویت آن درآورد. بنابراین اصل آموزش و تبلیغ تنها راهی است که بوسیله آن می توان برای جلب همکاری فعالانه و آگاهانه مردم و قبول عضویت در تعاونیها از آن استفاده نمود از طرف دیگر افرادی که شرکت تعاونی را تشکیل می دهند باید به اهداف و اصول شرکت آشنایی داشته باشند و از اینرو کلیه عملیات شرکت باید با آموزش تعلیم و تبلیغ همراه باشد، در حقیقت بقاء و دوام و گسترش نهضت تعاونی در جهان جز با تعلیمات تعاونی و آموزش مردم امکانپذیر نیست.

اصول مکتب رایفایزن

رایفایزن تحت تأثیر اوضاع زمان خود و مشاهده فقر و مسکنت عمومی و اسارت روستائیان در چنگ رباخواران، تنها راه نجات ورهائی این گروه عظیم انسانهای زحمتکش را در اتحاد و اتفاق و همکاری و خودیاری آنها تشخیص داد. او در سال ۱۸۶۴ تعاونی اعتبار مهمی با شرکت گروه کثیری از طرفداران نظریه خود تشکیل داد. رایفایزن برای شرکتهای تعاونی اعتبار روستائی اصول و مقرراتی پیش بینی نمود که امروزه در سراسر جهان، شرکتهای تعاونی اعتبار روستائی از آن متابعت می‌کنند.

اصول شرکتهای تعاونی اعتبار رایفایزن بشرح زیر است:

حوزه فعالیت شرکت: شرکت تعاونی اعتبار روستائی هر قدر از نظر تعداد اعضاء و منطقه فعالیت محدودتر باشد، پیشرفت و موفقیت آن مطمئن تر خواهد بود.

دقت کامل در پذیرفتن عضو جدید: قبول عضو جدید در شرکت تعاونی اعتبار باید با دقت و مطالعه کامل صورت گیرد، و اینکار باید با تصویب هیئت مدیره انجام گردد و در مجمع عمومی سالیانه صورت اعضاء جدید به استحضار و تأیید اعضاء قدیمی برسد.

مسئولیت نامحدود: اگر در شرکت تعاونی مسئولیت اعضاء منحصر به سهام نباشد بطور قطع بانکها و منابع اعتباری با اطمینان و سهولت بیشتری همکاری نموده همچون به عنوان ناظری بصیر نخواهند گذاشت و امهای دریافتی به هدر رفته و برای حیات شرکت خطری ایجاد گردد

۱- سهام کوچک

با کم بودن مبلغ قیمت هر سهم، کشاورز با درآمد منحصر خودمی تواند سهم خریده، به عضویت در شرکت تعاونی دهکده درآمد و اگر قیمت سهم در حدود امکانات کشاورز نباشد از عضویت در شرکت تعاونی بازمی ماند.

۲- رعایت دموکراسی در اداره امور شرکت

در شرکت تعاونی اعتبار کنترل و نظارت اعضاء در اداره امور بیش از هر یک از انواع دیگر شرکتهای تعاونی اهمیت دارد. یک عضو شرکت تعاونی اعتباری روستائی طبق اصول

رایفایزن به لحاظ مسئولیت نامحدودی که پذیرفته است باید در تمام مجامع و جلسات شرکت حضور یافته و بر اساس « یک عضو، یک رأی » اعمال رأی و نظر نماید .

۳- ایجاد ذخیره و عدم توزیع مازاد برگشتی

شرکت تعاونی اعتبار یکی از مظاهر واقعی سازمان غیر انتفاعی است . شرکت تعاونی اعتبار برای کسب منفعت تشکیل نشده، بلکه هدف و منظور آن خدمت اعضاء است . بنابراین بهره و امه‌های اعطائی بطور قرار داده می شود که پس از کسر هزینه‌ها و استهلاک و ذخیره‌های قانونی و احتیاطی رقم قابل توجهی در صندوق شرکت باقی نمی ماند .

۴- سهل و ممتنع بودن شرایط وام

در شرکت تعاونی اعتبار، پرداخت وام برای کارهای تولیدی باید درکمال سرعت و سهولت انجام گیرد . اما در مورد امور مصرفی و اطمینان به استرداد وام‌ها و تضمین حیثیت شرکت باید تشریفات خاص رعایت گردد .

۵- نظارت بر مصرف وام

اطمینان به بازگشت وام یکی از اصول اولیه است . شرکت تعاونی اعتبار روستایی که معمولاً شرکتی کوچک و محدود می باشد باید حتی المقدور در چگونگی و نحوه مصرف وام اعضاء نظارت نماید .

۶- سیاست اعتباری شرکتهای تعاونی

رایفایزن سیاست اصلی صندوق رایفایزن بر مبنای اعتبارات دراز مدت بوده و بترتیب ۶ ، ۴ ، ۲ ، ۱ سال می باشد . این روش منطبق با رعایت اصل احتیاط و نیازهای فعالیتهای کشاورزی می باشد که در اثر تجربه و مطالعات صحت آن تأیید شده است .

۷- اصل تمرکز

رایفایزن در مورد کلیه عملیات اقتصادی شرکتهای تعاونی اعتبار معتقد به روش تمرکز است و این تمرکز را ضروری می داند بویژه در بین سازمانهای اعتباری طی سالهای ۱۸۶۶ تا ۱۸۷۰ صندوقهای رایفایزن چنان اعتماد توده مردم را جلب کرد که در جریان جنگهای سالهای مذکور پس انداز روستائیان و مردم و حتی برخی از بانکها به صندوقهای رایفایزن سپرده شد .

اصول مکتب شولتز دلتیج

عقیده اساسی شولتز در شرکتهای تعاونی اعتباربراصل عدم تمرکز استوار بود. وی معتقد به یک شرکت بسیار وسیع و پراکنده بود که تمام اجزاء آن هرکدام یک شرکت اعتباری کامل و مستقل باشند.

اصول مکتب شولتز را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱- برای عضویت در شرکتهای تعاونی خرید سهم و تأمین سرمایه به وسیله اعضاء ضرورت دارد و دخالت و کمک دولت و سازمانهای خیریه در یاری دادن به سرمایه شرکت تعاونی ممنوع شناخته شده است و بطور خلاصه اساس این شرکتها صرفاً بر خود یاری تأکید دارد.

۲- مسئولیت اعضاء محدود و متناسب با مبلغ سهامی است که هر یک از اعضاء در صندوق تعاونی دارند.

۳- منطقه عمل شرکت و تعداد اعضاء بهیچوجه محدود نیست.

۴- مازاد عواید و سود ویژه شرکت طبق معمول در سایر شرکتهای تعاونی به نسبت همکاری اعضاء بین آنها تقسیم می‌گردد.

۵- سرمایه شرکت باید بطور مداوم از محل ذخیره اجباری تقویت و روبه فزونی برود، بطوریکه شرکت در موقع بحران اقتصادی و ضررهای احتمالی و غیر مترقبه قدرت مقاومت داشته باشد.

اصولی که شولتز پایه گذاری کرد به علت آسانی طرز کار و انطباق با واقعیات زندگی و احتیاجات طبقات کم درآمد نظر و مورد استقبال شدید مردم قرار گرفت.

اصول مکتب ویلهلم هانس

ویلهلم هانس در سال ۱۸۳۹ در آلمان متولد شد و از ترکیب اصول و نظریات دو مکتب رایفایزن و شولتز اصول تازه ای برای شرکت تعاونی اعتبار ارائه نمود.

اصول مهم مکتب ویلهلم هانس به شرح زیر است:

- ۱- شرکت تعاونی بر اساس خودیاری Self-help و سرمایه و سهام اعضاء تشکیل می‌شود ولی رعایت این اصل مانع استفاده شرکتها ی تعاونی از کمکهای دولتی نیست ، در صورتی که کمکهای دولت به استقلال شرکت لطمه ای نزند قابل قبول خواهد بود .
 - ۲- حوزه فعالیت شرکتهای تعاونی نباید آنقدر وسیع باشد که شرکت از فعالیت مفید وثمر بخش بازماند ولی شعاع عمل شرکت نبایستی بسیارکوچک و محدود هم باشد .
 - ۳- مسئولیت اعضاء شرکتهای تعاونی اعتبار مشترک و نامحدود است و کلیه اعضاء دارای مسئولیت کامل بوده ودر نتیجه بازرسی و نظارت اعضاء در گردش امور شرکت ضامن بقای آن است .
 - ۴- شرکتهای تعاونی کشاورزی باید از اساسنامه وبرنامه های چند منظوره در یک زمان واحد پرهیز نمایند . به طور کلی هانس با شرکتهای چند منظوره مخالف بود .
 - ۵- هانس برای عملیات اقتصادی در شرکتهای تعاونی تمرکز منطقه ای را پیشنهاد می‌کرد ومعتقد به تشکیل اتحادیه های تعاونی منطقه ای در استانها و مناطق بزرگ بود .
 - ۶- اتحادیه های منطقه ای باید اتحادیه ملی شرکتهای تعاونی کشاورزی را تشکیل دهند .
- هانس اصل اقتصادی را هدف اصلی در فعالیتهای شرکتهای تعاونی میدانست وروح تعاون مذهبی وعشق به مردم را به عنوان یک وسیله برای رسیدن به هدف اقتصادی قبول داشت .

اصول تعاون در قرن بیست ویکم

اتحادیه بین المللی تعاون در همایش سپتامبر ۱۹۹۵ در منچستر بیانیه ای در خصوص « هویت تعاونی » صادر نمود. این بیانیه حاوی تعریفی از شرکتهای تعاونی ، فهرستی از ارزشهای کلیدی نهضت تعاون ومجموعه بازبینی شده از اصول تعاون به منظور هدایت و راهنمایی سازمانهای تعاونی در آغاز قرن بیست ویکم بود .متن زیر ترجمه این بیانیه می باشد تعاونی ، اجتماع مستقل اشخاصی است که بمنظور تأمین نیازها و اهداف مشترک اقتصادی ،اجتماعی وفرهنگی خود از طریق اداره ونظارت دموکراتیک موسسه با مالکیت مشاع ، با همدیگر بنحو اختیاری توافق نموده اند .

تعاونیها بر ارزشهای خودیاری، مسئولیت‌پذیری، دموکراسی، برابری، انصاف و اتحاد استوارند.

اعضاء با توجه به عرف مسئولین تعاونی خود به ارزشهای اخلاقی صداقت مسئولیت اجتماعی و توجه به دیگران، معتقدند.

اصل تعاونی دستور العملهایی است که طبق آنها تعاونیها تحقق ارزشها را عملی می‌سازند. در این قسمت به شرح هر یک از اصولی که در همایش اتحادیه بین‌المللی تعاون مطرح شده می‌پردازیم

اصول اول: عضویت اختیاری و آزاد

تعاونیها سازمانهایی اختیاری می‌باشند، عضویت در آنها برای تمام افرادی که بتوانند از خدمات آنها استفاده کنند و مسئولیتهای ناشی از عضویت را بپذیرند، بدون تبعیضات جنسی، اجتماعی، نژادی، سیاسی یا مذهبی آزاد است.

اصل دوم: کنترل دموکراتیک توسط اعضاء

تعاونیها سازمانهایی دموکراتیک می‌باشند، توسط اعضاء خود که فعالانه در سیاستگذاری و اتخاذ تصمیمات مشارکت می‌کنند کنترل می‌شوند. مردان و زنانی که به عنوان نمایندگان منتخب خدمت می‌کنند در مقابل اعضاء مسئولند. در تعاونیهای سطح اولیه اعضاء از حق رأی مساوی برخوردارند (یک عضو، یک رأی) و همچنین تعاونیها سطوح دیگر به شکلی دموکراتیک سازمان می‌یابند.

اصل سوم: مشارکت اقتصادی اعضاء

اعضا بطور منصفانه و با کنترل دموکراتیک به سرمایه تعاونی خود کمک می‌کنند. معمولاً حداقل بخشی از سرمایه در مالکیت عمومی تعاونی می‌باشد. اعضاء معمولاً متناسب با سرمایه پرداخت شده خود که یکی از شرایط عضویت می‌باشد، پاداش محدودی، در صورت وجود دریافت می‌دارند.

اصل چهارم: استقلال و عدم وابستگی
تعاونیها سازمانهایی خودیار و مستقل می‌باشند که توسط اعضاء اداره و کنترل می‌شوند. اگر آنها با سایر سازمانها از جمله دستگاههای دولتی موافقت نامه ای امضا کنند یا از منابع دیگر سرمایه تأمین نمایند، به نحوی اقدام خواهند کرد که مطمئناً تعاونی بشکل دموکراتیک توسط اعضاء اداره و کنترل شده و استقلال آن محفوظ بماند.

اصل پنجم: حرفه آموزی و آگاه سازی
تعاونیها برای اعضاء، نمایندگان منتخب، مدیران، کارکنان خودآموزش و حرفه آموزی تدارک می‌بینند، بطوریکه آنها بتوانند بنحو موثر به پیشرفت تعاونی خود کمک نمایند. آنها عموم مردم بخصوص افراد جوان و رهبران افکار عمومی را نسبت به ماهیت و فوائد تعاونی مطلع می‌سازند.

اصل ششم: همکاری تعاونیها با یکدیگر
تعاونیها از طریق همکاری با یکدیگر در سازمانهای محلی، ملی، منطقه ای و بین المللی به اعضای خود به موثرترین طریق خدمت کرده و نهضت تعاونی را تقویت می‌کنند.

اصل هفتم: توجه به جامعه
تعاونیها باتصویب خط مشی‌ها توسط اعضاء برای توسعه مستمر جوامع خود فعالیت می‌کنند.

مکتب کلاسیک

در اواخر سالهای ۱۸۰۰ میلادی مجموعه ای از مفاهیم تازه در مورد سازمان به گونه ای وسیع در سه مسیر بوروکراسی، تئوری اداری و مدیریت علمی براساس فرضیات مشابهی پایه ریزی گردید. گرچه این سه جریان به وسیله سه گروه جدا از هم بنیانگذار شد ولی هر سه گروه به نتایج واحدی رسیدند که براساس آن مکتب کلاسیک سازمان تدوین گردید. براساس نقطه نظر کلاسیک، سازمان ساختاری است از روابط قدرت، اهداف، نقشها، فعالیتها و ارتباطات بین افراد به منظور انجام یک کار گروهی.

تئوری بوروکراسی

نظریه پردازان بوروکراسی معتقدند بشر برای پرهیز از بی‌نظمی و هرج و مرج مجبور است با اعمال بوروکراسی به حفظ ساختار و نظم و ثبات سازمان بپردازند و ناگزیر است در سازماندهی عناصر زیر را اعمال نماید.

الف _ سلسله مراتب : در یک بوروکراسی اهداف کلی سازمان به اهداف فرعی تر تقسیم می‌شود. برای نیل به این اهداف و وظائف و کارها به کوچکترین واحد تخصصی مربوط تقسیم می‌گردد. وظائف واحد های تخصصی مشابه ، زیر نظر مقام سازمانی اداره و سرپرستی می‌شود به طوری که قدرت و اختیار و کنترل و نظارت از بالا به پائین اعمال می‌گردد و به همین ترتیب هر مقام سازمانی زیر نظر مقام مافوق خود انجام وظیفه می‌نماید و بر اساس سلسله مراتب و رده های سازمانی به طور روشن و مشخص تعریف و حدود مسئولیتها ، اختیارات و وظایف هر پست سازمانی مشخص می‌گردد و بدین ترتیب کل عملیات سازماندهی می‌شود.

ب_ قابلیت‌های حرفه ای: در سیستم بوروکراسی قابلیت حرفه ای افراد بر اساس میزان تخصص ، مهارت ، تجربه و تحصیلات تعیین و براین اساس به آنها پست سازمانی محول روابط اجتماعی و استعدادهای فردی و ویژگی های روانی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

ج_ جنبه های شغلی : در نظام بوروکراسی فرد به صورت انحصاری و حرفه ای در شغل مربوط قرار می‌گیرد و ارزیابی او توسط سرپرستان و مقامات فوق انجام می‌شود.

د_ قوانین و مقررات : در نظام بوروکراسی دستورالعملها و مقررات به صورت قوانین مجرد ، خشک و بی روح از بالا به پائین اعمال می‌شود و فرد بوروکرات یک رفتار قالبی و کلیشه ای ولی عقلانی را جستجو می‌کند. در چنین سیستمی رفتار کارکنان در چار چوب دیسیپلین ، نظم و نظارت سیستماتیک قرار می‌گیرد.

ه- قدرت : در نظام بوروکراسی قدرت در دست مقامات متمرکز می‌شود و قدرت سازمانی ناشی از مقامات و نصب سازمانی افراد است.

گرچه ظاهراً مدل سازمانی بوروکراسی یک مدل عقلانی و منطقی به نظر می‌رسد ولی بیشتر دارای مفاهیم ذهنی بوده و نمی‌تواند با توجه به ویژگی‌های پیچیده مسائل انسانی در دنیای واقعی به عنوان یک الگوی سازمانی جهان شمول به کارگرفته شود. بلکه با توجه به ماهیت، اهداف و شرایط هر سازمانی برخی از عناصر آن می‌توانند در سازماندهی کاربرد داشته باشند.

جنبه‌های منفی سیستم بوروکراسی اعمال نظام بوروکراسی در سازماندهی اغلب با عوارض و جنبه‌های منفی زیر همراه بوده است.

۱- انعطاف ناپذیری

مقررات خشک و دستورالعمل‌های بی‌روح و انعطاف ناپذیر سیستم بوروکراسی روحیه مسئولیت‌پذیری، تعهد، دلسوزی، علاقمندی، همکاری و تعاون را در اعضای سازمانی تضعیف می‌کند. وجود روحیه‌ای مبنی بر این که ((اگر شک داری کار نکن))، ((دیگته ننوشته غلط داری))، ((سری که در نمی‌کند دستمال نیند))، ((مواظب کلاه خودت باش باد نبرد)) و امثالهم از عوارض اعمال فرهنگ بوروکراسی می‌باشد.

۲- جمود شخصیت

بوروکراسی به انسان به دیده یک ماشین، یک شی‌بی‌روح و یک عامل تولید نگاه می‌کند و توجهی به عواطف و احساسات و ادراکات و جنبه‌های معنوی و روحی ندارد و به همین دلیل روابط انسانی در این سیستم و طرز فکر جایگاهی ندارد.

۳- جابجائی اهداف

یک کارمند بروکرات ممکن است در اثر مرور زمان و تلقین، اهداف اساسی سازمان را به دست فراموشی سپرده و خود را محور قرار دهد و اهداف فردی و فرعی را جایگزین اهداف اصلی نماید. در سیستمهای بروکراسی بارها مشاهده شده کارمندان جزء بر اساس همین خود محوریها به اعمال سلاقی شخصی مبادرت نموده و رکوردفاحشی در کارائی سازمان ایجاد نموده‌اند و از قوانین و مقررات و دستوالعملهایی که در حقیقت باید در جهت افزایش

بازدهی و کارایی سازمان به کارگرفته شوند قیود و بندها و تارهایی به دور خود و ارباب رجوع تنیده اند که هیچ قدرت پویایی، مانور، و حرکت سازنده ای برای سازمان باقی نگذاشته اند. فرصتهای جابجائی اهداف چه عمدی و یا غیر عمدی باشد، لطمات و عوارض جبران ناپذیری برای سازمان به بار خواهد آورد.

۴- جنبه های منفی شغلی

در سیستم بوروکراسی به اصل تخصص گرایی و ایجاد مشاغل تخصصی توجه زیادی شده و هر کس باید کار خاصی را انجام دهد بنابراین در مواردی که افراد استعداد انجام کارهای دیگری را نیز دارند استفاده مطلوب از نیروی انسانی عملی نخواهد بود. در ضمن در نظام بوروکراسی افراد سعی در حفظ موقعیت شغلی خود دارند حتی اگر بهبود سیستمها و روش های چنین شغل و پست سازمانی را غیر مفید تشخیص دهد. بنابراین در نظام بوروکراسی سعی بر این است که کلیه مشاغل قدیمی حفظ شود و در کنار آنها مشاغل جدیدی هم به وجود می آید بنابراین روز به روز سازمان متورم تر و پرهزینه تر می گردد، در حالیکه به همین نسبت از میزان کارایی و بازدهی آن کاسته می شود. مدیران بوروکرات حیثیت و اعتبار شغلی خود را در گرو تعداد کارکنان تحت سرپرستی خود دانسته و فکر می کنند علیرغم حجم کار و میزان بازدهی هر چقدر تعداد کارکنان بیشتر باشند اهمیت شغلی مدیر بالاتر است.

۵- دیوانسالاری

ایجاد و سازماندهی یک سیستم بوروکراسی به سرعت و به سهولت امکان پذیر است، ولی تغییر و تعدیل و تخریب آن با دشواریها، مقاومتها و سرسختی های زیادی همراه است. عدم استقبال بوروکراسی از خلاقیت، ابتکار و نوآوری و تغییر و تحول یکی از پیامدهای بسیار منفی و زیان بار این نظام اداری به حساب می آید.

۶- هزینه نظارت و کنترل

در یک بوروکراسی میزان نظارت و کنترل به حد افراط می رسد برای هر واحد یک واحد نظارت و کنترل واحد دیگری را برای نظارت و کنترل خودش نیاز دارد. بنابراین یک کار

اداری ساده باید از کانالهای پر پیچ و خمی عبور داده شود و ده‌ها نفر بر آن نظر بدهند و جالب اینکه ضمن بالا رفتن هزینه‌ها، به تأخیر افتادن کارها، مسئله نظارت و کنترل هم لوٹ شده و ادامه این مفاسد اداری زیادی در بر خواهد داشت.

۷- نگرانی و اضطراب

بوروکراسی بین کارکنان سازمان نگرانی و اضطراب ایجاد می‌کند. روح دیوانسالاری موجب خدشه دار شدن شخصیت والای انسانی گردید و تولید فقر اخلاقی می‌نماید.

ابتکار و خلاقیت و آزادی عمل را از بین می‌برد. افراد را در تار و پود ضوابط و مقررات پیچیده و دست و پاگیر گرفتار می‌کند. روحیه چاپلوسی، ریا، تزویر، ارتشاء و مفاسدی از این قبیل را در سازمان تقویت می‌کند. در چنین نظامی صاحبان منصب و مقام کم‌کم از سجایای اخلاقی و انسانی فاصله گرفته تکبر، خود بینی بر آنها مستولی می‌شود.

با توجه به بررسی اجمالی ساختار و طرز تفکر و عناصر و جنبه‌های مثبت و منفی نظام بوروکراسی به عنوان یکی از سه جریان تئوری کلاسیک سازمان، باید به این مسئله توجه گردد که در موسسات تعاونی توجه به روابط انسانی فوق العاده حائز اهمیت بوده و دیدگاه تعاون نسبت به مسائل انسانی باید دیدگاهی چند بعدی باشد و انسان را با ابعاد پیچیده مادی و معنوی، روحی و روانی او درک کند. اگر تعاونیها در تار و پود عوامل منفی نظام بوروکراسی گرفتار آیند مرگ و نابودی آنها حتمی است. شرایط حاکم بر موسسات تعاونی باید به نحوی باشد که در تقویت روحیه مشارکت، همکاری، تعاون و خود یاری بین اعضاء، خلاقیت، ابتکار، دلسوزی، رضامندی، تعهد و احساس مسئولیت بین کارنان موفقیت لازم را کسب نماید. رعایت اصل تقسیم کار و سلسله مراتب در حد متعالی و متناسب و ایجاد نظم می‌تواند از عوامل مثبت در سازماندهی موسسات تعاونی باشد.

تئوری اداری

یکی دیگر از جریانهای مکتب کلاسیک تئوری اداری است. تئوری اداری نیز دارای همان ویژگیهای بوروکراسی است و هر دو با یک دیدگاه و یک نگرش خاص به سازمان می‌نگرند. سازمان را به صورت ((بایدی)) و ((دستوری)) نگاه می‌کنند و برای آن ساختاری

ذهنی متصورند. به سازمان غیر رسمی توجهی مبذول ننموده و مدافع سازمان رسمی هستند. تخصص‌گرائی، تقسیم‌کار، و سلسله‌مراتب اداری را به عنوان اصول زیربنائی در طراحی سازمان مدنظر قرار می‌دهند و بر وظیفه‌مداری، عقلانیتی بودن و اصولی برخورد کردن تاکید بسیار دارند. بنابراین تئوری اداری نیز جنبه‌های منفی نظام بوروکراسی را در بر دارد. از خشکی و انعطاف‌ناپذیری، جمود شخصیت خودمحوری و دیوانسالاری و عدم توجه به ابعاد روحی و معنوی انسانی برخوردار می‌باشد. تنها فرقی که طرفداران این دو نظریه با یکدیگر دارند در این است که نظریه پردازان بوروکراسی در همان حد نظریه پردازی متوقف شدند و هیچ‌گونه مدل اجرایی و عملی پیشنهاد نکردند ولی نظریات طرفداران تئوری اداری به صورت یک ساختار عملی در سازماندهی مدنظر قرار گرفت و به مرحله اجرا درآمد. تفاوت دیگری که این دو جریان با یکدیگر داشتند از این بعد بود که نظریه پردازان بوروکراسی سازمان را محور قرار داده و بیشتر مورد توجه و بررسی قرار می‌دادند در حالی که تئوری پردازان اداری به مسئله مدیریت به عنوان یکی از اجزاء مهم سازمان توجه بیشتری داشتند.

تئوری مدیریت علمی

سومین جریان مکتب کلاسیک، مدیریت علمی بود که از سال ۱۹۰۰ میلادی و همزمان با مفاهیم بوروکراسی و تئوری مطرح گردید. گرچه مدیریت علمی نیز در بسیاری از ابعاد خود با بوروکراسی و تئوری اداری و جوه مشترک داشت ولی تفاوت اساسی آن با دو جریان دیگر در این بود که مدیریت علمی ((خردنگر)) بود یا به عبارتی یک ((نظریه خرد)) در زمینه سازمان ارائه می‌داد در حالی که دو جریان بوروکراسی و تئوری اداری یک ((نظریه کلان)) به شمار می‌رفتند. به طور مثال نظریه اداری بر اصول و وظایف مدیریت در حد کلان نظر داشت در حالی که مدیریت علمی بیشتری روی روابط کارگر و کارش (زمان‌سنجی و حرکت‌سنجی) بحث می‌کند و تاکید آن بر روابط انسان با ماشین استوار است. بوروکراسی و تئوری اداری حالت تجربی کمتری داشته و بیشتر مبتنی بر استدلال‌های قیاسی است در

حالی که مدیریت علمی اصول خود را بر مبنای تحقیقات علمی و شیوه استقرائی استوار نموده است.

عناصر اصلی مکتب کلاسیک

هر سه جریان فکری مکتب کلاسیک از یک سو با همدیگر سازگار و از سوی دیگر مکمل یکدیگر هستند و به طور کلی دیدگاههای مشترکی درباره طبیعت افراد و سازمانهایشان ارائه می دهند که این دیدگاهها در چهار عنصر اصلی به شرح زیر می توان خلاصه نمود.

الف- اصل تقسیم کار: در نظریه بوروکراسی ماکس وبر و مدیریت علمی تیلور اهمیت تقسیم کار را می توان مبنائی برای اصول دیگر دانست زیرا وجود سلسله مراتب، تخصص و طبقه بندی وظائف در سازمان از تقسیم کار ناشی می گردد.

ب- سلسله مراتب و تخصص: سلسله مراتب با رشد عمومی و تخصص با توسعه افقی سازمان ارتباط دارد.

ج- رابطه منطقی: در هر سازمان وجود روابط منطقی بین فعالیتهای مختلف که بر اساس تقسیم کار به وجود آمده است الزامی می باشد. ارتباطات داخلی سازمان به دو گروه صف و ستاد تقسیم می شوند.

حیطه یا قلمرو نظارت: حد و مرز نظارت یک مدیر، چگونگی نظارت، شیوه تمرکز یا عدم تمرکز در یک سازمان نیز بر اساس این اصل باید مشخص باشد.

خلاصه ارزیابی و نقد نظریه کلاسیک سازمان

بر نظریه کلاسیک سازمان انتقادات قابل توجهی وارد شده که اهم آنها عبارتند از:

الف- در نظریه کلاسیک تنها ترکیب و ((آناتومی)) سازمان مورد بررسی قرار گرفته و به نقش افراد در رفتار سازمانی توجهی مبذول نگردیده است. همچنین به عوامل محیطی سازمان توجهی نمی شود.

ب- به اعتقاد علمای کلاسیک برای اداره امور سازمانها اصولی وجود دارد که جنبه کلیت (Univer Sality) داشته و در جمیع سازمانها به طور یکسان قابل اجرا و اعمال است.

ج- بعضی از اصول مکتب کلاسیک با یکدیگر هماهنگی نداشته و در مواردی در تضاد هستند. به طور مثال: اصل تخصص با اصل وحدت فرماندهی قابل تطبیق نیست.

نتیجه‌گیری و کاربردی نظریه کلاسیک در سازماندهی تعاونیها

گرچه تئوری کلاسیک سازمان دارای نکات قابل توجه و آموزنده‌ای می‌باشد و هم‌اکنون نیز آثار کاربرد این مفاهیم در بسیاری از سازمانهای بزرگ و پیچیده عصر حاضر مشهود است به عبارتی امکان سازماندهی موسسات بزرگ و پیچیده امروزی بدون استفاده و توجه به نظریه‌ها و تجربیات مکتب کلاسیک سازمان امری مشکل خواهد بود. ولی این که بخواهیم نظریه کلاسیک سازمان را به عنوان یک الگوی تمام عیار سازمانی و یک قالب قلب جهان شمول پذیرفته و در سازماندهی تعاونیها از چنین قالبی بدون جرح و تعدیل استفاده نمائیم کار بخردانه‌ای نیست. علیرغم برخی نکات مثبت در مکتب کلاسیک سازمان، باید با دیدنی واقع بین و منتقدانه به آثار و تبعات منفی آن هم نگریست و نتایج نامطلوب و عملکردهای منفی چنین طرز تفکری را از نظر دور نداشت.

در سازماندهی موسسات تعاونی با توجه به ماهیت انسانی و دموکراتیک تعاونیها توجه به ابعاد متعالی انسانی، مخصوصاً ویژگی‌های روانی، رفتاری، ارزشی و اعتقادی انسانها اساس کار و رمز موفقیت محسوب می‌شود. سازماندهی موسسات تعاونی باید به نحوی باشد که علاوه بر نیازهای مادی، انگیزه‌های روانی افراد نیز تأمین گردد و شیوه کار به نحوی باشد که سازماندهی در خدمت تقویت روحیه همکاری، خودیاری و کمک متقابل و رضا مندی اعضاء و کارکنان قرار گیرد.

اگر در سازماندهی تعاونیها شیوه‌ها و اسلوبهایی به کار گیرند که منجر به اعمال قوانین خشک و بی‌روح، سیاستهای انعطاف ناپذیر و دستوری از بالا و پائین، تشریفات زائد و دست و پاگیر، دیوانسالاری و خود محوری گردد با دست خود راه را برای نابودی و شکست شرکت تعاونی خود هموار نموده ایم. متأسفانه به این نکات بسیار اساسی و مهم و مخصوصاً به ابعاد روحی و روانی عامل انسانی و به روابط انسانی در مدل کلاسیک توجه لازم مبذول

نگریده است. در ضمن ما نمی‌توانیم کلیه سازمانهای تعاونی را بر اساس یک فرمول و قالب جهان شمول واحدی سازماندهی نمائیم.

اهداف، حجم عملیات، محدودیت و گستردگی حوزه فعالیت، تعداد اعضا، ماهیت فعالیت، یک منظوره و چند منظوره بودن مؤسسات تعاونی و نوع ماهیت هر یک از انواع تعاونی‌ها با توجه به شرایط اجتماعی - اقتصادی و محیطی شکل و اسلوب خاصی را برای سازماندهی طلب می‌کند.

در سازماندهی برخی از مؤسسات تعاونی به علت تنوع اهداف، پیچیدگی عملیات، گستردگی حوزه فعالیت، تعداد زیاد اعضا، حجم بسیار زیاد فعالیتهای مالی و معاملاتی، تخصصی بودن ماهیت فعالیت، گستردگی و پیچیدگی وظائف به اصل تقسیم کار، سلسله مراتب اداری، تخصص و حرفه‌گرایی باید توجه بیشتری مبذول گردد ولی در سازماندهی برخی از تعاونیهای دیگر به علت محدودیت حوزه فعالیت، اهداف، اعضا و سادگی فعالیتهای مالی و عملیاتی رعایت دقیق عوامل فوق حائز اهمیت زیادی نیست.

بنابراین بررسی دقیق ابعاد مختلف مکتب کلاسیک سازمان و توجه به تجارب مثبت و منفی این طرز تفکر می‌تواند نکات آموزنده‌ای را در سازماندهی مؤسسات تعاونی در برداشته باشد ولی استفاده و به‌کارگیری مقلدانه و کورکورانه از این مدل‌های سازمانی بدون توجه به عوارض و آثار و تبعات آن به هیچ وجه تجویز نمی‌گردد.

مکتب نئو کلاسیک

گرچه نئوکلاسیکها نیز پایه و اساس نظریات سازمانی خود را براساس نظریات کلاسیکها استوار نمودند ولی با دیدی انتقاد آمیز به طرز تفکر کلاسیکها می‌نگریستند و معروضات کلاسیکها را از بعد روابط انسانی و رفتاری غیر عملی، ذهنی و خارج از واقعیات عینی می‌پنداشتند، به عبارت دیگر نظریه نئوکلاسیکها در مورد سازمان همان نظریه اصلاح شده توسعه یافته و کاملتر شده تئوری کلاسیک می‌باشد که به جنبه‌های اجتماعی و روانشناسی نیروی انسانی به عنوان یکی از عوامل مهم سازمان توجه و تأکید خاصی شده است.

تعریفی که نئو کلاسیکها از سازمان ارائه می دهند را می توان به شرح زیر بیان کرد :

«سازمان عبارت است از مجموعه گروههای انسانی که اهداف مشترکی دارند.»

برخلاف تعریف کلاسیکها در این تعریف سازمان رسمی و عوامل اقتصادی محور نیست بلکه به مسائل انسانی به عنوان یکی از ارکان مهم سازمانی توجه بیشتری مبذول گردیده است و آن را از دوبعد مورد توجه قرار داده اند .

بعد فردی

نئوکلاسیکها روی تفاوتهای موجود بین افراد تأکید فراوان دارند و برخلاف کلاسیکها فرد را به عنوان ابزار و ماشین نمی نگرند . برای آنها مهم است که هر انسانی چه احساسی دارد , چگونه فکر می کند , مبانی ارزش و اعتقادش چیست , جاذبه های شغلی و محیط کارش کدام است . آنها معتقدند دنیای درونی روحی و رفتاری فرد به همان اندازه واقعیت خارجی در تعیین بهره وری مهم و مؤثر است .

بعد اجتماعی

نئوکلاسیکها علاوه بر ابعاد فردی شخصیت انسانی به بعد اجتماعی و به عبارتی جنبه های اجتماعی گروه های کار نیز توجه خاصی معطوف داشته اند و معتقدند موقعیت اجتماعی انسان در محیط کارش نقش مؤثری در بازدهی وی دارد و براین اساس به شناسایی سازمانهای غیر رسمی در سازمان رسمی اذعان می نماید .

به طور خلاصه مکتب نئوکلاسیک یا جنبش روابط انسانی با یک نگرش منطقی تر و عینی تر به ابعاد مختلف انسانی می نگرد و به همین دلیل به گونه ای وسیع در سازماندهی مورد استفاده و پذیرش قرار گرفته است . در سالهای اخیر این طرز تفکر مرتباً تجربه , تعدیل , اصلاح و تکمیل گردیده و با دیگر تئوریه‌ها و نظریات سازمانی ترکیب شده و به تدوین نظریه نوین سازمان و مدیریت سرعت بخشیده است .

همان طور که قبلاً متذکر شدیم در سازماندهی موسسات تعاونی توجه به ابعاد فردی و اجتماعی , روحی و روانی افراد انسانی بسیار حائز اهمیت بوده و می تواند نقش مؤثری در

جلب همکاری و تقویت روحیه خودیاری در آنها داشته باشد و می‌توان از تجربیات نظریه پردازان نئوکلاسیک در سازماندهی این مؤسسات بهره جست .

مکتب جدید سازمان (تئوری سیستم)

در سالهای اخیر شیوه خاصی تحت عنوان «تئوری سیستم» برای بررسیهای سازمانی متداول گردیده است . در این مکتب ، سازمان عبارت است از کلی که از اجزاء وابسته به هم ترکیب شده است ، اجزای این کل عبارتند از : نیروی انسانی ، سازمان رسمی ، سازمان غیر رسمی ، و محیط کار که این اجزای چهارگانه به وسیله شبکه ارتباطات به هم مربوط می‌شوند .

۱- نیروی انسانی

اولین جزء هر سازمان ، افراد انسانی با شخصیت‌های خاص خود می‌باشند . اعتقادات ، تمایلات و انگیزه‌ها که در واقع از اجزای مهم تشکیل دهنده شخصیت انسان می‌باشند ، حدود انتظارات و توقعات افراد را نسبت به سازمان معین می‌کند .

۲- سازمان رسمی

دومین جزء سیستم سازمان ، وجود روابط رسمی بین مشاغل ووظائف می‌باشد. به عبارت دیگر سازمان رسمی عبارت است از روابط بین مقامات و مشاغل برحسب مقررات و قواعد موضوعه .

۳- سازمان غیر رسمی

سومین جزء سیستم سازمان ، سازمان غیر رسمی است که از گروه‌هایی تشکیل شده که در اثر روابط شخصی و اجتماعی موجود (بین افراد شاغل و مسئولین آن سازمان) به دور هم جمع شده‌اند ، گرچه مدیران سازمان رسمی آنها را به رسمیت نمی‌شناسند ولی وجود سازمان غیر رسمی در سیستم سازمانی و اثرات قابل توجه آن در سازمان انکارناپذیر است .

۴- محیط کار

عبارت است از محیط مادی (ساختمان ، ماشین آلات ، ابزار و ادوات) که افراد انسانی رسمی و غیر رسمی در آن به فعالیت می‌پردازند .

۵- ارتباطات

شبکه ارتباطات در هر سازمان اجزاء آن سازمان را از طریق انتقال و مبادله اطلاعات و مفاهیم به صورت گوناگون (شفاهی، کتبی، محرمانه، آشکار و...) به یکدیگر مربوط نموده و بین فعالیتهای مختلف هماهنگی به وجود می‌آورد. در حقیقت شبکه ارتباطات به عنوان عامل نظارت و هماهنگی، مراکز مختلف اخذ تصمیم را در یک سازمان به هم مربوط می‌کند.

برخلاف نظریه کلاسیکها که اغلب بر ساختار ایستای سازمان تأکید می‌ورزد، مکتب نوین سازمان بر فرآیندهای پویای که در داخل ساختار سازمان به وقوع می‌پیوندد، تأکید دارد و سازمان را به عنوان یک سیستم اجتماعی پویا مطرح می‌سازد که از همکاری و تعاون افراد به منظور تأمین نیازهای فردی به وجود می‌آید.

این افراد با تشکل در سازمان رسمی و غیر رسمی و با استفاده از ابزار و ادوات و امکانات فیزیکی محیط کار براساس تفاهم و سازش، با یکدیگر به همکاری پرداخته و با انتقال و مبادله اطلاعات از طرق مجاری رسمی و غیر رسمی با یکدیگر ارتباط برقرار نموده و هماهنگ می‌شوند. نگرش سیستمی سازمان برخلاف دیدگاه کلاسیک یک نگرش یک بعدی نیست بلکه به ابعاد مختلف رفتار انسانی و اجزاء سازمانی توجه نشان می‌دهد. نظریه مدرن سازمان بر این عقیده است که سازمان دائماً باید با استفاده از اطلاعات باز خورد به تکمیل و تصحیح و اصلاح خود مبادرت نموده و با ارزیابی‌های صحیح مقطعی و تداومی در رفع کمبودها، نقائص و عیوب خود تلاش نماید.

نظریه نوین سازمان یک دید «خردنگر» یا «کلان‌نگر» را در باره سازمان مطرح نمی‌نماید بلکه تأکید دارد که سازماندهی موسسات باید با توجه به ابعاد کلان و خرد مسائل سازمانی استوار باشد. اولاً با یک بینش استقرائی دقیقاً اجزاء خرد سازمان باید مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند، ثانیاً در یک قالب کلی، سازمان به عنوان یک مجموعه سیستماتیک که از اجزاء وابسته به تشکیل شده است باید مد نظر قرار گیرد و در درجه سوم هر سازمانی خود زیر مجموعه‌ای از سایر سازمانهای اجتماعی به شمار می‌رود و با توجه به شرایط

محیطی باید روابط و اثرات متقابل سازمان با دیگر سازمانهای اجتماعی مورد توجه قرار گیرد .

در تئوری سیستم به این مسئله نیز اشاره شده که تلاش برای بهبود اجزاء داخلی یا نیل به اهداف داخلی سازمان نمی‌تواند شرط کافی برای افزایش کارآئی و بازدهی کل سیستم باشد بلکه باید یک تعادل و توازنی بین اصلاح اجزاء و بهبود کل سیستم به وجود آید . برخلاف نظریه کلاسیکها ، نظریه پردازان مکتب جدید سازمان ، معتقد نیستند که نظریات سازمانی ، قواعد و اصولی تغییر ناپذیر بوده و این اصول بدون کم و زیاد و به طور قطعی باید در سازماندهی مؤسسات رعایت گردد ، بلکه تئوریسین های مکتب جدید سازمان مواضع خود را در عباراتی شبیه ممکن است ، عموماً و معمولاً بیان داشته اند به جای ارائه اصول علمی به تدوین پیشنهادات علمی مبادرت نموده اند . همچنین به جای ارائه نظریه های رسمی و یابدی و دستوری به ارائه نظریات توصیفی و تشریحی در زمینه سازماندهی و مدیریت اقدام نموده اند باید به این نکته توجه شود که یکی از ویژگی های مهم نظریه مکتب جدید سازمان ، نگرش خاص این مکتب نسبت به سازمان ، به عنوان یک سیستم مصاحبه جو و انعطاف پذیر است . به عبارتی اگر سازمان بخواهد در محیط خود به حیات خویش ادامه دهد باید بتواند خود را با تغییرات و شرایط محیط هماهنگ سازد . به دلیل آن که هر سازمان اجتماعی - اقتصادی از نظر منابع مورد نیاز خود به محیط نیازمند و وابسته است و حاصل کار او نیز توسط همان محیط جذب ویا ارزیابی می شود . بنابراین یک سیستم پویا و فعال همیشه باید در حالت نوعی تعادل و توازن با محیط خود باشد و اجزای تشکیل دهنده خود را بنا به اقتضاء در مقابل تغییرات ، تعدیل و تنظیم کند .

سازماندهی در تعاونیها و مکتب جدید سازمان

اصولاً برای سازماندهی یک مؤسسه اجتماعی و اقتصادی باید از الگوها و اسلوبها و اصول و نظریاتی استفاده شود که با فلسفه وجودی و اهداف کلی و ماهیت و فعالیت آن مؤسسه هماهنگ باشد . سازماندهی مؤسسات تعاونی نیز از این قاعده کلی مستثنی نیستند . مؤسسه تعاونی یک نهاد اجتماعی - اقتصادی است که از اجتماع انسانها تشکیل میشود ، به صورت

دموکراسی اداره می‌شود، هر یک از اعضا در تصمیم‌گیریها و تعیین خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذارها ی این موسسات نقش یکسانی به عهده دارند. و کلیه اعضا در سرنوشت موسسه تعاونی خود ونحوه اداره آن مشارکت یکسان دارند. رمز موفقیت تعاونیها در جلب مشارکت اعضا و تقویت روحیه همکاری و تعاون بین آنها است. با توجه به این‌که شالوده موسسات تعاونی بر انسانها استوار بوده و نقش نیروی انسانی در موسسات تعاونی به مراتب پراهمیت‌تر و حساس‌تر از سایر موسسات اقتصادی می‌باشد، توجه به ابعاد مختلف مادی و معنوی رفتاری و روحی و انگیزه‌های فردی و اجتماعی نیروی انسانی در تعاونیها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است اگر یک موسسه تعاونی با توسل به الگوها و اسلوبها و شیوه‌ها و قواعد و نظریاتی استوار گردد که بتواند در درجه اول به تأمین و ارضای نیازهای مادی و معنوی اعضا مبادرت نموده و روحیه همکاری و خودیاری و تعاون را در بین آنها تقویت نماید و در درجه دوم سازماندهی به نحوی مناسب و مطلوب طراحی شود که شرکت تعاونی را در جهت اهداف اقتصادی و اجتماعی خویش رهنمون سازد، چنین موسسه‌ای موفقیت لازم را کسب خواهد کرد.

تئوری جدید سازمان‌دارای ویژگی‌ها و نکات قابل توجهی است که با روحیه و فلسفه تعاونیها هماهنگی بیشتری دارد. داشتن نگرش سیستمی به سازمان، داشتن تعبیری از سازمان به عنوان یک نهاد اجتماعی پویا، داشتن توجه به ابعاد مختلف مادی، روانی، رفتاری و انگیزه‌های انسانی به عنوان جزء مهمی از سازمان، پذیرش سازمان غیر رسمی به عنوان یکی از اجزاء اصلی سازمان، توجه به ابعاد کلان و خرد مسائل سازمانی، توجه به سازمان به عنوان یک سیستم مصالحه‌جو و انعطاف‌پذیر، نفی نمودن شیوه‌بایدی و دستوری و تکیه بر مشورت و مشارکت عمومی، در تصمیم‌گیریها، و نهایتاً سیستم باز، و دیدگاه دموکراتیک این مکتب نسبت به مسائل انسانی می‌تواند نکات قابل توجه و مثبتی در رابطه با سازماندهی به کار بندند و مخصوصاً در انعطاف‌پذیری، پویائی و هماهنگی سازمان باید به شرایط محیطی و نیازهای روز اعضا توجه بیشتری مبذول نماید.

مکتب اقتضاء

جدیدترین تئوری سازمان که از سالهای ۱۹۷۰ میلادی مطرح شد، دیدگاه اقتضاء یا اضطرار در سازمان و مدیریت بود. براساس این نظریه برای سازماندهی یک الگوی مشخص و قالب معنی‌یاب عبارت «یک تنها راه» وجود ندارد بلکه محیطهای گوناگون، نیازمند روابط سازمانی متفاوتی هستند تا از طریق بیشترین کارآئی حاصل گردد. طرفداران این نظریه معتقدند نمی‌توان یک قانونمندی یکسانی برای مسائل رفتاری انسانی در درون سازمان تدوین نمود و برآن اساس قواعد و اصول مشخصی تنظیم کرد. افراد از نظر روحی و روانی و رفتاری با یکدیگر متفاوت هستند و هر یک دارای نیازها و انگیزه‌های خاص خود می‌باشند. هر شخص و هر موقعیتی با شخص و موقعیت دیگر تفاوت‌هایی دارد طراحی سازمان براساس مکتب اقتضاء هنوز در مراحل اولیه تحقیقاتی و تجربی خود به سر می‌برد و کاربرد آن برای سازماندهی مؤسسات کار ساده‌ای نیست. در محیط‌های کار هنوز بسیاری از عوامل ناشناخته هستند ولی بر اساس نظریه اقتضاء می‌توان از اعمال سیستم‌های بسته و متمرکز در سازماندهی پرهیز نمود و به مطالعات و تحقیقات درون سازمانی توجه بیشتری مبذول داشت و طراحی سازمانی را با انعطاف‌پذیری و پویایی بیشتری انجام داد.

منابع و ماخذ

- ۱- اختر محققى، مهدى، سرمایه اجتماعی، ناشر مولف، ۱۳۸۵
- ۲- آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان ۱۳۷۰
- ۳- اصول و اندیشه‌های تعاون وزارت معاونت تحقیقات آموزش و ترویج- دفتر آموزش ۱۳۸۳
- ۴- امامی میبدی، علی، اصول اندازه‌گیری کارایی و بهره‌وری، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۹
- ۵- امینی، علی اکبر، تعاونی راهی بسوی جامعه سالم، ناشر وزارت تعاون ۱۳۷۲
- ۶- بشر خواه، سیمین دخت، جنبه‌های اجتماعی نهضت تعاون، ۱۳۵۱
- ۷- بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضلی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۱
- ۸- پاساکوئه واتکینز، ویلیام، اصول تعاون، ناشر وزارت تعاون معاونت آموزش و جورج ریتزر، نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران انتشارات علمی ۱۳۷۴
- ۹- حاجی بخشی، رضا، جلوه‌هایی از تعاون، انتشارات دارالنشر اسلام، ۱۳۷۱
- ۱۰- جزنی، نسرین، مدیریت منابع انسانی، نشر نی ۱۳۷۸
- ۱۱- سالکی، حسین، اندیشه‌های سیاسی اقتصادی اجتماعی در جهان معاصر، ناشر مولف ۱۳۶۹
- ۱۲- سلیم، غلامرضا، اصول مدیریت تعاونیها، انتشارات دانشگاه پیام نور ۱۳۷۱
- ۱۳- سید مطهری، سید مهدی، ارزیابی طرح‌های تولیدی-فنی، اقتصادی، مالی، ناشر مؤسسه مطالعات و پژوهش بازرگانی‌های. تهران. ۱۳۷۴.
- ۱۴- شیرانی، علیرضا، اقتصاد تعاون، ناشر سازمان مرکزی تعاون ۱۳۶۸
- ۱۵- دفت، ریچارد ال، تئوری سازمان و طراحی ساختار، مترجمان علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، ناشر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی ۱۳۷۴

- ۱۶- دفتر بررسی‌های اقتصادی، عملکرد وزارت تعاون، نشریه مجلس و پژوهش، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۰، سال هشتم، ۱۳۸۰
- ۱۷- دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت، انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۸- ژان استونزل، روانشناسی اجتماعی، ترجمه عباس کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- ۱۹- طالب، مهدی؛ اصول اندیشه‌های تعاونی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۶
- نامغ، پرویز، مدیریت تعاونیها، نشر آروین ۱۳۷۷
- ۲۰- طالب بیگی، فیروز، اندیشه تعاون و تجربیات تعاونی در کشورهای در حال توسعه، انتشارات موسسه آموزش و تحقیقات تعاونی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۰
- ۲۱- فیض پور، محمد علی، اولین کنفرانس ملی (تعاون، اشتغال و توسعه) چاپ اول ۱۳۸۵
- ۲۲- قنبری، محمود، ابراهیم زاده، علی کتاب اقتصاد خانواده و مسکن ناشر انتشارات پایگان، ۱۳۸۲
- ۲۳- کلیمن، موریس، مقدمه‌ای بر تعاون، انتشارات سازمان مرکزی تعاون کشور ۱۳۶۱
- ۲۴- گی‌روشه، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
- ۲۵- گرگ، مک لئورد، شرکت تعاونی به مثابه وزنه تعادلی در فرآیند جهانی شدن، فصلنامه همیار ۱۵، ۱۳۸۱
- ۲۶- معاونت تحقیقات آموزش و ترویج وزارت تعاون، تحلیلی بر وضعیت اشتغال و مشکل بیکاری و ارائه راهکارهای تعاونی برای ایجاد اشتغال ۱۳۷۹
- ۲۷- مهرگان، نادر، جایگاه بخش تعاون در اقتصاد ایران انتشارات وزارت جهاد سازندگی ۱۳۶۶
- ۲۸- منفرد، نوذر، زمینه‌یابی ایجاد اشتغال زنان از طریق تشکل‌های تعاونی در استان بوشهر، وزارت تعاون، ۱۳۸۲

۲۹- نظام شهیدی، مهراندخت، اصول مدیریت تعاونی‌ها در ایران ناشر: روشنگران

نصر ۱۳۸۰

۳۰- هنری مندراس و ژرژ گورویچ، مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام، تهران، انتشارات

سیمرغ، ۱۳۵۵.

منابع انگلیسی

- 1- Havel, Václav (President of the Czech Republic).1997.A lecture before the Members of Parliament. Prague, 1997.
- 2-Lipschutz, Ronnie .1992. Reconstructing World Politics: The Emergence of Global Civil Society', in Millennium,
- 3-Rick Fawn and Jeremy Larkin (eds.), International Society After the Cold War, London, Macmillan.
- 4- Skidmore,David.2001.Civil Society, Social Capital and Economic Development .
- 5-Van Till, Jean. Growing Civil Society: From Nonprofits Sector to Third Space .Bloomington: Indiana University Press,2000.
- 6_ "Report of the Special Workshop on ICA Co-operative Identity Statement - From Theory to Practice".1997
- 7-World Economic forum , The Global Competitiveness report Geneva

منابع الکترونیکی

۱- سایتهای اینترنتی مرتبط

۲- نمایه